



قدم به قدم، همراه دانشجو...

WWW.GhadamYar.Com

جامع ترین و به روزترین پرتال دانشجویی کشور (پرتال دانش)
با ارائه خدمات رایگان، تحصیلی، آموزشی، رفاهی، شغلی و...
برای دانشجویان

- (۱) راهنمای ارتقاء تحصیلی. (کاردانی به کارشناسی، کارشناسی به ارشد و ارشد به دکتری)
- (۲) ارائه سوالات کنکور مقاطع مختلف سالهای گذشته، همراه پاسخ، به صورت رایگان
- (۳) معرفی روش های مقاله و پایان نامه نویسی و ارائه پکیج های آموزشی مربوطه
- (۴) معرفی منابع و کتب مرتبط با کنکورهای تحصیلی (کاردانی تا دکتری)
- (۵) معرفی آموزشگاه ها و مراکز مشاوره تحصیلی معتبر
- (۶) ارائه جزوات و منابع رایگان مرتبط با رشته های تحصیلی
- (۷) راهنمای آزمون های حقوقی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۸) راهنمای آزمون های نظام مهندسی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۹) راهنمای آزمون های کارشناسان رسمی دادگستری به همراه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۱۰) آخرین اخبار دانشجویی، در همه مقاطع، از خبرگزاری های پربازدید
- (۱۱) معرفی مراکز ورزشی، تفریحی و فروشگاه های دارای تخفیف دانشجویی
- (۱۲) معرفی همایش ها، کنفرانس ها و نمایشگاه های ویژه دانشجویی
- (۱۳) ارائه اطلاعات مربوط به بورسیه و تحصیل در خارج و معرفی شرکت های معتبر مربوطه
- (۱۴) معرفی مسائل و قوانین مربوط به سربازی، معافیت تحصیلی و امریه
- (۱۵) ارائه خدمات خاص ویژه دانشجویان خارجی
- (۱۶) معرفی انواع بیمه های دانشجویی دارای تخفیف
- (۱۷) صفحه ویژه نقل و انتقالات دانشجویی
- (۱۸) صفحه ویژه ارائه شغل های پاره وقت، اخبار استخدامی
- (۱۹) معرفی خوابگاه های دانشجویی معتبر
- (۲۰) دانلود رایگان نرم افزار و اپلیکیشن های تخصصی و...
- (۲۱) ارائه راهکارهای کارآفرینی، استارت آپ و...
- (۲۲) معرفی مراکز تایپ، ترجمه، پرینت، صحافی و ... به صورت آنلاین
- (۲۳) راهنمای خرید آنلاین ارزی و معرفی شرکت های مطرح
- (۲۴)



WWW.GhadamYar.Ir

۰۹۱۲ ۳۰۹۰ ۱۰۸

WWW.PortaleDanesh.com

باما همراه باشید...

WWW.GhadamYar.com

WWW.GhadamYar.Org

۰۹۱۲ ۰۹ ۰۳ ۸۰۱



آشنایی با حقوق جزا و جرم‌شناسی

برای مدیریت زندان

تالیف

دکتر جعفر حسنی

تابستان ۱۳۹۷



والتي ياتين الفحشة من نسائك فاستشهدوا عليهن اربعة منكم فان شهدوا

فامسكوهن في البيوت حتى يتوفهن الموت

سوره مباركه نساء/ ١٥

فهرست محتویات

| | |
|--|----|
| مقدمه | ۴ |
| ۱- کلیات حقوق جزا (عناصر اصلی جرم) | ۷ |
| مفهوم جرم | ۷ |
| مفهوم مجرم و انواع مسئولیت کیفری | ۱۳ |
| مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی | ۱۵ |
| ضمیمه- آشنایی با مجازات تبعید | ۱۸ |
| ۲- آشنایی با عناوین مجرمانه | ۲۰ |
| فهرست کلی عناوین مجرمانه | ۲۱ |
| ۳- آشنایی با دانش جرم‌شناسی در اداره زندان | ۲۶ |
| کاربرد جرم‌شناسی در زندان | ۳۰ |
| ۴- کاربرد کیفرشناسی در اداره زندان | ۳۲ |
| الگوهای کیفرشناختی | ۳۳ |
| کاربرد کیفرشناسی در اداره زندان | ۳۴ |
| ۵- آشنایی با انواع جایگزینهای حبس | ۳۶ |
| تعویق ساده و مراقبتی | ۳۷ |
| تعلیق اجرای مجازات | ۳۹ |
| نظام نیمه آزادی | ۴۰ |
| نظام آزادی مشروط | ۴۱ |
| نظارت الکترونیکی | ۴۲ |
| مجازات‌های جایگزین حبس | ۴۲ |
| ۶- آشنایی با قوانین عفو | ۴۵ |

۷- آشنایی با آیین دادرسی کیفری و اجرای احکام..... ۴۸

۴۸..... دادرسی و ضابطین

۵۲..... رسیدگی در دادگاه

۵۴..... رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر و دیوانعالی کشور

۵۷..... اعاده دادرسی

۵۸..... اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی

۸- وظایف و اختیارات قاضی اجرای احکام و ناظر زندان..... ۶۳

۶۴..... وظایف و اختیارات قاضی اجرای احکام در خصوص کم و کیف اجرای حکم کیفری

۶۵..... وظایف قاضی اجرای احکام در نظارت بر زندانیان و مرخصی ایشان

۶۶..... سایر وظایف و اختیارات مقرر برای قاضی اجرای احکام در قانون آیین دادرسی کیفری

مقدمه

مجازات یک واکنش جمعی در برابر رفتاری است که تعرض به الزامات آن جمع محسوب می‌شود. اما این واکنش یک واکنش ساده نیست بلکه به دلیل ارتباط آن با واقعیات انسانی و اجتماعی بسیار پیچیده است و هر چه این واقعیت‌ها و مسائل دامنه گسترده‌تری پیدا می‌کند، پیچیدگی‌ها و ابعاد آن نیز بیشتر و بیشتر می‌شود. از زمانی که مجازات صرفاً یک واکنش غریزی برای حفظ حیات جمعی بوده تا امروز که اهداف و اغراض مختلف به ویژه با رویکردهای حقوق بشری برای مجازات در نظر گرفته می‌شود، تحولات بسیاری رخ داده است. شواهد حاکی از این است که مجازات در عصر باستان بیشتر با هدف طرد و حذف مجرم به عنوان یک موجود متجاوز به حقوق و حیات دیگران اجرا می‌شده است مانند هر موجود زنده دیگری که برای حفظ حیات خود تلاش کرده و حتی در برابر کوچکترین تجاوزها نیز تا حد مرگ، واکنش نشان می‌دهد. به همین دلیل بیشتر این مجازات‌ها اشکال مختلفی از مرگ یا سلب توان فیزیکی از جمله قطع اعضای بدن بوده است. با پدیداری آموزه‌های مذهبی، تبیین جدیدی از جرم و مجرم در قالب نیروهای شر و شیطانی ایجاد می‌شود و مجازات به عنوان یک آیین مذهبی، تابع تشریفات خاصی می‌شود. اما قالب‌های ابتدایی مذهب تنها این آیین‌ها را به وجود می‌آورد و هدف مجازات بیشتر حالت کفاره گناه پیدا می‌کند. چنین رویکردی با وصف انتقام از رفتار گذشته همراه شده و در برخی موارد برای مجازات مجرم به عنوان یک موجود شیطانی، واکنش‌های شدیدی نشان داده می‌شود که در برخی موارد مانند سوزاندن، مثله کردن بدن مجرم، پرتاب از ارتفاع بلند و ... شدت این واکنش‌ها قابل توجه است. اما به تدریج از یکسو با بعثت انبیاء عظام و معرفی ادیان کاملتر مانند مسیحیت و اسلام با آموزه‌های اخلاقی متعالی و از سوی دیگر با پیشرفت اخلاقی جوامع و نظریه‌های حقوق طبیعی و حقوق بشری، به تدریج رویکردهای اخلاقی مانند لزوم اصلاح و درمان مجرم و استفاده از مجازات به عنوان آخرین راه حل وارد حقوق کیفری می‌شود.

این تحولات به صورت بارزی در مجازات زندان نیز نمایان می‌شود. زندان از سیاه‌چال دهشتناکی که صرفاً جایی برای انتقام و شکنجه مجرم بوده و به میزان نامحدود بر وی تحمیل می‌شد طوری که از آن به عنوان فراموشخانه استفاده می‌شود به مکانی برای جبران نقایص جامعه در حوزه درمان، آموزش، کارآموزی و تزکیه نفس تغییر ماهیت می‌دهد. به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد زندان در عصر نوین با زندان‌های قدیم تنها یک تشابه اسمی دارند و ماهیتاً کاملاً متفاوت هستند یا به عبارت بهتر باید متفاوت باشند.

وفق مستندات تاریخی، زندان در صدر اسلام صرفاً برای اصلاح و بازسازی مجرم مورد استفاده بوده است.^۱ امیرالمؤمنین علی (ع) نخستین زندان را از بوریاء ساخت که تنها پس از فرار زندانیان از آن مکان، دیوارهای آن را از

^۱ در مذهب مسیحیت نیز چنین افکاری دیده می‌شود. در سال ۸۱۷ میلادی در مجمع روحانیون مسیحی در رم، مقررات مربوط به اداره زندان‌ها تصویب و تاکید شد که زندان‌ها باید جنبه اصلاحی و تربیتی داشته باشند و برای نیل به این هدف، زندانیان باید به روش انفرادی نگهداری شده و به آنان کار دستی آموخته شود. اجازه خواندن کتب مذهبی را داشته و روحانیون در زندان‌ها، زندانیان را ملاقات و با نصایح سودمند آنان را به راه راست هدایت کنند. این روش در سال ۱۳۶۶ میلادی

خشت و سنگ بنا کرد. اولاً زندان صرفاً برای جرایم محدودی در نظر گرفته می‌شد ثانیاً در این زندان، آموزش دین و اخلاق از وظایف حاکمیت بود. زندانیان برای نماز جمعه و سایر عبادات جمعی حق خروج از زندان را داشتند. هیچ شکنجه‌ای بر ایشان جایز نبود و مجرمین بیشتر برای تفکر و تنبه در احوال خود در این مکان محدود نگهداری می‌شدند و به محض احراز اصلاح، توقیف آنها خاتمه پیدا می‌کرد.

پس از جنگ دوم جهانی، در حقوق کیفری جدید تحت تأثیر اقدامات جنبش دفاع اجتماعی در زمینه رعایت و احترام به حقوق بشر به ویژه با صدور اعلامیه حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی، حق آزادی که پس از حق حیات یکی از اساسی‌ترین حقوق بشر محسوب می‌شود، جایگاه خود را پیدا کرد و مجازات حبس بازنگری شد و تنها برای جرایم محدود با شرایط خاص قابل اعمال تشخیص داده شد. در مواردی هم که مجازات حبس برای مجرم در نظر گرفته می‌شود، اجرای آن مستلزم رعایت شرایط خاص آموزشی و درمانی همراه با محدودیت‌های قابل توجه است. لذا زندان در حال حاضر از یک محبوس کردن ساده زندانی به یک برنامه پیچیده با اهداف مختلف تبدیل شده است که ایجاد و اداره آن مستلزم داشتن یک رویکرد راهبردی و به کارگیری سطح وسیعی از دانش‌های مختلف نظری و تجربی است؛ مدیریت، اقتصاد، کارآفرینی، روانشناسی، بهداشت، تغذیه، حقوق، آئین دادرسی کیفری، جرم‌شناسی و کیفرشناسی هم این علوم هستند.

آشنایی با علوم جنایی چه در شاخه‌های نظری آن مانند حقوق و آئین دادرسی کیفری چه در شاخه‌های تجربی آن مانند جرم‌شناسی و کیفرشناسی برای کارکنان و مدیران زندان از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر است. آشنایی با جرم محکومان برای طبقه‌بندی و تفکیک حقوقی ایشان و همکاری با مرکز ملی داده‌های قضایی، آشنایی با حقوق جزا جهت بررسی جرایم ارتكابی در زندان و نیز استفاده از اصول آن در رسیدگی به تخلفات زندانیان، آشنایی با نهادهای حقوق جزا مانند تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط جهت اعمال آنها، آشنایی با آئین دادرسی کیفری برای اجرای دقیق مجازات حبس و کم و کیف همکاری با قاضی اجرای احکام به عنوان مقام ناظر زندان، آشنایی با جرم‌شناسی جهت استفاده در طبقه‌بندی و تفکیک شخصیتی مجرمان، آشنایی با کیفرشناسی جهت انتخاب بهترین روش اجرای حبس نسبت به هر زندانی از میزان مرخصی وی تا نحوه کارآموزی و ... از مهمترین دلایل ضرورت آشنایی با علوم جنایی است.

جزوه حاضر به منظور آشنایی همکاران سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی با علوم جنایی به ویژه حقوق کیفری، آئین دادرسی کیفری، جرم‌شناسی و کیفرشناسی تنظیم شده است. در تنظیم این جزوه دو نکته مورد نظر بوده است؛ اولاً مخاطب جزوه کارکنان دانش‌آموخته در رشته‌های غیر از حقوق است و دانش‌آموختگان حقوق باید تلاش بیشتری جهت آموزش‌های پیشرفته‌تر داشته باشند هر چند که مطالب آن برای ایشان نیز مفید است. دوم نظر به اینکه آموزش آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها دوره مجزایی است و از سوی دیگر در شرف تغییر است، در این جزوه تنها در

مجدداً مورد تأکید قرار گرفت و نام زندان به ندامتگاه تغییر کرد. در سال ۱۵۵۹ در آمستردام، زندان خاصی جهت آموزش کار و تربیت مذهبی زندانیان افتتاح شد. افراط در روش حبس انفرادی نتایج تاسف‌انگیز داشت و اغلب زندانیان پس از تحمل چند سال مجازات، مبتلا به بیماری‌های روانی شدند. به همین سبب در سال ۱۸۱۶ در ایالت نیویورک زندان اُبرن افتتاح شد که زندانیان روزها دسته جمعی با هم کار می‌کردند ولی حق حرف زدن با یکدیگر را نداشتند و شبها به طور انفرادی به سر می‌بردند. کم‌کم روش‌های مختلط ابداع شد که انواع روش‌های اجرای مجازات حبس در آنها به کار گرفته می‌شد تا بهترین نتیجه ممکن از این مجازات حاصل شود.

حد ضرورت به مواد آن اشاره شده است.

۱- کلیات حقوق جزا (عناصر اصلی جرم)

نظام حقوقی مجموعه‌ای از نهادها و فرآیندهاست که استفاده قاعده‌مند از سلطه حاکمیت برای تنظیم و هماهنگی نهادها و روابط مهم جامعه را شکل می‌دهد. به طور منطقی رابطه‌ی مستقیمی میان شدت قدرت به کار رفته و اهمیت نهادها و روابط اجتماعی وجود دارد. لذا حقوق کیفری که صرفاً برای تضمین اساسی‌ترین الزامات اجتماعی به کار می‌رود عبارتست از «استفاده قاعده‌مند از قوه قهریه حاکمیت، جهت تضمین الزام‌های اساسی جامعه با ضمانت اجرای سلب حقوق بنیادین تابعین قانون». از این رو حقوق کیفری بر مبنای سه مفهوم بنیادین پایه‌گذاری شده است: جرم، مجرم و مجازات.

مفهوم جرم

جرم مهم‌ترین مفهوم در حقوق کیفری است. هر شخصی می‌تواند کنش‌ها و اعمال خود را از میان هزاران بلکه میلیون‌ها رفتار، انتخاب کند. اصل بر این است که تمام رفتارها مباح هستند مگر اینکه از قبل جرم‌انگاری شده و رفتار مجرمانه و میزان سوءنیت لازم برای آن در قانون پیش‌بینی شده باشد. مقنن برای انتخاب رفتارهای مجرمانه معیارهایی به کار می‌بندد که معیارهای جرم‌انگاری نامیده می‌شود. با توجه به نظام‌های مختلف حقوقی، این معیارها می‌تواند متفاوت باشد. از شدت ضرر فردی و اجتماعی رفتار و ایجاد ترس از جرم تا میزان مغایرت آن با اخلاق و شرع، میزان ارتکاب رفتار در جامعه، نرخ رشد آن رفتار و ... می‌تواند به عنوان معیار انتخاب رفتارهای مجرمانه به کار رود. اما علی‌ایحال مقنن رفتارهایی را به عنوان جرم انتخاب می‌کند که آسیب‌های اساسی به الزامات اساسی جامعه وارد کند. اما تا قبل از اینکه رفتار مزبور به تصویب مجلس نرسد و به صورت دقیق در قانون پیش‌بینی نشود عنوان مجرمانه نخواهد داشت. لذا برای اینکه یک رفتار مجرمانه تلقی شود باید واجد سه عنصر باشد: عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر روانی.

عنصر قانونی

اصل قانونی بودن جرم و مجازات الزام می‌کند که صرفاً رفتاری (اعم از فعل یا ترک فعل) جرم باشد که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است. برای اعلام ارزش‌های بنیادین جامعه و پیش‌بینی آنها در تصمیمات و رفتارهای شهروندان، قابلیت پیش‌بینی حقوق کیفری، تضمین آزادی‌های شهروندان و پیشگیری از سوءاستفاده ابزاری از حقوق کیفری، قانون کیفری باید قبل از رفتار مجرمانه تصویب و اعلام شده باشد. اهمیت عنصر قانونی به اندازه‌ای است که اصل یکصد و شصت و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌کند: «هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود». این اصل قانون اساسی، اصل قانونی بودن جرم را ذکر می‌کند. همچنین اصل سی و ششم قانون اساسی نیز با وضع اصل قانونی بودن مجازات و نیز اصل قانونی بودن

دادرسی، حکم به مجازات و اجرا آن را تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون می‌داند. بر این اساس، مواد ۲، ۱۰ و ۱۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) بر عنصر قانونی تأکید کرده ماده ۱۰ قانون مزبور تأکید می‌کند: «در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد...». لازم به ذکر است که ماده ۱۲ فوق‌الذکر نیز علاوه بر اصل قانونی بودن مجازات و قانونی بودن دادرسی، به اصل قانونی بودن اقدام تأمینی و تربیتی نیز تصریح کرده است.^۱

لازم به ذکر است قانون دو مفهوم عام و خاص دارد. در مفهوم عام، به هر مقرر الزام‌آوری که از جانب حاکمیت و نهادهای صاحب صلاحیت آن وضع شود و دارای ضمانت اجرای رسمی باشد قانون گفته می‌شود. اما در مفهوم خاص، قانون صرفاً به مقرر الزام‌آوری که از جانب **قوه مقننه** مقرر در قانون اساسی وضع شده است اطلاق می‌گردد که این مفهوم خاص از قانون برای وضع جرم، مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی مورد نظر است. لذا وفق اصول ۶۲ تا ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی صرفاً مصوبات مجلس شورای اسلامی، قانون محسوب شده و صلاحیت تعیین جرم، مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی را دارد. البته هر کدام از مصوبات مجلس شورای ملی (قبل از انقلاب) که مغایرت آن با شرع اعلام نشده باشد نیز قانون در مفهوم خاص محسوب می‌شود. همچنین رویه قضایی کشور مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام را اگر چه در قانون اساسی به عنوان نهاد تقنین شناسایی نشده است، اما بنا به اجازه ولایت فقیه، قانون محسوب می‌نماید. قوانینی مانند قانون مبارزه با مواد مخدر که تعداد قابل توجه زندانیان کشور، مستند به این قانون محکوم شده‌اند، از مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد. پس از شناسایی قانون در مفهوم اخص، باید توجه کرد که جهت حفظ مزایای اصل قانونی بودن جرم و مجازات، قوانین موضوعه نباید به طور موسع تفسیر شود یا رفتاری با قیاس و تشبیه به یکی از مواد قانونی مورد تعقیب و مجازات قرار گیرد. زیرا تفسیر موسع یا تفسیر قیاسی ماده قانونی، موجب سرایت جرم به رفتارهایی می‌شود که از قانون قابل برداشت نیست و چنین اقدامی در حکم مجازات کردن رفتاری بدون قانون است.

در مواردی بنا به مصالح جمعی و منافع عمومی مانند لزوم دفاع مشروع در برابر متجاوزین، ارتکاب بدون سوءنیت و از روی اضطرار برای حفظ حقوق مهم، اجرای قانون مهم، لزوم اجرای آسان حکم یا اجازه قانون مانند اعدام مجرمین، لزوم برقراری نظم سازمانی و تبعیت از امر قانونی آمر قانونی، ضرورت تأدیب یا حفاظت از صغار و مجانین و محجورین، حمایت از ورزش و نیز عملیات طبی و جراحی، رفتاری که در قانون جرم است در وضعیت‌های فوق‌وقوع شرایط قانونی ارتکاب یابد، جرم محسوب نخواهد شد که این وضعیت‌ها عوامل موجهه جرم نامیده می‌شود.

^۱ ماده ۱۲ ق.م.ا- حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد.

عنصر مادی

منظور از عنصر مادی، همان رفتار فیزیکی مجرمانه است. رفتاری که یک الزام اجتماعی اساسی را به شکل اساسی نقض می‌کند. بر اساس تفاوت‌های جوامع این الزام اجتماعی که نقض اساسی آن جرم‌انگاری می‌شود می‌تواند اخلاق، دین، نظم اجتماعی، امنیت فردی و اجتماعی، حقوق اساسی شهروندان مانند جان، مال، آزادی، عرض و ناموس و ... باشد. اما هم شناسایی الزامات **اساسی** اجتماعی و هم تشخیص نقض **اساسی** آن الزامات، به دلیل کیفی بودن مفهوم «اساسی» و ارتباط آنها با واقعیت‌های انسانی و اجتماعی، نسبی بوده و می‌تواند مبهم باشد و حتی مورد سوءاستفاده قرار گیرد. از این رو در حقوق کیفری مدرن، قانون ملاک اصلی تشخیص است. از این رو عنصر قانونی در عرض عنصر مادی نیست بلکه در طول آن بوده و تعیین کننده عنصر مادی است. به عبارتی تنها رفتارهایی جرم هستند که در قانون جرم‌انگاری شده و برای آن مجازات تعیین شده باشد. خارج از قانون هر رفتاری به هر میزان هم که شنیع باشد جرم نخواهد بود. بر این اساس ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌کند: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود».

رفتار مجرمانه می‌تواند یک فعل مثبت ایجابی مانند سرقت، کلاهبرداری، قاچاق و فروش مواد مخدر باشد یا یک ترک فعل مانند ترک نفقه، ترک پست نگهبانی یا یک حالت مانند ولگردی، اعتیاد به مواد مخدر باشد. همچنین داشتن یا نگهداری برخی از مواد مانند مشروبات الکلی، مواد مخدر و ... می‌تواند رفتار مجرمانه مورد نظر قانون باشد.

باید توجه داشت که رفتار مجرمانه نیز مانند هر رفتار دیگری برای اینکه به صورت کامل در دنیای واقعی حادث شود، دارای مراحل است:

- ۱- اندیشه مجرمانه: تصمیم به ارتکاب جرم و طراحی نقشه مجرمانه
- ۲- عملیات مقدماتی: تهیه وسایل، انتخاب همکاران و تبانی با ایشان، زمینه‌سازی مقدمات و هر آنچه برای ارتکاب جرم لازم است
- ۳- عملیات اجرایی: از لحظه‌ای که مجرم/مجرمین وارد مرحله‌ای می‌شوند که باید اقداماتی را به صورت پیوسته تا حصول نتیجه مجرمانه انجام دهند و توقف در میان این اقدامات منوطاً مقدر نیست، مرحله عملیات اجرایی نامیده می‌شود.
- ۴- نتیجه مجرمانه یا ختم عملیات مجرمانه: برای برخی از جرایم وقوع نتیجه خاصی لازم نیست مانند توهین یا افترا یا جعل. اما اغلب جرایم برای اینکه به صورت تام واقع شوند لازم است که نتیجه‌ای به وقوع بپیوندد مانند اینکه در سرقت، مال غیر از حیطة تسلط مالک خارج شود. جرایم دسته اول را جرایم مطلق و جرایم دسته دوم را جرایم مقید می‌نامند. برای اینکه جرمی کامل شود در جرایم مطلق باید عملیات اجرایی خاتمه یافته باشد یا در جرایم مقید، نتیجه واقع شده باشد.

در حقوق جدید اندیشه مجرمانه، مطلقاً جرم نیست. مگر اینکه اولاً مجرمین سوءنیت خود را بروز داده باشند و ثانیاً آن میزان از بروز سوءنیت از سوی مقنن مورد جرم‌انگاری قرار گرفته باشد. مانند ماده ۶۱۱ کتاب تعزیرات قانون مجازات

اسلامی که طی آن تبانی یا اجتماع دو نفر یا بیشتر علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم را به شرط تدارک مقدمات اجرایی که آشکارا بروز سوءنیت مجرمین در عالم واقع است، جرم‌انگاری کرده و برای آن حبس از شش ماه تا سه سال مقرر نموده است.

مرحله عملیات مقدماتی نیز در حقوق جدید جرم نیست مگر اینکه اولاً حاکی از سوءنیت مجرمانه باشد ثانیاً آن میزان از تدارک جرم یا عملیات مقدماتی از سوی مقنن مورد جرم‌انگاری قرار گیرد مانند ماده ۶۶۴ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی که طی آن «هرکس عالماً عامداً برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید یا هر نوع وسیله‌ای برای ارتکاب جرم بسازد یا تهیه کند به حبس از سه ماه تا یک سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد». در خصوص دو مرحله فوق ماده ۱۲۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌کند: «مجرد قصد ارتکاب جرم و یا عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم است و ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد، شروع به جرم نیست و از این حیث قابل مجازات نمی‌باشد».

اما به عنوان یک سیاست جنایی معقول و بازدارنده، مقنن ورود به عملیات اجرایی جرم را به صورت کلی تحت عنوان «شروع به جرم» جرم‌انگاری کرده است. لذا هر کس عملیات اجرایی هر یک از جرایم مقرر در قانون را آغاز نماید و به اراده خود از ارتکاب آن منصرف نشود به اتهام شروع به جرم آن رفتار مجرمانه تحت تعقیب و مجازات قرار خواهد گرفت. البته چون شروع به جرم آسیب عینی به جامعه وارد نمی‌کند، اغلب قانون‌گذاران سطح خاصی از شدت جرم را به عنوان آستانه شروع به جرم تعیین می‌کنند که این امر در قانون مجازات اسلامی هم وجود دارد. ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هرکس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود:

- الف - در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس دایم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار
- ب - در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری درجه پنج
- پ - در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش

تبصره - هرگاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آن‌ها بی‌اطلاع بوده وقوع جرم غیرممکن باشد، اقدام انجام شده در حکم شروع به جرم است».

لازم به ذکر است که یک رفتار مجرمانه به ۴ طریق می‌تواند منتهی به نتیجه نشود:

- ۱- مجرم به اراده خود منصرف شود. در اینصورت شروع به جرم محقق نشده ولی اگر آن میزان از عملیات اجرایی عنوان مجرمانه خاصی در بر داشته باشد مانند حمل سلاح یا ضرب و جرح برای سرقت و ... همان عناوین خاص به عنوان اتهام مجرمین لحاظ خواهد شد.

۲- بدون اراده مجرم عواملی خارجی مانند سر رسیدن مالک خانه، پلیس و ... به مجرم اجازه ندهند که عملیات خود را تکمیل کند. این حالت از مصادیق شروع به جرم است.

۳- مجرم عملیات اجرایی خود را خاتمه دهد اما به دلیلی مانند عدم مهارت در تیراندازی یا حرکت بزه‌دیده قبل از اصابت گلوله و ... نتیجه مجرمانه حاصل نشود. این اقدام مجرمانه را جرم عقیم می‌نامند که وفق صدر ماده ۱۲۲ در حکم شروع به جرم است.

۴- مجرم عملیات اجرایی خود را خاتمه دهد اما به دلایل مادی از همان ابتدا که مجرم عملیات اجرایی را شروع کرده است وقوع جرم محال بوده است. مانند شلیک به جسد که به دلیل فقدان حیات امکان ارتکاب جرم قتل وجود ندارد. چنین اقدامی را جرم محال می‌نامند که بر اساس تبصره ماده فوق در حکم شروع به جرم است.

اگر مجرم تمام مراحل فوق را طی کند و در جرایم مطلق به جرم خاتمه دهد مانند اینکه یک سند مجهول را تماماً بسازد، یا در جرایم مقید نتیجه مجرمانه را تحصیل کند مانند اینکه در سرقت، بتواند مال غیر را از حیطة مالکیت وی خارج کرده و آن را تصرف نماید در اینصورت «جرم تام» واقع می‌شود و مجرم به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد شد.

آخرین نکته در خصوص عنصر مادی، تعریف مفهومی تحت عنوان «رابطه سببیت» یا «رابطه استناد» است. رابطه سببیت ملازمه میان فعل یا تقصیر فاعل با نتیجه مجرمانه است. اگر ثابت شود که میان رفتار یا تقصیر فاعل و صدمه یا زبانی که به دیگری رسیده هیچ‌گونه رابطه ضروری وجود نداشته است، مرتکب مجرم نخواهد بود. مانند اینکه شخصی دیگری را از ارتفاع بسیار بلندی به پایین پرتاب کند اما قبل از اصابت به زمین، دیگری وی را در هوا با شلیک گلوله به قتل برساند. در این صورت قاتل تنها فرد شلیک کننده است و پرتاب کننده تنها متهم به شروع به قتل عمد خواهد بود. در مواردی که تنها یک عامل برای ارتکاب جرم وجود دارد تشخیص رابطه سببیت دشوار نیست اما زمانی که چند عامل در تحقق نتیجه دخالت دارند تشخیص این امر و در نهایت تشخیص مجرم اصلی در اغلب مواقع با ابهاماتی مواجه خواهد شد. هر گاه چند عامل مذکور، در عرض هم باشند مانند اینکه چند نفر با هم دست‌ها و پاهای یک نفر را بگیرند و وی را در چاهی بیندازند در آن صورت به حکم ماده ۱۲۵ ق.م.ا مرتکبین شریک در جنایت خواهند بود. اما اگر عوامل ارتکاب جرم در طول هم باشند تشخیص مجرم یا مسبب کمی دشوارتر می‌شود. مانند اینکه راننده‌ای اتوبوس را با علم به خراب بودن درب اتوبوس، به کار گیرد. مسافری در اثر ازدحام از درب معیوب به خیابان سقوط کند، راننده دیگری با سرعت غیرمجاز به او اصابت کند، اورژانس نیم ساعت با تأخیر برسد، در نهایت پزشک عمل جراحی نادرستی انجام دهد و مسافر مزبور فوت نماید. در این موارد سه نظریه عمده می‌توان ارائه کرد؛ اول سبب مقدم یا همان عامل اول به این دلیل که اگر تقصیر وی نبود این سلسله شروع نمی‌شد که منتهی به مرگ شود (در مثال فوق راننده اتوبوس). دوم سبب بلاواسطه و نزدیک به نتیجه یا همان عامل آخر به این دلیل که اگر وی تقصیر نمی‌کرد تمام تقصیرها بی‌اثر می‌شد و این فرایند منتهی به مرگ نمی‌شد (در مثال فوق پزشک جراح). سوم مسئولیت تمام عوامل به میزان تأثیر نسبی آنها بر نتیجه نهایی به دلیل اینکه عرفاً و منطقاً هر یک از عوامل مؤثر در نتیجه به میزان تقصیر یا سوءنیت خود شایسته مجازات و سرزنش بوده و نتیجه مجرمانه به همه آنها منتسب است. ماده ۵۳۵ ق.م.ا در این موارد

نظریه اول را پذیرفته است مگر اینکه عوامل ارتکاب جرم در تبانی با هم برای وقوع نتیجه مجرمانه باشند که در حکم شریک در جرم خواهند بود. لازم به ذکر است که ماده ۵۲۶ ق.م.ا در عین حال نظریه سوم را مورد قبول قرار داده است و این امکان را به دادگاه داده است که در صورت اثبات رابطه استناد عرفی میان هر یک از عوامل وقوع جرم با نتیجه مجرمانه، تمام عوامل را به میزان تأثیر آنها مسئول بداند.

عنصر روانی

حقوق کیفری جدید یک حقوق کیفری اخلاق محور است و صرف وقوع نتیجه مجرمانه را جرم تلقی نمی کند بلکه عمل مجرمانه باید با سوءنیت مجرم همراه باشد. این سوءنیت عنصر روانی جرم نامیده می شود که همان فعل و انفعال ذهنی مجرم در خصوص رفتار مجرمانه است. رابطه میان عنصر روانی با عنصر قانونی نیز یک رابطه طولی است و به عبارت بهتر این عنصر قانونی است که مشخص می کند چه میزان سوءنیت برای ارتکاب جرم ضرورت دارد. از این حیث جرایم به سه دسته کلی تقسیم می شوند:

۱- **جرایم مادی:** جرایمی که در آنها مقنن عنصر سوءنیت را حذف کرده است و صرف وقوع فعل مجرمانه برای مسئولیت مجرم کفایت دارد. مانند صدور چک بلامحل که حتی اگر چکی برای نیکوکاری صادر شود لیکن بلاوجه باشد، با وجود سایر شرایط قانونی می تواند موجب تعقیب کیفری صادرکننده چک باشد. تعداد این جرایم بسیار محدود است و صرفاً در مواردی پیش بینی می شود که مقنن نمی خواهد هیچ عذری را از مرتکب بپذیرد. مثلاً چک در نظام اقتصادی کنونی به قدری اهمیت دارد که سقوط اعتبار آن می تواند عملیات تجاری و اقتصادی را با اختلال مواجه کند لذا از هر شهروندی انتظار می رود تمام دقت خود را در استفاده از آن به کار بیند.

۲- **جرایم مبتنی بر تقصیر:** جرایمی که در آنها عمد مرتکب لازم نیست بلکه تقصیر مجرم برای مسئولیت کیفری وی کفایت دارد. تبصره ماده ۱۴۵ ق.م.ا در تعریف تقصیر بیان می کند: «تقصیر اعم از بی احتیاطی و بی مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد، از مصادیق بی احتیاطی یا بی مبالاتی محسوب می شود». تعداد این جرایم نیز محدود است و تنها در مواردی مورد استفاده قرار می گیرد که موضوع جرم از اهمیت بسیار بالایی برخوردار باشد. به عنوان مثال در مواد ۶۱۶ و ۷۱۴ به بعد کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی، قتل یا جراحات بدنی شدید ناشی از تقصیر به دلیل اهمیت نفس، جرم انگاری شده اند.

۳- **جرایم عمدی:** اغلب جرایم در این دسته قرار دارند و برای اینکه فردی به جرم عمدی محکوم شود باید سوءنیت وی از نوع عمد احراز شود. مفهوم «عمد» به عنوان سوءنیت جرایم خود از چندین جزء تشکیل شده است (ماده ۱۴۴ ق.م.ا):

○ **علم یا آگاهی:** برای اینکه فردی واجد عمد باشد باید در حین ارتکاب جرم به دو نکته عالم باشد اولاً بداند که عمل وی جرم است. برای اینکه تخصصی بودن حقوق و پیچیده بودن قوانین و دلایل مشابه، به عنوان عذر و بهانه از سوی مجرمین طرح نشود، علم به قانون برای همه شهروندان

مفروض در نظر گرفته می‌شود (ماده ۱۵۵ ق.م.ا). دومین چیزی که آگاهی به آن برای تحقق عمد لازم است، علم به موضوع جرم است مثل اینکه صرف خارج کردن مالی از حیطه مالکیت مالک برای سرقت کافی نیست بلکه مجرم باید بداند که آن مال متعلق به غیر است. اگر به اشتباه گمان کند که مال متعلق به خودش می‌باشد سرقت محقق نمی‌شود.

- **اراده:** دومین جزء عمد، اراده یا خواست مجرمانه است. در این خصوص مرتکب باید در لحظه ارتکاب جرم اولاً واجد اراده باشد یعنی مغز و ذهنش در شرایط عادی و معمول بوده و به عبارتی نرمال و هوشیار باشد مثلاً در خواب نباشد یا تحت تأثیر دارویی بی‌هوش یا فاقد قوه ادراک نباشد ثانیاً این اراده و خواست را برای ارتکاب جرم به کار گیرد مثلاً اگر کسی گوشی دوستش را برای شوخی و مزاح از حیطه مالکیت وی خارج نماید نمی‌توان گفت وی واجد اراده مجرمانه است.
- **اختیار:** آخرین جزء عنصر روانی که بیشتر در شرایط عام مسئولیت کیفری ذکر می‌شود اختیار است. به این مفهوم که مرتکب در لحظه ارتکاب جرم تحت اکراه و اجبار دیگری نباشد و به انتخاب خود عمل مجرمانه را مرتکب شود.

وقتی مجرم با علم و اراده و اختیار به شرح فوق مرتکب عنصر مادی یک جرم شود، می‌توان گفت که سوءنیت مجرمانه یا عمد لازم برای عنصر روانی را دارا می‌باشد. در اینصورت جرم با تمام عناصر آن محقق شده و موجب مسئولیت کیفری مجرم خواهد شد.

مفهوم مجرم و انواع مسئولیت کیفری

فردی که مرتکب جرم می‌شود، فاعل جرم یا مجرم نامیده می‌شود که اگر مستقیماً مرتکب جرم شود مباشر و اگر به صورت غیرمستقیم و با توسل به اسبابی (یعنی به صورت غیرمستقیم) مرتکب جرم شود مسبب نامیده می‌شود. تقریباً در تمام جرایم از نظر مسئولیت کیفری تفاوتی ندارد که فرد مباشرتاً مرتکب جرم شود یا به تسبیب و در هر دو صورت مسئول خواهد بود. اما در راستای یک سیاست جنایی دقیق و معقول مسئولیت کیفری منحصر در فاعل (اعم از مباشرت و تسبیب) نیست. اغلب جرایم با همکاری افراد دیگری همراه است و اگر همکاری ایشان نباشد، جرم واقع نمی‌شود. لذا مبارزه با جرم چه به لحاظ اخلاقی چه به لحاظ عملی مستلزم تعقیب و مجازات سایر همکاران فاعل جرم نیز می‌باشد. این همکاران در سه دسته کلی قابل بررسی هستند:

شرکت در جرم

قبلاً در بحث عنصر مادی با دو مفهوم «عملیات اجرایی» و «رابطه استناد» آشنا شدیم. اگر فردی با فاعل در عملیات اجرایی جرمی همکاری کند به نحوی که نتیجه مجرمانه علاوه بر فعل فاعل به فعل آن همکار نیز مستند باشد شرکت در جرم واقع می‌شود و به چنین فردی «شریک جرم» اطلاق می‌شود و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت (ماده ۱۲۵ ق.م.ا).

معاونت در جرم

اگر کسی با فاعل جرم برای ایجاد یا تقویت اندیشه مجرمانه همکاری کند یا در هر مرحله از عنصر مادی به مرتکب مساعدتی نماید به عبارتی جرم را به هر طریقی برای فاعل تسهیل نماید، معاون جرم خواهد بود. تفاوت معاون با شریک در این است که اولاً شریک فقط در همکاری در مرحله عملیات اجرایی مطرح است اما معاون هم می‌تواند در عملیات اجرایی باشد هم در تهیه مقدمات. ثانیاً برای احراز شرکت در جرم وجود رابطه استناد ضرورت دارد. اگر میان عمل همکار مجرم اصلی با نتیجه مجرمانه رابطه استناد برقرار باشد شریک جرم و اگر چنین رابطه‌ای نباشد معاون جرم خواهد بود. ماده ۱۲۶ ق.م.ا «ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم، دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، ساختن یا تهیه کردن وسایل ارتکاب جرم، آموزش طریق ارتکاب جرم و تسهیل جرم به هر طریق» را مصادیق معاونت در جرم می‌داند. وفق تبصره همان ماده برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. در نهایت ماده ۱۲۷ ق.م.ا در خصوص مجازات معاون در جرم مقرر می‌کند: «در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است:

- الف - در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه
- ب - در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، حبس تعزیری درجه پنج یا شش
- پ - در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها شلاق حدی است ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه شش
- ت - در جرایم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی

سردستگی گروه مجرمانه

در برخی از موارد، همکاری در ارتکاب جرم از یک همکاری ساده عبور کرده و در قالب گروه مجرمانه صورت می‌گیرد. گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد (تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا). این گروه‌ها قاعداً یک رهبر یا مدیر یا رئیس دارند که در قانون به آن سردسته اطلاق می‌شود. تبصره ۲ ماده ۱۳۰ ق.م.ا همین نکته را بیان می‌کند: «سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است». وفق ماده ۱۳۰ ق.م.ا «هر کس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سردسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد».

شرایط عام مسئولیت کیفری

وفق ماده ۱۴۰ ق.م.ا شرایطی لازم است تا فاعل جرم یا هر یک از همکاران مذکور، واجد مسئولیت کیفری باشند که این شرایط را «شرایط عام مسئولیت کیفری» می‌نامند. وفق ماده مذکور: «مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است.^۱ لذا اگر فردی در حین ارتکاب جرم، طفل یا مجنون یا مجبور باشد یا تحت اکراه جرمی را مرتکب شود، فاقد مسئولیت کیفری می‌باشد. هر چند از باب اقدامات تأمینی و تربیتی واکنش‌هایی در برابر آنها مقدور است.

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

آخرین نکته‌ای که در بحث مسئولیت کیفری لازم به ذکر است، بحث مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است تا قبل از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری این اشخاص محل تردید بود لیکن ماده ۱۴۳ قانون جدید مقرر کرد که اگر چه در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت اشخاص حقیقی است لیکن هر گاه نماینده قانونی اشخاص حقوقی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرمی شود، مسئولیت کیفری شخص حقوقی محرز خواهد بود. مجازات اشخاص حقوقی در مواد ۲۰، ۲۱، ۲۲ همان قانون تعیین شده است.

مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی

آخرین مفهوم کلیدی حقوق کیفری «مجازات» است. مجازات سلب تمام یا بخشی از حقوق بنیادین فرد مجرم به دلیل ارتکاب یک جرم اثبات شده، می‌باشد. وفق ماده ۱۴ ق.م.ا مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی چهار قسم است که عبارتند از حد، قصاص، دیه و تعزیر. دیه ماهیتی دو گانه میان مجازات و جبران خسارت دارد و بیشتر برای حمایت از بزه‌دیده است. اما سه قسم دیگر کاملاً ماهیت کیفری و جزایی دارند.

حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است (ماده ۱۵ ق.م.ا) که این جرایم از مواد ۲۱۷ تا ۲۸۸ ق.م.ا احصاء شده‌اند که مشتمل بر ۱۱ عنوان است. از این ۱۱ عنوان تنها دو عنوان می‌تواند موجب حبس شود. حد سرقت در بار سوم، حبس ابد است (بند پ ماده ۲۷۸ ق.م.ا) و نیز یکی از مجازات‌های محاربه نفی بلد (تبعید) است که وفق احکام شرعی و نیز ماده ۲۸۵ ق.م.ا باید تحت مراقبت و نظارت باشد و با دیگران مرادده نداشته باشد که ظاهراً رویه جاری قضایی اجرای این نوع تبعید، توأم با حبس می‌باشد.

قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است (ماده ۱۶ ق.م.ا). اما اگر در قتل عمد اولیاء دم گذشت کرده باشند یا شرایط قصاص وجود نداشته باشد، این مجازات به تعزیر تبدیل می‌شود که حبس از سه تا ده سال

^۱ ماده ۳۷۵ ق.م.ا: «اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب، قصاص می‌شود و اکراه کننده، به حبس ابد محکوم می‌گردد».

است. همچنین شروع به قتل عمد مستوجب حبس تعزیری درجه ۴ (۵ تا ۱۰ سال حبس) است. در قصاص عضو نیز اگر قصاص عضو ممکن نباشد و جنایت نیز یکی از انواع مذکور در ماده ۶۱۴ کتاب تعزیرات ق.م.ا باشد، قصاص ساقط شده و مرتکب به دو تا ۵ سال حبس تعزیری محکوم می‌شود.

مجازات سایر جرایم غیر از حدود و جنایت بر نفس که یا موجب قصاص می‌شود یا دیه، **تعزیر** نامیده می‌شود. تعزیرات یا در برابر ارتکاب محرمات شرعی وضع می‌شوند یا در امور جدید به دلیل نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردند. اما در هر حال نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر منطبق با اصل قانونی بودن جرم و مجازات به موجب قانون تعیین می‌شود و هیچ مقام قضایی نمی‌تواند ارتکاب عمل حرام یا نقض مقررات را در صورتی که در قانون جرم‌انگاری نشده باشد، مجازات نماید. مجازات‌های تعزیری دامنه وسیعی دارند که ماده ۱۹ ق.م.ا ضمن برشمردن آنها، برای نخستین بار به درجه‌بندی آنها نیز اقدام کرده است. این مجازات‌ها می‌تواند از اعدام که در برخی از جرایم مرتبط با مواد مخدر تعیین شده است، تا سایر مجازات‌های بدنی مانند شلاق، حبس‌های کوتاه مدت و بلندمدت، سلب یا محدودیت برخی از آزادی‌ها و حقوق، مجازات‌های مالی اعم از جزای نقدی، ضبط و مصادره اموال و انتشار حکم محکومیت باشد. در حال حاضر حدود ۶۵ تا ۷۰ درصد از جرایم تعزیری، با حبس مجازات می‌شود که این نکته نشان‌گر حبس محور بودن حقوق کیفری ایران است.

به دلیل تفاوت شخصیت مجرمین، متفاوت بودن علت و انگیزه ارتکاب جرایم، تفاوت برخورداری و نیازمندی هر مجرم و سایر تفاوت‌ها، حقوق کیفری مدرن در کنار اصل برابری شهروندان به دنبال انطباق مجازات با شخصیت مجرم است. این اصل تحت عنوان **اصل فردی کردن یا شخصی کردن مجازات**، هم در زمینه بازدارندگی و هم در زمینه اصلاح و درمان مجرم اهمیت ویژه‌ای دارد. برای تحقق این اصل، مقنن سه راهکار عمده اتخاذ کرده است اولاً به جای مجازات‌های ثابت از مجازات‌های متغیر استفاده کرده است که دارای حداقل و حداکثر می‌باشد. ثانیاً به مقام قضایی اجازه داده است فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی احصا شده در قانون محکوم نماید که اجرای برخی از آنها مانند اقامت اجباری در محل معین می‌تواند تحت نظر سازمان زندان‌ها باشد. همچنین عدم اطاعت بار دوم از دستورات قضایی در اجرای مجازات تکمیلی موجب تبدیل مجازات مزبور به حبس درجه ۷ یا ۸ می‌شود. ثالثاً نهادهای حقوقی دیگری مانند تخفیف و تبدیل مجازات در مواردی مانند گذشت بزه‌دیده، همکاری مجرم یا تلاش وی برای جبران خسارات جرم^۱، تشدید مجازات در مواردی مانند تعدد^۲ و تکرار

۱ ماده ۳۷ - در صورت وجود یک یا چند جهت از جهت تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند: **الف - تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه**، ب - تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار، پ - تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال، ت - تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر

ماده ۳۸ - جهت تخفیف عبارتند از: الف - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، ب - همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن، پ - اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم، ت - اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی درجین تحقیق و رسیدگی، ث - ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهنولت یا بیماری، ج - کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن، چ - خفیف بودن زیان وارده به بزه‌دیده یا نتایج زیانبار جرم، ح - مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

جرم^۲، یا معافیت از کیفر^۳، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای تمام یا بخشی از مجازات یا آزادی مشروط زندانی پیش‌بینی کرده است تا این مجازات‌ها با مدیریت مقام قضایی بیشترین تأثیر و کارآمدی در کنار کمترین هزینه برای جامعه و حتی خود مجرم داشته باشد.^۴ در برخی از کشورها مانند فرانسه قضاوت مجازات‌ها را بر مبنای اختیارات وسیعی دارند تا انطباق مجازات با شخصیت مجرم حتی در تمام مراحل اجرای مجازات نیز لحاظ شود که فعلاً چنین امری در قانون ما پیش‌بینی نشده است و قضاوت اجرای احکام بیشتر ناظر صحت اجرای حکم و در مواردی دارای اختیاراتی در زمینه پیشنهاد تعلیق مجازات یا آزادی مشروط به قاضی صادرکننده حکم دارند که توضیح داده خواهد شد.

لازم به ذکر است گذشت شاکی خصوصی در جرایم قابل گذشت^۵ فوت محکوم در تمام جرایم، توبه متهم یا مجرم در برخی جرایم^۶، مرور زمان اجرای مجازات^۷ (گذشت مدت مشخص شده در قانون از زمان صدور حکم قطعی)، نسخ قانون یا به عبارتی جرم‌زدایی از یک رفتار مجرمانه، عفو اعم از عفو خصوصی (عفو رهبری) یا عفو عمومی (عفو از طریق قانون مصوب قوه مقننه) می‌تواند موجب سقوط مجازات حبس و توقف اجرای آن شود.

^۱ ماده ۱۳۴ - در جرایم موجب تعزیر هرگاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه برای هر یک از آن جرایم حداکثر مجازات مقرر را حکم می‌کند و هرگاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین می‌نماید. در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجراء شود، مجازات اشد بعدی اجراء می‌گردد.

^۲ ماده ۱۳۷ - هر کس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یک‌ونیم برابر آن محکوم می‌شود.

^۳ ماده ۳۹ - در جرایم تعزیری درجه‌های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند.

^۴ آن دسته از نهادهایی که با مجازات حبس مرتبط است در فصل مجزایی توضیح داده خواهد شد.

^۵ ماده ۱۰۴ - علاوه بر جرایم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حد کذف این قانون و جرایمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می‌باشند، جرایم مندرج در قسمت اخیر مواد (۵۹۶)، (۶۰۸)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۲)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰)، (۶۹۲)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹) و (۷۰۰) از کتاب پنجم «تعزیرات» نیز قابل گذشت محسوب می‌شوند.

^۶ ماده ۱۱۵ ق.م.ا - در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود. در سایر جرایم موجب تعزیر دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.

تبصره ۱ - مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرایم تعزیری در مورد آن‌ها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد.

ق.م.ا ۱۱۷ - در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفاء نمی‌شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجراء می‌گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود.

^۷ ماده ۱۰۷ - مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می‌کند و مدت آن از تاریخ قطعیت حکم به قرار زیر است:

- الف) جرایم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای بیست سال
- ب) جرایم تعزیری درجه چهار با انقضای پانزده سال
- پ) جرایم تعزیری درجه پنج با انقضای ده سال
- ت) جرایم تعزیری درجه شش با انقضای هفت سال
- ث) جرایم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای پنج سال

ضمیمه - آشنایی با مجازات تبعید

تبعید در لغت به معنی دور کردن فرد از محل زندگی است که گاهی به عنوان مجازات یا اقدام تأمینی قابل استفاده است. در حقوق ایران، استفاده از تبعید در سه دسته کلی قرار می‌گیرد:

۱- تبعید به عنوان مجازات اصلی که تنها در سه مجازات حدی وجود دارد و عبارتند از:

- حد زناى مرد داراى همسر دائم قبل از دخول صد ضربه شلاق، تراشیدن موی سر و تبعید به مدت یک سال قمری است (ماده ۲۲۹ ق.م.ا).
- در حد قوادى برای بار دوم، مرتکب اگر مرد باشد علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق، به تبعید تا یک سال نیز محکوم می‌شود (ماده ۲۴۳ ق.م.ا)
- حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر به انتخاب مقام قضایی است: اعدام، صلب، قطع دست راست و پای چپ، یا نفی بلد که همان تبعید است. مدت نفی بلد در هر حال کمتر از یک سال نیست، اگر چه محارب بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتی که توبه نکند همچنان در تبعید باقی می‌ماند. در تبعید، محارب باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت، مراوده و رفت و آمد نداشته باشد. (مواد ۲۸۲ تا ۲۸۵ ق.م.ا).

۲- **تبعید به عنوان مجازات تکمیلی:** ماده ۲۳ ق.م.ا (بند الف) به دادگاه اجازه داده است فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی محکوم نماید که بند الف آن، اقامت اجباری در محل معین است که به مفهوم تبعید است. مدت مجازات تکمیلی بیش از دوسال نیست.

۳- **تبعید به عنوان اقدام تأمینی:** ماده ۵ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی (مصوب ۱۳۳۹) تأسیس تبعیدگاه و استفاده از تبعید را برای مجرمین مکرر به عنوان اقدام تأمینی اصلی مقرر کرده بود. وفق ماده مزبور «هر گاه کسی به علت ارتكاب جنایت یا جنحه عمدی که به موجب قانون مجازات حبس برای آن پیش‌بینی گردیده دو مرتبه یا بیشتر محکوم به حبس بیش از دو ماه شده و بعد از اجرای مجازات مرتکب جرمی شود که مستلزم مجازات حبس است و از این رو دادگاه تشخیص دهد که مشارالیه دارای حالت خطرناک بوده و تمایل به ارتكاب جرائم داشته و یا از راه قوادى و یا فحشاء و یا نظایر آن امرار معاش می‌نماید مجرم به عادت محسوب شده و دادگاه می‌تواند حکم نگاهداری او را در تبعیدگاه برای مدت نامعینی صادر نماید. نگاهداری در تبعیدگاه جانشین مجازات خواهد بود.» متأسفانه این قانون وفق ماده ۷۲۸ ق.م.ا نسخ صریح شده است. اما دادگاه می‌تواند از ظرفیت‌های ماده ۲۳ ق.م.ا تا حد امکان به این منظور استفاده نماید.

چنانکه ذکر شد تبعید به عنوان اقدام تأمینی منسوخ شده است. اما تبعید به عنوان حد محاربه باید در حبس اجرا شود. زیرا در حد محاربه محکوم به نفی بلد از هر گونه مراوده و معاشرت با دیگران محروم است، که این امر تنها در حالت محبوس شدن وی قابل تحقق است. اما در تبعید به عنوان مجازات تکمیلی، نمی‌توان محکوم را محبوس کرد زیرا در این حالت نوعی حبس مشدد علاوه بر مجازات اصلی به محکوم تحمیل می‌شود که مغایر با اصل قانونی بودن مجازات

است. آیین‌نامه اجرای ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲۷ رئیس قوه قضائیه) نیز دلالت بر عدم حبس فرد تبعیدی دارد. وفق ماده ۴ آیین‌نامه مزبور، پس از حضور محکوم در محل اقامت اجباری که می‌تواند با همراهی پلیس باشد یا با اجازه قاضی صادرکننده حکم محکوم شخصاً به محل اقامت اجباری عزیمت نماید، قاضی اجرای احکام، محکوم را به نیروی انتظامی محل معرفی و کیفیت اجرای حکم را به آن مرجع اعلام می‌کند. محکوم به اقامت اجباری مکلف به اجرای دستور قضائی مرجع مجری نیابت از حیث حضور در دفتر اجرای احکام یا مرجع انتظامی محل در زمان‌های تعیین شده است.

علی‌ایحال شخصی که به تبعید یا اقامت اجباری محکوم شده است، به دادسرای محل اجرای حکم اعزام می‌شود. نظارت بر حضور و فعالیت محکومان در محل تبعید یا اقامت اجباری بر عهده قاضی اجرای احکام کیفری محل اجرای حکم است. اعطای مرخصی به این محکومان در صورت ضرورت و با أخذ تأمین مناسب با قاضی اجرای احکام کیفری محل اجرای حکم و با رعایت ماده ۵۲۰ ق.آ.د.ک خواهد بود (مواد ۵۴۵ تا ۵۴۷ ق.آ.د.ک)

۲- آشنایی با عناوین مجرمانه

در حقوق ایران حدود ۲۰۰۰ عنوان مجرمانه در ۱۷۵ قانون، مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است که مهمترین آنها قانون مجازات اسلامی به ویژه کتاب پنجم آن تحت عنوان تعزیرات است که در بیش از ۲۴۰ ماده (البته با احتساب قانون جرایم رایانه‌ای که به انتهای آن اضافه شده است) حدود ۵۵۰ عنوان مجرمانه (بیش از یک چهارم کل عناوین مجرمانه) را مورد جرم‌انگاری قرار داده است. از این ۲۰۰۰ عنوان مجرمانه حدود ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ مورد آنها با مجازات حبس روبرو می‌شوند که حدود ۶۵ تا ۷۰ درصد از مجازات‌های تعزیری را شکل می‌دهد.^۱ چنانکه گفته شد این امر نشان‌گر حبس-محور بودن حقوق کیفری ایران است.

این جرایم به اعتبارات مختلف تقسیم‌بندی می‌شود. یکی از این اعتبارات، **ضروریات پنجگانه (خمس) در حقوق اسلامی** است که عبارتند از: دین، نفس، نسل، عقل و مال. این ضروریات محور اصلی جرایم حدی را تشکیل می‌دهد که البته جرایم علیه حکومت دینی مانند بغی نیز ملحق به ضرورت اول یعنی دین می‌شود. همین ضروریات در جرایم تعزیری نیز مطرح می‌باشند اما باید توجه کرد که در مفهوم موسع مورد استفاده قرار می‌گیرند مانند اینکه جرایم علیه بهداشت عمومی که به نفس عموم افراد ضرر دارد در قالب ضرورت نفس قابل جرم‌انگاری است.

در حقوق کلاسیک نیز یک تقسیم‌بندی وجود دارد که علیرغم پیشرفت‌های حقوقی در اکثر کشورها مورد تبعیت است؛ در این تقسیم‌بندی جرایم به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

- ۱- **جرایم علیه اشخاص:** که اعم از جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد مانند قتل، ضرب و جرح و نزاع و ... یا جرایم علیه تمامیت معنوی (شخصیت و حیثیت) ایشان مانند توهین، افترا و ... است.
- ۲- **جرایم علیه اموال و مالکیت:** جرایمی مانند سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و ...
- ۳- **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی:** جرایمی که بزه‌دیده اصلی آنها ارزش‌ها، مصالح و الزامات جمعی مانند امنیت داخلی و خارجی، بهداشت عمومی، محیط زیست، اعتبار اسناد و اسکناس‌ها و ... است.

نظر به اینکه بیش از ۹۰ درصد جرایم داخل در دسته سوم است، این تقسیم‌بندی کم کم ارزش علمی و مطالعاتی خود را از دست می‌دهد و دسته‌بندی‌های دیگری مورد پیشنهاد است که یکی از آنها تقسیم جرایم به اعتبار ساختار نهادی جامعه است. در این روش، جرایم عمومی به اعتبار نهادهای اجتماعی و عناصر تشکیل‌دهنده آن به ۸ دسته کلی تقسیم می‌شود:

^۱ برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به کتاب «شناسایی و طبقه‌بند عناوین مجرمانه»، نویسندگان: ابوالفضل قلیزاده، محمدهادی توکل‌پور، انتشارات مشترک معاونت پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه و نشر خرسندی

- ۱- جرایم اجتماعی: جرایمی که علیه حیات سالم جمعی رخ می‌دهد مانند جرایم علیه محیط زیست و آلودگی‌ها، جرایم علیه بهداشت عمومی و ... و نیز جرایمی که علیه عناصر اجتماعی یعنی افراد اعم از تمامیت جسمانی یا معنوی ایشان
- ۲- جرایم فرهنگی: مانند جرایم مطبوعاتی، جرایم حوزه نشر، جرایم علیه میراث فرهنگی و ...
- ۳- جرایم سیاسی: مانند جرایم حزبی و انتخاباتی
- ۴- جرایم امنیتی: جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی مانند جاسوسی
- ۵- جرایم حقوقی: جرایم علیه نظام حقوقی مانند اعتبار اسناد، جعل و استفاده از سند مجعول
- ۶- جرایم قضایی: مانند جرایم علیه عدالت قضایی، رشا و ارتشاء، شهادت کذب و ...
- ۷- جرایم اقتصادی: مانند جرایم بانکی، جرایم بازار بورس و ...
- ۸- جرایم مالی: که همان جرایم علیه اموال و مالکیت هستند.

البته برخی از این دسته‌ها قابل ادغام هستند مانند جرایم اجتماعی با فرهنگی، جرایم حقوقی با قضایی، جرایم اقتصادی با مالی. نظر به اینکه کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی بر مبنای دسته‌بندی حقوق کلاسیک است، عناوین اصلی مجرمانه بر این مبنا طی فهرستی کلی در جداول زیر جهت آشنایی ذکر می‌شود:

فهرست کلی عناوین مجرمانه

| موضوع مجرمانه | کد | |
|---------------------|----|-----------------------------|
| قتل | ۱۱ | ۱. جرایم علیه تمامیت جسمانی |
| شروع به قتل | ۱۲ | |
| معاونت در قتل عمدی | ۱۳ | |
| آسیب های بدنی | ۱۴ | |
| سقط جنین | ۱۵ | |
| ربودن اشخاص | ۱۶ | |
| شروع به آدم ربایی | ۱۷ | |
| جنایت بر انسان مرده | ۱۸ | |
| شروع به پاشیدن اسید | ۱۹ | |
| توهین و هتک حرمت | ۲۱ | |
| دشنام و نسبت ناروا | ۲۲ | |
| افترا | ۲۳ | |

| موضوع مجرمانه | کد | ۳. جرائم علیه اموال و مالکیت |
|---|-----|------------------------------|
| نشر اکاذیب | ۲۴ | |
| هجو | ۲۵ | |
| موضوع مجرمانه | کد | |
| سرقت | ۳۰۱ | |
| خیانت در امانت | ۳۰۲ | |
| کلاهبرداری | ۳۰۳ | |
| شروع به کلاهبرداری | ۳۰۴ | |
| تحصیل مال نامشروع | ۳۰۵ | |
| ربا (جنسی و قرضی) | ۳۰۶ | |
| معامله به قصد فرار از پرداخت دین | ۳۰۷ | |
| چک پرداخت نشدنی | ۳۰۸ | |
| تجاوز و تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق | ۳۰۹ | |

| موضوع مجرمانه | کد | ۴. جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی |
|---|-----|-----------------------------------|
| محاربه و افساد فی الارض | ۴۰۱ | |
| تشکیل دسته یا جمعیت با هدف برهم زدن امنیت کشور | ۴۰۲ | |
| اداره دسته یا جمعیت با هدف برهم زدن امنیت کشور | ۴۰۳ | |
| عضویت در جمعیت‌های معارض کشور | ۴۰۴ | |
| تبلیغ علیه نظام | ۴۰۵ | |
| جاسوسی | ۴۰۶ | |
| تحریک نیروهای رزمنده یا اشخاصی که در خدمت نیروهای مسلح هستند به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی | ۴۰۷ | |
| بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده توسط مأمورین حفاظتی و اطلاعاتی | ۴۰۸ | |
| همکاری با دول خارجی متخاصم علیه جمهوری اسلامی ایران | ۴۰۹ | |
| تهدید و ادعای بمب گذاری | ۴۱۰ | |
| تحریک مردم به جنگ و کشتار به قصد برهم زدن امنیت کشور | ۴۱۱ | |
| اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور | ۴۱۲ | |

| | | |
|---|-----|------------------------|
| اجتماع و تبانی برای اقدام علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم | ۴۱۳ | |
| سوء قصد به جان مقامات | ۴۱۴ | |
| خرابکاری و اخلال در تاسیسات و وسایل عمومی | ۴۱۵ | |
| | | جرایم علیه آسایش عمومی |
| جرایم مربوط مسکوکات تقلبی | ۵۰۱ | |
| جعل و تزویر | ۵۰۲ | |
| شروع به جعل و تزویر | ۵۰۳ | |
| گزارش خلاف واقع | ۵۰۴ | |
| شکستن و محو پلمپ | ۵۰۵ | |
| فرار محبوسین، اخفا و کمک به مجرمین | ۵۰۶ | |
| غصب عناوین | ۵۰۷ | |
| جرایم علیه میراث فرهنگی | ۵۰۸ | |
| تقصیرات و تعدیات مامورین | ۵۰۹ | |
| رشاء و ارتشاء | ۵۱۰ | |
| شروع به ارتشاء | ۵۱۱ | |
| اختلاس | ۵۱۲ | |
| شروع به اختلاس | ۵۱۳ | |
| تصرفات غیر قانونی ماموران در اموال دولتی | ۵۱۴ | |
| تدلیس و تبانی در معاملات دولتی | ۵۱۵ | |
| تمرد نسبت به مأمورین دولت | ۵۱۶ | |
| جرایم انتخاباتی | ۵۱۷ | |
| جرایم مربوط به آزمونها و امتحانات | ۵۱۸ | |
| | | |
| جرایم مربوط به ورود و خروج غیرمجاز به کشور و گذرنامه | ۵۱۹ | |
| جرایم مطبوعاتی و سمعی و بصری | ۵۲۰ | |
| جرایم رایانه‌ای | ۵۲۱ | |
| جرایم مربوط به ماهواره، بی سیم، پست | ۵۲۲ | |
| جرایم مربوط به مقررات پزشکی، دارویی، خوراکی، آرایشی و دخانیات | ۵۲۳ | |

| | | |
|---|-----|--|
| جرایم مربوط به امور گمرکی | ۵۲۴ | |
| قاچاق کالا و ارز، اسلحه و مهمات و انسان | ۵۲۵ | |
| جرایم تجارنی، پولی، بانکی، مالیاتی و بورس | ۵۲۶ | |
| جرایم مربوط به ازدواج و امور خانوادگی | ۵۲۷ | |
| جرایم مربوط به اسناد سجلی | ۵۲۸ | |
| تظاهر، قدرت‌نمایی، اخاذی و تهدید | ۵۲۹ | |
| اخلال در نظم | ۵۳۰ | |
| مزاحمت | ۵۳۱ | |
| جرایم مربوط به اطفال یا افراد ناتوان | ۵۳۲ | |
| افشای اسرار و اطلاعات | ۵۳۳ | |
| سوگند و شهادت دروغ | ۵۳۴ | |
| جرایم مربوط به اموات | ۵۳۵ | |
| جرایم مربوط به کار و تامین اجتماعی | ۵۳۶ | |
| جرایم مربوط به جنگلها، مراتع، اراضی زراعی و باغها | ۵۳۷ | |
| جرایم علیه محیط زیست | ۵۳۸ | |
| جرایم مربوط به صید و شکار | ۵۳۹ | |
| تخریب واحراق و اتلاف اموال و حیوانات | ۵۴۰ | |
| جرایم مربوط به وسایل نقلیه هوایی، دریایی، زمینی و راه آهن | ۵۴۱ | |
| جرایم مربوط به امور مهندسی و ساختمان | ۵۴۲ | |
| جرایم مربوط به امور معدن، خاک و آب | ۵۴۳ | |
| جرایم مربوط به امور ثبتی و محکومیت مالی | ۵۴۴ | |
| جرایم مربوط به مواد مخدر و روانگردان | ۵۴۵ | |
| ولگردی و تکدی‌گری | ۵۴۶ | |

| | | |
|------------------------|----|--------------------------------|
| موضوع مجرمانه | کد | ۸ جرایم علیه اخلاق و صفت عمومی |
| رابطه نامشروع مرد و زن | ۶۱ | |
| رابطه نامشروع دو مرد | ۶۲ | |

| | | |
|---------------------|----|--|
| رابطه نامشروع دو زن | ۶۳ | |
| قوادی | ۶۴ | |
| مسکرات و قمار | ۶۵ | |
| سایر موارد | ۶۶ | |

| موضوع مجرمانه | کد | ۹. جرایم نیروهای مسلح |
|--|-----|-----------------------|
| جرایم علیه امنیت | ۷۰۱ | |
| جرایم برخلاف تکالیف نظامی | ۷۰۲ | |
| فرار از خدمت | ۷۰۳ | |
| گزارش خلاف واقع | ۷۰۴ | |
| تقلب و دسیسه در امور نظام وظیفه | ۷۰۵ | |
| فروش و حیف و میل و واگذاری اشیای نظامی و اموال نیروهای مسلح | ۷۰۶ | |
| سرقه | ۷۰۷ | |
| تخریب | ۷۰۸ | |
| سوء استفاده و جعل و تزویر | ۷۰۹ | |
| استفاده غیرقانونی البسه رسمی یا علائم و نشانها و مدالهای نظامی | ۷۱۰ | |
| اختلاس، ارتشا و اخاذی | ۷۱۱ | |

۳- آشنایی با دانش جرم‌شناسی در اداره زندان^۱

تاریخ بشر بر روی زمین با یک نافرمانی توسط آدم و سپس قتل یکی از فرزندان آدم به دست دیگری آغاز می‌شود. پس از آن نیز اضطراب ناشی از جرم و واکنش در برابر آن بخش عمده تاریخ ادوار مختلف را به خود اختصاص می‌دهد. جرم به عنوان یک واقعیت نامطلوب و ضد اجتماعی همواره امنیت فردی و حتی اجتماعی را به مخاطره افکنده و همواره به عنوان دغدغه بشری چه برای عموم مردم چه برای اندیشمندان مطرح بوده است. غریزه حفظ حیات و تلاش برای بقا به همراه فقد روش‌های درست تحلیل این واقعیت، واکنش در برابر جرم را مدت‌ها تبدیل به واکنش‌های غریزی و احساسی کرده و مجازات‌های خشن و نوعاً حذفی به ویژه اعدام و تبعید را در برابر جرم شکل داده است. اما از قرن نوزدهم با توسعه دانش‌های مختلف تجربی از جمله، پزشکی، روانشناسی، ژنتیک و حتی علوم اجتماعی در قالب‌های روش‌مند آن اعم از روش‌های کمی و کیفی، و به کارگیری این علوم در تحلیل پدیده مجرمانه، رویکردهای دقیق‌تری در شناخت این پدیده و مقابله با آن ایجاد شده است.

بزهکاران اصلی‌ترین بازیگران صحنه بزهکاری هستند. لذا برای تحقق اهداف نظام عدالت کیفری در مبارزه با جرم و کاهش آن شناخت صحیح بزهکاران و اوصاف آنها امری ضروری است. جرم‌شناسی علمی است که با نگاهی جامع و با استفاده از دستاوردهای علوم مختلف نیل به چنین هدفی را تسهیل می‌کند. مطالعات و تقسیم‌بندی‌های دقیقی که جرم‌شناسی در مورد انواع مجرمین ارائه می‌نماید، مقدمه مهمی برای تشخیص راهکارهای مبارزه مؤثر با بزهکاری است. از این رو در کنار پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح ساختارهای کلان اجتماعی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی به ویژه اصلاح نظام عدالت کیفری، همواره مداوای مجرم به عنوان یک بیمار از اهداف اصلی جرم‌شناسی می‌باشد.

لذا از نظر دانش جرم‌شناسی، جرم یک عمل انتزاعی نیست که مستقل از انواع متغیرهای مؤثر بر ذهن و جسم مجرم ارتکاب یافته باشد و دستگاه قضایی صرفاً خود را موظف به جمع‌آوری ادله و مدارک در مورد آن و محکومیت متهم بداند. زیرا محرز شده است که رسیدگی به جرم به روش صرف حقوقی، دستاورد چندانی برای نظام عدالت کیفری نداشته و حتی موجب آسیب‌هایی مانند تکرار جرم، افزایش شدت جرایم بعدی مجرم با توجه به برچسب مجرمانه و ورود فرد به مجرمیت حرفه‌ای، جابجایی پدیده مجرمانه و ... می‌شود. نهادهایی مانند تشکیل پرونده شخصیت، بهره‌گیری از سایر علوم مرتبط مانند روانشناسی و جامعه‌شناسی در راستای تحلیل دلایل ارتکاب جرم، شناخت انگیزه‌ها و شخصیت مجرم برای تشخیص و اجرای بهترین روش‌های اصلاح و درمان و بازپروری می‌تواند جامعه را برای بلندمدت در برابر خطرات مجرمین بیمه کرده همچنین با بازاجتماعی کردن مجرمین، زندگی مطلوب و دور از تنش و فشار را برای آینده ایشان ایجاد نماید.

^۱ برای اطلاع بیشتر ر.ک به جرم‌شناسی، نوشته دکتر فرید محسنی، انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ ۱۳۹۴ و کتاب جرم‌شناسی نظری، نوشته توماس برنارد، جرج ولد، جفری اسنیپس، ترجمه علی شجاعی، انتشارات سمت، چاپ ۱۳۸۰

هر چند آمار جرایم در اغلب کشورهای دنیا از جمله ایران، نشان‌گر رشد تصاعدی نرخ جرایم چه به صورت مطلق و چه به صورت نسبی است و بدواً دقیق‌تر شدن دانش جرم‌شناسی و مقابله بهتر با پدیده مجرمانه را زیر سؤال می‌برد اما تجربه کشورهایمانند سوئیس، ژاپن، هلند، کشورهای حوزه اسکانندیناوی، نیوزیلند حتی اندونزی در آسیا و ... نشان می‌دهد هر گاه با امکانات مناسب و مطالعات دقیق، برنامه‌ریزی جامع صورت گرفته و با هماهنگی نهادهای اجرایی و زیرساخت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی به اجرا درآمده است نتایج درخشانی در کاهش جرم همراه با رعایت حقوق بنیادین بشر بدون شکنجه و نقض دادرسی‌های کیفری ایجاد شده است.

اکنون مطالعه پدیده مجرمانه با تمام عناصر آن (جرم، مجرم، بزه‌دیده، محیط مجرمانه) و تمام عوامل پدیدآورنده آن یا به عبارت بهتر تمام عوامل زمینه‌ساز آن اعم از (عوامل فردی و جمعی و نیز عوامل مؤثر در فرایند رشد) موضوع اصلی دانش جرم‌شناسی نظری است. همچنین استفاده از یافته‌های این مطالعات برای طراحی نظامی جهت کنترل و پیشگیری از جرایم به هر شیوه معقول و علمی ممکن چه روش‌های فردی چه روش‌های جمعی مانند اصلاح ساختارهای اساسی دولت و جامعه، موضوع دانش جرم‌شناسی کاربردی است.

استفاده از این همه علوم در برای شناخت پدیده مجرمانه نشان می‌دهد که جرم‌شناسی یک دانش تجربی میان‌رشته‌ای است که درک و استفاده از آن مستلزم داشتن یک نگاه جامع و چندبعدی است.

جرم‌شناسی متعارف یا جریان مرسوم که برعکس **جرم‌شناسی انتقادی**^۱، نظام عدالت کیفری شکل‌یافته را قبول دارد و جرایم مورد تعریف آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد خود بر دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

جرم‌شناسی خرد یا فردی که به دنبال شناسایی علل و عوامل فردی مؤثر در ارتکاب جرم است. این عوامل بر دو دسته علل جسمانی و علل روانی تقسیم می‌شوند. برای شناسایی علل جسمانی علوم‌ی چون ژنتیک، پزشکی، تیپ-شناسی، فیزیولوژی و ... کاربرد دارند. در خصوص علل روانی نیز علوم‌ی چون روانشناسی، روانپزشکی، روانکاوی کاربرد دارند.

جرم‌شناسی کلان به دنبال مطالعه و پژوهش بر روی عوامل کلان و اجتماعی مؤثر در ارتکاب جرم است. عوامل اجتماعی و فرهنگی، نهادهای آموزشی و رسانه‌های جمعی، عوامل اقتصادی چون نرخ تورم، بیکاری، ثبات اقتصادی و سبک سرمایه‌گذاری، عوامل سیاسی مانند ساختار قدرت، نقش احزاب و انتخابات، و در نهایت عوامل حقوقی مانند نظام ثبت اسناد رسمی، ساختار دستگاه قضایی، نقش سازمان زندانها و ... در جرم‌شناسی کلان مورد ارزیابی قرار گرفته و نقش و تأثیر هر یک در ارتکاب جرم با روش‌های تجربی به ویژه آماری مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد.

^۱ جرم‌شناسی انتقادی یا چپ‌گرا که ریشه در آموزه‌های مارکسیستی دارد نظام شکل‌یافته حقوق کیفری را قبول ندارد. این نوع جرم‌شناسی به دو دسته رادیکال و معتدل تقسیم می‌شود. جرم‌شناسی رادیکال اساس حقوق کیفری را رد می‌کند و آن را نوعی ابزار حاکمیت برای حفظ منافع طبقه حاکم می‌داند. لذا ارتکاب جرم را نوعی مخالفت انقلابی با طبقه حاکم دانسته و حتی آن را تقدیس می‌کند. اما رویکرد معتدل نظام جاری حقوق کیفری را رد می‌کند نه به این دلیل که اعتقاد داشته باشد حقوق کیفری نادرست و نامطلوب است بلکه به این دلیل که معتقد است حقوق کیفری مورد سوءاستفاده هیأت حاکمه است. لذا جرم و مجازات را قبول دارد اما اصلاحات اساسی در حقوق کیفری را خواهان است.

علیرغم اینکه نقش سازمان زندان‌ها به عبارت بهتر مجازات زندان به ویژه حبس‌های کوتاه‌مدت در تکرار جرم در جرم‌شناسی کلان قابل بررسی است اما این امر، بحثی کلی و قابل طرح برای سیاستگذاران جنایی کشور است. در سطح مدیریت زندان آنچه برای مدیران زندان‌ها کاربرد دارد جرم‌شناسی خرد (فردی) است. زیرا اولاً مستقیماً با مجرمین سر و کار دارند ثانیاً به دلیل محدودیت‌های شغلی و دامنه کاری، امکان مداخله در عوامل کلان وقوع جرم و پیشگیری از آن برای ایشان فراهم نیست در حالیکه به دلیل دسترسی مستقیم به مجرمین امکان مطالعه بر روی ایشان و نیز اجرای برنامه‌های اصلاح و درمان و بازپروری برای مدیران زندان‌ها فراهم است. به همین دلیل حتی برخی از جرم‌شناسان اعتقاد دارند زندان می‌تواند به عنوان آزمایشگاه علوم جنایی در نظر گرفته شود. به دلیل در دسترس بودن تعداد قابل توجهی از افرادی که مجرمیت ایشان طی دادرسی کیفری محرز شده است، زندان می‌تواند از مهم‌ترین منابع آماری و پژوهشی مطالعات جرم‌شناختی قرار گیرد. همچنین طی دهه‌های اخیر تأثیرپذیری زندانیان از محیط زندان و نقش آن در تکرار جرم از زمینه‌های مهم مطالعاتی در جرم‌شناسی بوده است.

در حال حاضر تحقیقات مختلف جرم‌شناسی ثابت کرده است که به دلیل تفاوت‌های زیادی که مجرمین چه به لحاظ فردی چه به لحاظ محیط رشد با همدیگر دارند هیچ نظریه واحد کیفری برای اثربخش کردن مجازات‌ها وجود ندارد بلکه باید مجموعه‌ای از برنامه‌های متعدد با رویکرد جامع از سزادهی و ارباب تا بازپروری و اصلاح همچنین انواع روش‌های پیشگیری و اصلاحات ساختاری به کار گرفته شود تا متناسب با شخصیت هر مجرم و خصوصیات هر جرمی یک روش کارآمد در اختیار نظام عدالت کیفری باشد و متخصصینی وجود داشته باشند که با اشراف به این روش‌ها و نیز روش‌های تفکیک و طبقه‌بندی مجرمین در انتخاب روش متناسب دقت و تخصص لازم را داشته باشند. از این رو در حال حاضر جرم‌شناسی بالینی تبدیل به یکی از اصلی‌ترین و مهمترین زیرشاخه‌های دانش گسترده جرم‌شناسی شده است. جرم‌شناسی بالینی، دانشی علمی- ترکیبی است که با استفاده از نتایج مطالعات علوم جرم‌شناسی عمومی و اختصاصی به بررسی فرد و ویژگی‌های او پرداخته با آگاهی از درجه خطرناک بودن و قدرت سازگاری و هماهنگ کردن وی با ضوابط و معیارهای اجتماعی به ارائه درمان‌های ضروری پرداخته، و هدف دور کردن بزهکار از تکرار جرم را پی‌گیری می‌نماید. به عبارت دیگر یکی از اهم وظایف یا محور فعالیت علم جرم‌شناسی بالینی را باید در تعیین و ارائه طرق معالجه بزهکاران بر مبنای ویژگی‌های روانی و روحی و درجه‌ی ابتلای آنان به بیماری بزهکاری و دیگر معیارهای اجتماعی دانست. در بررسی بزهکار به وسیله **جرم‌شناسی بالینی**، مراحل زیر دنبال می‌شود:

- ۱- بررسی بالینی (پزشکی، آزمایشگاهی، روانشناختی و روانکاوی)
- ۲- بررسی اجتماعی (از محیط خانواده، دوستان و مدرسه تا محیط‌های فعالیت روزمره و کار و معاشرت)
- ۳- تشخیص و شناخت حالت خطرناک و عوامل درونی و برونی سازنده حالت خطرناک
- ۴- طبقه بندی و تفکیک مجرمین
- ۵- تشخیص روش‌های متناسب اصلاح، درمان و بازپروری برای هر مجرم و اجرای آنها
- ۶- اخذ مستمر بازخورد از روش‌های بازپروری و درمانی برای اصلاح و بهبود روش‌ها

لذا جرم‌شناسی بالینی با اتکا و بهره‌گیری از علوم دیگر، مانند پزشکی، روانکاوی، روانشناسی و علوم اجتماعی، سعی در شناخت ویژگی‌های روانی بزهکاران و تشخیص دقیق میزان ابتلای آنان به معضلات شخصیتی، روانی، عادت به بزهکاری و ... و جستجوی بهترین و مؤثرترین شیوه‌های درمان با توجه به گستره وسیع متغیرهای مؤثر بر موضوع، اعم از فردی، اجتماعی، زیستی و ... دارد. اهمیت نقشی که جرم‌شناسی بالینی در این زمینه ایفا می‌نماید به حدی است که صاحب‌نظران این حوزه، آن را پل ارتباطی میان حرفه‌ها و دانش‌های مرتبط با جرم‌شناسی می‌دانند. از این رویکرد یکی از مهمترین دستاوردهای جرم‌شناسی بالینی برقراری ارتباط میان جرم‌شناسی و کیفرشناسی است که موضوعات اصلی آن عبارتند از علم اداره زندان، کیفیت اجرای مجازات‌ها به ویژه مجازات حبس، بازنگری قوانین مرتبط، تشکیل پرونده شخصیت، طراحی نظام‌های نوین درمان و بازپروری مجرمین به ویژه از طریق آموزش و حرفه‌آموزی.

گذشته از مطالعه بزهکار و ارائه روش‌های درمانی به منظور جلوگیری از تکرار جرم، جرم‌شناسی بالینی به بررسی طرق پیشگیری از جرم و مراقبت و نگهداری مجرمین نیز اهتمام می‌ورزد. این نکته نشانگر این است که مراقبت‌های پس از حبس نیز ادامه جرم‌شناسی بالینی و در راستای اهداف آن است.

استفاده از برخی روش‌های مطالعه جسمانی مجرمین دشوار، هزینه‌بر و مستلزم تخصص‌های عدیده است. از جمله آزمایش‌های ژنتیک و هورمونی، بررسی سیستم‌های عصبی مرکزی و خودکار و ... از این جمله‌اند اما استفاده از برخی دیگر از روش‌ها سهل‌تر است. از جمله اینکه ارتباط وضعیت و مشخصات جسمانی با شخصیت و رفتارهای انسان از قدیم مورد توجه و قبول اندیشمندان بوده است. این رویکرد موجب سلسله مطالعاتی تحت عناوین سیماشناسی، مجسمه‌شناسی و تیپ‌شناسی بدنی در جرم‌شناسی شده است که نتایج این مطالعات اگر چه بسیار بحث‌انگیز است اما حداقل می‌تواند یک ملاک مهم برای طبقه‌بندی و تفکیک مجرمین باشد. به عنوان مثال ویلیام شلدون روانشناس آمریکایی که به هر دو عامل جسمانی و روانی در ارتکاب جرم توجه دارد یک طبقه‌بندی سه‌گانه از تیپ بدنی انسان‌ها و خلق و خوی مرتبط با هر تیپ ارائه کرده است که عبارتند از:

۱- فربه تنان (اندومورف): این افراد دارای بدنی چاق و نرم، قد متوسط، دست و پای کوتاه هستند. به لحاظ روانی، آرام، احساساتی، لذت‌گرا، نازک نارنجی اما مهربان، شوخ، شاد، متعادل، برون‌گرا، اجتماعی و در نهایت شیفته خوردن هستند. به اشیاء و افراد زود دل می‌بندند و زود دل می‌کنند. زندگی آنان بین شور-افسردگی جریان دارد. کمتر از سایر تیپ‌های بدنی درگیر فرایند مجرمانه می‌شوند. در صورت درگیری در ارتکاب جرم نیز در جرایمی وارد می‌شوند که مستلزم مهارت‌های بدنی نباشد. مانند کلاهبرداری.

۲- ستبر تنان (مزومورف): عضلانی، خوش‌بنیه و قوی، تنه و میچ‌ها و دست‌های بزرگ دارند. افراد ستبرتن به لحاظ روانی دارای اعتماد به نفس، پرحرارت، پر انرژی، فعال، بی‌باک و پرخاشگر می‌باشند. کمتر شوخی می‌کنند و بیشتر کینه‌جو و خودرأی هستند و بر نظرات خود اصرار می‌ورزند. درگیری این افراد در فرایند مجرمانه بیش از سایر تیپ‌های بدنی بوده و نوعاً در جرایم خشونت‌آمیز مانند قتل و ضرب و جرح، سرقت مسلحانه و ... این تیپ بدنی بیشتر رؤیت می‌شود.

۳- کشیده‌تان (اکتومورف): قبلند، لاغر، استخوان‌بندی ظریف، موهای نرم و کم‌پشت دارند. این افراد به لحاظ روانی، تیزهوش، هنرمند، درون‌گرا، حساس، اندیشناک و عصبی بوده و احساس خستگی مزمن دارند. به اشیاء و اشخاص دیر دل می‌بندند و دیر هم دل می‌کنند و بیشتر اهل منطق و دلیل هستند تا رفتارهای احساسی و ناشی از عشق. این افراد بیشتر درگیر جرایمی می‌شوند که مستلزم تقلب، طراحی برنامه و نقشه و پیش‌بینی محیطی است به همین دلیل می‌توان انتظار جرایم مالی و کلاهبرداری‌های پیچیده را از این افراد داشت. البته جرایم خشن نیز در میان جرایم این افراد دیده می‌شود. آمار تکرار جرم نیز در این تیپ بدنی بالاست.

کاربرد جرم‌شناسی در زندان

در هر مرکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا زندان قسمتی به نام **تشخیص** به منظور شناخت **شخصیت** محکومان و متهمان و طبقه‌بندی آنان با استفاده از خدمات کارشناسان متخصص تشکیل می‌گردد که تهیه و تنظیم و نگهداری **پرونده شخصیتی زندانی** به عهده این قسمت است (ماده ۶۳ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها).

واژه شخصیت به مجموعه پیچیده‌ای از صفات عاطفی و رفتاری فرد اشاره می‌کند که به موازات حرکت فرد از وضعیتی به وضعیت دیگر نسبتاً ثابت باقی می‌مانند. بسیاری از روانشناسان عقیده دارند که رفتار مجرمانه بیشتر از زیست‌شناسی و وضعیت فرد به شخصیت آنها ارتباط دارد. همچنین روانکاوان نیز علل رفتار مجرمانه را در عناصر ناخودآگاه شخصیت افراد جستجو می‌کنند. در این نوع پژوهش‌ها فرایندهای آسیب‌زای دوران رشد (طفولیت و نوجوانی) فرد که بیشتر به صورت ناخودآگاه هستند بسیار اهمیت دارد. اگر این عوامل به فرد شناسانده شود و حالت خودآگاه پیدا کند کنترل آنها برای وی آسانتر شده و امکان بازگشت فرد به رفتارهای متعادل افزایش می‌یابد. فروید جنبه خودآگاه فرد را به عنوان «من» آن فرد می‌نامید و جنبه ناخودآگاه وی را به دو قسمت «نهاد» و «آبرمن» تقسیم می‌کرد. نهاد راهنمای فرد بر مبنای اصل لذت است و ابرمن، قدرت خودسنجی و وجدان فرد و به عبارتی کدهای اخلاقی درون فرد است که در تعامل تجربه اجتماعی فرد در یک محیط فرهنگی خاص، به وجود می‌آید. تجربه‌ها و قضاوت‌های فرد به ویژه در دوره کودکی موجب می‌شود که وی یک من آرمانی از ارزش‌های منتخب خود تشکیل دهد که قسمت خودآگاه شخصیت را ایجاد می‌کند. این من خودآگاه تلاش دارد میان لذت‌گرایی نهاد و بازدارندگی ابرمن میانجی‌گری کرده و در نهایت تصمیم نهایی و عملی فرد را ایجاد نماید. چالش‌ها و میان‌کنش‌های این سه بخش از شخصیت در نهایت برنامه و دستور زندگی یک شخص را تشکیل می‌دهد که این برنامه می‌تواند شکل مجرمانه پیدا کند. شناسایی هر سه بخش شخصیت برای ارائه برنامه‌های اصلاحی و درمانی ضرورت کامل دارد. در کنار بررسی شخصیت چنانکه گفته شد سایر مشخصات روانی و نیز وضعیت جسمانی فرد نیز می‌تواند در طبقه‌بندی مجرمین بسیار کارآمد باشد. به همین دلیل ماده ۶۴ آئین‌نامه اجرایی مقرر می‌دارد محکومان حداکثر دو ماه در قسمت پذیرش و تشخیص تحت آزمایشگاه‌های پزشکی، روانپزشکی، آزمون‌های روانشناسی و شناخت شخصیت و استعداد قرار گرفته و میزان سلامت جسمی و روانی معلومات و اطلاعات مذهبی و علمی و فنی آنان را در جهت شناخت شخصیت بررسی و تعیین می‌گردد. مددکاران اجتماعی طبق فرم‌های تنظیمی که براساس موازین اسلامی از سوی سازمان تهیه می‌شود درمورد پیشینه زندگی تحقیقات لازم به

عمل آورده گزارش کاملی از گذشته محکوم یا متهم از دوران طفولیت تا زمان تنظیم گزارش در محیط‌های مختلف خانوادگی، تحصیلی، محلی، حرفه‌ای و غیره را با اظهارنظر خود تهیه می‌نمایند. در انقضای مدت اقامت آنان در قسمت پذیرش و تشخیص کلیه گزارش‌های متخصصان در پرونده او متمرکز می‌شوند تا در شورای طبقه‌بندی مطرح شود.^۱

شورای طبقه‌بندی در خصوص تعیین و تقسیم محل استقرار محکومان و متهمان، اشتغال یا عدم اشتغال به کار محکومان در مراکز اشتغال داخل و یا خارج موسسه یا زندان و نیز در زمینه احراز شرایط آزادی مشروط و عفو زندانیان بر اساس وضعیت شخصیتی مجرم و رفتارهای ایشان در زندان اتخاذ تصمیم می‌کند (ماده ۶۶ آئین‌نامه اجرایی). به عنوان مثال محکومان حسب پیشینه، سن، جنسیت، تابعیت، نوع جرم، مدت مجازات، وضع جسمانی و روانی، چگونگی شخصیت و استعداد و میزان تحصیلات و تخصص می‌توانند به یکی از قسمت‌های مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، زندان یا مؤسسه‌های تأمینی و تربیتی معرفی گردند (ماده ۶۹ آئین‌نامه اجرایی).

^۱ ماده ۶۵ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها: در هر زندان، مرکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا، شورایی با ترکیب زیر به نام شورای طبقه‌بندی زندانیان تشکیل می‌شود: قاضی ناظر زندان به عنوان رییس شورا؛ رییس زندان یا مرکز مربوط به عنوان دبیر شورا مسئولین واحدهای قضایی، بازپروری، انتظامی، رییس اندرزگاه مربوط، یک نفر روانشناس و یک نفر مددکار که در قسمت تشخیص فعالیت می‌نمایند با انتخاب رییس مرکز یا زندان.

۴- کاربرد کیفرشناسی در اداره زندان^۱

پاسخ به جرم موضوعی است فنی در عین حال انسانی که دارای ابعاد حقوقی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در قلمروهای ملی و بین‌المللی می‌باشد. کیفرشناسی به عنوان علم مطالعه و بررسی علمی-تجربی پاسخ به جرم، از یک طرف در جستجوی تحلیل و تبیین چرایی واکنش نسبت به جرم و مجرم و از طرف دیگر به دنبال مؤثرترین و مناسب‌ترین واکنش است. این دانش با توجه به تحولات تاریخی پیرامون نحوه واکنش به جرم، با توجه به نظریه‌های کیفری، گونه‌های مختلفی از پاسخ به جرم و مجرم را سامان می‌دهد. این علم همچنین به آثار و نتایج هر یک از پاسخ‌ها پرداخته و امکان جایگزینی و ابتکار انواع واکنش‌ها را بررسی می‌کند. تمام این پژوهش‌ها برای اینست که در نهایت واکنش‌ها فراتر از واکنش غریزی بوده تمام ابعاد و جوانب را در نظر گرفته و هدفمند باشد تا حقوق کیفری به اهداف خود که از یک سو تضمین ارزش‌های اساسی جامعه و از سوی دیگر احترام به تمام شهروندان و حفظ آنها از سقوط است دست یابد.

تحقیقات ابتدایی در خصوص مطالعه کیفر و آثار آن با تأکید بر مجازات زندان بوده است. چنانکه علم اداره زندان در قالب الگوهای مدیریتی، نسل اول دانش کیفرشناسی به حساب می‌آید. اما در حال حاضر نه تنها تمام کیفرها بلکه تمام واکنش‌هایی که در برابر جرم از سوی حکومت و جامعه بروز داده می‌شود می‌تواند موضوع مطالعه دانش کیفرشناسی باشد. چنانکه برخی عنوان «کیفرشناسی» را نارسا دانسته و عناوینی چون «پاسخ‌شناسی» یا «واکنش‌شناسی» را جامعتر می‌دانند. از این رویکرد کیفرشناسی یک دانش بین‌رشته‌ای به ویژه ترکیبی از علوم اجتماعی و علوم روانی است که به دنبال پاسخ‌های مناسب در برابر جرم با محوریت بازدارندگی یا بازپروری و اصلاح است که در یک چهارچوب هدفمند به تأسیس انواع نهادهای کیفری و غیرکیفری از جمله نهادهای اصلاحی، مراقبتی و تربیتی و در صورت لزوم تنبیهی و بازدارنده می‌پردازد و به صورت مستمر و مداوم با کمک علوم آماری و اخذ بازخورد نگاه به پیشرفت در آینده دارد. لذا کیفرشناسی با ارائه یک رویکرد فراحقوقی به مجازات، از تبدیل مجریان قانون به مجریان فنی و تکنیکی جلوگیری می‌کند بلکه به دنبال این است که این مجریان، متخصصینی متعهد به ابعاد انسانی این کیفرها بوده و همواره آثار و نتایج اقدامات خود را در دنیای واقعی دنبال کنند. اجرای خشک و بدون روح قوانین و کیفرها هیچ دردی را درمان نخواهد کرد.

عدم توجه به این امر می‌تواند فاجعه بار باشد چنانکه جمعیت کیفری زندان‌های ایران از تعداد ۱۰۲ هزار نفر در سال ۱۳۷۱ اکنون به تعداد ۲۴۰ هزار نفر افزایش یافته است. در سال ۱۳۹۱ این عدد به ۲۵۰ هزار نفر رسیده بود. نرخ نسبی جمعیت کیفری در ایران حدود ۳۰۰ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر است که معادل دو برابر استاندارد کشورهای آسیایی و ۱/۶ برابر استاندارد جهانی است. ایران از این نظر میان ۸ کشور نامطلوب دنیا است و با جمعیتی مشابه نسبت به ترکیه حدود

^۱ برای اطلاع بیشتر ر.ک: کیفرشناسی، نوشته دکتر حسین غلامی، نشر میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۹۵

۲/۲ برابر زندانی دارد. از سوی دیگر ایران دومین کشور دنیا از نظر توسل به اعدام پس از کشور چین است. سالانه حدود ۲۵۰ تا ۷۳۰ اعدام در ایران در یک دهه گذشته آماری نگران کننده است. آمار بازگشت به زندان نیز در یک دهه اخیر بین ۴۰ تا ۵۰ درصد بوده است که نشانگر ضعف زندان در سیاست‌های منطقی کیفر است. شناخت اهداف مجازات زندان، آشنایی با اصول نوین کیفرشناختی و تکنیک‌های تحقق اهداف اصلی نظام کیفری که به نظر می‌رسد در ایران بر پایه اصلاح و بازپروری مجرمین باشد، می‌تواند این مجازات را مؤثر و کارآمد نماید.

کیفرشناسی را می‌توان از رویکردهای مختلفی مورد توجه قرار داد. از رویکرد نظری، کیفرها مبتنی بر فلسفه و اندیشه‌های کیفری و در نهایت حقوق بنیادین بشر به صورت انتزاعی طراحی می‌شوند. از رویکرد تحلیلی مدل‌های پیشنهادی با واقعیت‌های اجتماعی، تاریخی و آماری انطباق داده شده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و از رویکرد مطالعات علمی، روش‌های آماری و تجربی به کار گرفته می‌شود تا اثربخشی هر یک از مدلها مورد ارزیابی واقعی قرار گیرد. در نهایت کیفرشناسی کاربردی قالبی برای عملیاتی کردن تمام چهارچوبهای نظری و یافته‌های تحلیلی و علمی از طراحی تا اجرای این چهارچوبها در طی سیاست جنایی رسمی و نظام عدالت کیفری موضوعه است. مدیریت زندان به منظور کارآمد کردن آن، بخشی از کیفرشناسی کاربردی است.

الگوهای کیفرشناختی

سه الگوی اصلی کیفرشناختی پاسخ به بزهکاری عبارتند از سزادهی، بازدارندگی و بازپروری.

توجه اصلی سزادهی به شدت جرم بوده و مجازات بر اساس اهمیت جرم تعیین می‌شود نه میزان خطرناکی مجرم. در واقع این رویکرد توجه به گذشته دارد و مجازات را کفاره جرم می‌داند و هیچ توجهی به این نمی‌شود که آیا مجازات در آینده مؤثر است یا نه.

رویکرد بازدارندگی به شدت جرم اهمیت می‌دهد لیکن در مقام تعیین و اجرای مجازات به روحیات فردی مجرم و وضعیت بالقوه مجرمانه اجتماعی توجه می‌شود و مجازات طوری تعیین و اجرا می‌شود که موجب ارعاب فردی شخص مرتکب و ارعاب جمعی مجرمین بالقوه و در نتیجه بازدارندگی در آینده شود. این بازدارندگی بیشتر بر عدم تکرار جرم از سوی مرتکب تمرکز دارد.

رویکرد بازپروری در اصل یک رویکرد مجرم محور است. ارتکاب جرم، صرفاً برای شناسایی مجرم معیار محسوب می‌شود لیکن در مقام تعیین و اجرای مجازات شخصیت مجرم و میزان خطرناکی وی شاخص اصلی است. هدف از اجرای مجازات رفع خطر مجرم نسبت به جامعه است. با توجه به اینکه تشخیص میزان خطر مجرم یک امر کارشناسی و غیرعینی است لذا می‌تواند به صورت سلیقه‌ای مورد سوءاستفاده قرار گیرد و یک فرد به دلیل ارتکاب به یک جرم ساده و کوچک، با گواهی‌های کارشناسی بسیار خطرناک شناسایی شود و به مجازات‌های شدید محکوم شود. از این رو برای جلوگیری از این عواقب منفی استفاده از این رویکرد در حال حاضر به صورت ترکیبی است. به عبارتی در تعیین مجازات از رویکرد سزادهی استفاده شده و مجازات با توجه به شدت جرم تعیین شده با نهادهایی مانند مجازات‌های نسبی و

متغیر، تخفیف و تشدید مجازات و ... با شخصیت مجرم انطباق داده می‌شود لیکن در مقام اجرای مجازات هدف از اجرا، بازپروری و درمان و اصلاح مجرم خواهد بود.

این رفع خطر و بازپروری می‌تواند با الگوی پزشکی و درمان جسمی فرد مانند جراحی بخشی از مغز یا درمان دارویی و کاهش سطح هورمون‌ها و ... باشد که این روش نخستین رویکرد اصلاحی و درمانی بوده است که به دلیل مغایرت با حقوق بشر صرفاً در مواردی مانند درمان اعتیاد به مواد مخدر، الکلیسم و مجرمینی که اختلالات روانی آنها محرز است، استفاده می‌شود. بعد از دهه هفتاد میلادی با پدیداری اشکال نوین دفاع اجتماعی بر مبنای حقوق بشر، روش‌های اخلاقی‌تر برای بازپروری ایجاد شده است. حسب این آموزه‌های نوین، بزهکاران مانند هر انسان دیگری دارای مجموعه‌ای از نیازها و مشکلات هستند که به دلیل عدم تأمین و تحقق مناسب آنها، زمینه ارتکاب جرم ایجاد می‌شود. همچنین این افراد در فرایند رشد خود محیط‌های خانوادگی، محله، دوستانه، مدرسه و شهری یا روستایی خاصی را تجربه کرده‌اند که هر یک از این محیط‌ها می‌تواند دارای آسیب‌هایی باشد که در تکوین شخصیت فرد اختلالاتی ایجاد نماید. عدم تأمین نیازها در کنار اختلالات رشدی و تربیتی می‌تواند احتمال ارتکاب جرم را به شدت افزایش دهد. با توجه به این نگاه جامع در حال حاضر برنامه‌های بازپروری و اصلاح و درمان علاوه بر الگوی پزشکی درمان، مشتمل بر برنامه‌های جامعی است برای از بین بردن زمینه‌های جرم با تأمین نیازهای اساسی، برنامه‌های آموزش علمی، فنی و حرفه‌ای، اجتماع‌درمانی و کنترل رفتارهای جمعی و محیط‌های روزمره، رفتاردرمانی و کنترل خشم و هیجانات و کنترل رفتارهای پرخطر جنسی، برنامه‌های ایمان محور و افزایش توان کف نفس. به عبارتی این رویکرد به دنبال رفع خطر مجرم با رعایت اخلاق، حقوق بشر و جلوگیری بلندمدت از تکرار جرم است. چنانکه ملاحظه می‌شود اجرای این برنامه‌ها مستلزم تربیت نیروهای متخصص و داشتن امکانات گسترده با هماهنگی نهادهای مختلف رسمی و مردمی است و بعید است که یک سازمان به تنهایی با امکانات محدود بتواند این برنامه را عملیاتی نماید.

کاربرد کیفرشناسی در اداره زندان

آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها توجه ویژه‌ای به دانش کیفرشناسی به ویژه الگوی اصلاح، درمان و بازپروری محکومین دارد و انجام تحقیقات و پژوهش‌های نوین کیفرشناسانه^۱ تهیه آمار و اطلاعات مورد نیاز برای مطالعات کیفرشناسانه و آموزش کارکنان همسو با موازین کیفرشناسی نوین را از وظایف اصلی سازمان می‌داند (بندهای د، ک و

^۱ ماده ۱۹: سازمان می‌تواند با ایجاد تشکیلات مناسب نسبت به انجام تحقیقات و مطالعات علمی کیفرشناسانه لازم راساً اقدام نماید.

تبصره ۱: کلیه پژوهش‌های سازمان باید همساز با مبانی نوین کیفرشناسی بوده، نتیجه آن برای سازمان و بهینه سازی اداره امور کاربرد عملی داشته باشد.

تبصره ۲: منظور از کیفرشناسی نوین؛ مطالعه، تحقیق، ارزیابی و بررسی روش‌های علمی اجرایی است که به فایده مندی فردی و اجتماعی شیوه‌های اجرای کیفرها، می‌پردازد.

ص ماده ۱۸ آئین نامه)^۱ در این راستا برنامه‌های کاربردی قابل توجهی مورد پیش‌بینی قرار گرفته است که اهم آنها عبارتند از:

- ۱- حرفه‌آموزی و اشتغال محکومان و کار در کارگاه‌های داخل زندان یا مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی خارج زندان به منظور توسعه برنامه‌های بازپرورانه، کاهش آسیب‌ها و نارسایی‌های داخل زندان، کمک به رفع مشکلات مادی و معنوی محکومان و خانواده آنان و نیل به خودکفایی (مواد ۱۲۲ تا ۱۲۴ آئین نامه اجرایی)
- ۲- سوادآموزی، ارتقاء سطح معلومات و جلوگیری از اتلاف وقت محکومان و همچنین تقویت اراده و پرورش فکر و استعدادهاى نهفته آنان با همکاری تمام سازمان‌ها و نهادها از جمله مؤسسه‌های آموزش علمی و فنی و اعطای مدارک و گواهینامه‌های لازم (مواد ۱۳۶ تا ۱۴۰ آئین نامه اجرایی)
- ۳- برنامه‌های نمایش ماهانه به منظور پرورش افکار و استعدادهای هنری و ارتقاء سطح معلومات محکومان (ماده ۱۵۴ آئین نامه اجرایی)
- ۴- لزوم اخذ بازخورد از میزان تأثیر هر یک از برنامه‌های زندان و ایجاد تغییرات در صورت لزوم با رویکرد بازسازی محکومان و کاهش تکرار بزه (ماده ۱۵۸ آئین نامه اجرایی)
- ۵- تعیین محل نگهداری محکومان و متهمان در حوزه قضایی و نیز تعیین ساعت‌ها و دفعه‌ها و نوع ملاقات و سایر ترتیبات انجام ملاقات و مرخصی و جابجایی محکوم (ماده ۲۳۱ آئین نامه اجرایی)
- ۶- تغییر نوع زندان محکوم را بر حسب بهبود وضع اخلاقی محکوم یا تنزیل آن (ماده ۲۳۲ آئین نامه اجرایی)
- ۷- انتقال محکوم از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر بنا بر مصالح شهرستان (ماده ۲۳۳ و ۲۳۴ آئین نامه اجرایی)
- ۸- حفظ روابط و علائق خانوادگی محکومان برای تسهیل بازگشت ایشان به زندگی عادی از طریق فعالیت‌های مددکاری، با جلب اعتماد وی در رفع مشکلات و تأمین احتیاجات مادی و معنوی او و خانواده‌اش (ماده ۲۳۷ آئین نامه اجرایی)
- ۹- حمایت مادی و معنوی تا سه ماه پس از آزادی از زندان نسبت به محکومانی که مأوی و شغلی ندارند با هماهنگی اداره مراقبت بعد از خروج (ماده ۲۳۹ آئین نامه اجرایی)
- ۱۰- تعلیم مبانی عقیدتی اسلام و تبلیغ و راهنمایی صحیح نسبت به تهذیب و تزکیه نفس و تحکیم مبانی اخلاقی و الفت آنان به اخلاق اسلامی و علاقه آنان به زندگی سالم و عمل صالح توسط مسئولان و کارکنان واحد بازپروری و حل مشکلات روحی، تسکین درونی و ایجاد امید به اصلاح و زندگی صحیح در آنان به منظور بازگشت به جامعه و ادامه زندگی سالم اجتماعی (ماده ۲۴۲ آئین نامه اجرایی)
- ۱۱- آماده نمودن محکومان برای بازگشت به محیط خارج از مؤسسه یا زندان (ماده ۲۶۸ آئین نامه اجرایی)

^۱ تبصره ۳ ماده ۳۵ آئین نامه: به منظور فراهم شدن زمینه‌های نهادینه سازی سیاست‌های نوین کیفری و فایده مندسازی شیوه‌های اجرای کیفر سلب آزادی، ترجیحاً ریسان مراکز آموزشی و پژوهشی سازمان و مسئولان واحدهای آموزش و پژوهش این مراکز از میان متخصصان کیفرشناسی انتخاب خواهند شد.

۵- آشنایی با انواع جایگزین‌های حبس

چنانکه گفته شد آمار بازگشت به زندان در سال‌های اخیر بین ۴۰ تا ۵۰ درصد بوده است که این امر نشان می‌دهد زندان - به ویژه حبس‌های کوتاه مدت - مجازات چندان کارآمدی نیست. برنامه‌های اصلاح و بازپروری به ویژه در حبس‌های کوتاه‌مدت تأثیر چندانی بر شخصیت محکومین ندارد. دلایل دیگری مانند جرم‌زا بودن محیط زندان، تبادل تجربیات میان زندانیان که آن را به دانشگاه جرم تبدیل می‌کند، شناخت جامع و شبکه‌ای زندانیان از همدیگر که موجب تشکیل گروه‌های مجرمانه می‌شود، هزینه اقتصادی زندان، مشکلات بهداشتی و روانی موجود در آن، بی‌سرپرست شدن خانواده زندانیان در مدت حبس سرپرست خانواده و معضلات تحمیلی بر خانواده ایشان اعم از مشکلات معیشتی، طلاق، گرفتاری خانواده در فرایندهای مجرمانه و ... موجب می‌شود که جایگزین‌های حبس مفید و ضروری به نظر برسد. این جایگزین‌ها می‌تواند دامنه وسیعی از تدابیر را شامل شود اما باید همواره به دو نکته توجه شود:

۱- نباید حبس، اولین پیشنهاد مقنن به عنوان مجازات هر جرمی باشد به گونه‌ای که این تعداد از پیش‌بینی مجازات حبس، تبدیل به یک معضل شود. مانند اینکه مجازات حدود ۶۵ درصد از جرایم در ایران، حبس می‌باشد در حالی که در بسیاری از جرایم اساساً مجازات حبس نه لازم و نه بازدارنده است. اغلب جرایم مبتنی بر بی‌احتیاطی مستلزم آموزش و محرومیت از انواع دیگر حقوق مانند محرومیت از برخورداری و بهره‌مندی از وسیله‌ای است که بی‌احتیاطی با آن رخ داده است. اساساً حبس برای دو دسته از مجرمین است؛ مجرمینی که میزان خطر ایشان به اندازه‌ای است که حضور ایشان برای جامعه واجد مضراتی بوده و بازسازی ایشان با جامعه مستلزم طرد اجتماعی و در اختیار داشتن وی برای اجرای برنامه‌های بازپروری و اصلاح و درمان است. دوم مجرمین مصری که سایر انواع مجازات‌ها برای ایشان مؤثر نیست. خارج از این دو حالت ضرورتی برای تعیین و تحمیل حبس وجود ندارد. لذا راه حل بسیاری از حبس‌های مقرر در قانون، تدابیر جایگزین حبس نیست بلکه حبس زدایی و تعیین انواع دیگر از مجازات است.

۲- پس از تعیین دقیق و منطقی مجازات حبس برای جرایم، تدابیر جایگزین باید به عنوان جایگزین حبس طراحی شوند نه هر مجازاتی. لذا باید فلسفه این مجازات که همانا کاهش مرادده فرد با جامعه تا زمان رفع خطر سپس اصلاح و بازپروری مجرم و بازگشت سالم و مفید به جامعه را دنبال کند. تنها تفاوت این تدابیر با حبس باید در مکان نگهداری و کیفیت مراقبت باشد. لذا بعید است مجازات‌هایی مانند جزای نقدی یا جزای نقدی روزانه جایگزین مناسبی برای حبس باشد. زیرا هیچ سنخیتی با اهداف مجازات حبس ندارد. وف ماده ۶۴ ق.م.ا مجازات‌های جایگزین حبس عبارتند از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی که از این میان تنها دوره مراقبت می‌تواند جایگزین مناسبی برای حبس باشد. مواردی مانند حبس در خانه، کارآموزی در مراکز بازپروری، کار در کارگاه‌های مخصوص کار در این فهرست دیده نمی‌شود. البته لازم به ذکر است که تدابیر جایگزین حبس به این مجازات‌های جایگزین محدود نشده و موارد مناسبی مانند تعویق مراقبتی، تعلیق مراقبتی، نظام نیمه آزادی، نظارت الکترونیک و

آزادی مشروط همراه با دستورهای مراقبتی نیز می‌تواند جایگزین تمام یا بخشی از مجازات حبس باشد که این موارد در قانون پیش‌بینی شده و در صورت وجود زیرساخت‌های لازم امکان اجرایی خواهند داشت. این موارد در این بخش مرور خواهد شد.

تعویق ساده و مراقبتی

در جرایم موجب تعزیر درجه شش تا هشت^۱ دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط مقرر در ماده ۴۰ ق.م.ا حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد. این شرایط عبارتند از:

- ۱- وجود جهات تخفیف
- ۲- پیش‌بینی اصلاح مرتکب
- ۳- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران
- ۴- فقدان سابقه کیفری مؤثر مذکور در ماده ۲۵ ق.م.ا

نظر به اینکه مجازات اغلب جرایم تعزیری، حبس است می‌توان تعویق مراقبتی صدور حکم را یکی از جایگزین‌های حبس دانست. در تعویق ساده مرتکب به طور کتبی متعهد می‌گردد، در مدت تعیین شده به‌وسیله دادگاه، مرتکب جرمی نشود. لذا در این نوع تعویق هیچ نظارت و مراقبتی بر مجرم وجود ندارد و هیچ برنامه اصلاحی و درمانی نیز در مورد وی اجرا نمی‌شود. از این رو چنین تعویقی جایگزین حبس نیست بلکه می‌تواند جایگزین سایر انواع مجازات باشد. اما در تعویق مراقبتی مرتکب متعهد می‌گردد دستورها و تدابیر مقرر شده به‌وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجراء گذارد. تعویق مراقبتی همراه با دو دسته از تدابیر و دستورهای که یک دسته از آنها برای ایفای هدف مراقبت و نظارت بر مجرم بوده و دسته دیگر برای طراحی و اجرای برنامه‌های اصلاحی و درمانی است. تدابیر مراقبتی در ماده ۴۲ ق.م.ا ذکر شده است؛ حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر، ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل‌کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی، اعلام

^۱ برای آشنایی با درجات مجازات‌های تعزیری به ماده ۱۹ ق.م.ا مراجعه کنید

^۲ ماده ۲۵ - محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند:

الف - هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی

ب - سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی‌علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار

پ - دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی‌علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج

تبصره ۱ - در غیر موارد فوق، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود لکن در گواهی‌های صادره از مراجع ذی‌ربط منعکس نمی‌گردد مگر به درخواست مراجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات

تبصره ۲ - در مورد جرایم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود.

تبصره ۳ - در عفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت‌های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود. محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد.

هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه‌جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی و کسب اجازه از مقام قضایی به منظور مسافرت به خارج از کشور که این تدابیر می‌تواند از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد. دستورات و برنامه‌های اصلاحی در ماده ۴۳ ق.م.ا ذکر شده است. دادگاه صادرکننده قرار تعویق مراقبتی می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به‌نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق، ملزم نماید که اغلب آنها با اهداف آموزش، درمان و بازسازی و اصلاح مجرم است:

- ۱- حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص
- ۲- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین
- ۳- درمان بیماری یا ترک اعتیاد
- ۴- پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه
- ۵- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری
- ۶- خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن
- ۷- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه
- ۸- گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی

چنانچه متهم در بازداشت باشد، دادگاه پس از صدور قرار تعویق صدور حکم، بلافاصله دستور آزادی وی را صادر می‌نماید. دادگاه می‌تواند در این مورد تأمین مناسب أخذ نماید. در هر صورت أخذ تأمین نباید به بازداشت مرتکب منتهی گردد (تبصره ۲ ماده ۴۰ ق.م.ا). در مدت تعویق، در صورت ارتكاب جرم موجب حد، قصاص، جنایات عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت، دادگاه به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر می‌کند. در صورت عدم اجرای دستورهای دادگاه، قاضی می‌تواند برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار، به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند (ماده ۴۴ ق.م.ا). البته در صورت الغای قرار تعویق و صدور حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات ممنوع است (تبصره ماده ۴۴ ق.م.ا). پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پابندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند (ماده ۴۵ ق.م.ا). به عبارت دیگر حتی اگر مجرم در زمان تعویق مراقبتی مرتکب هیچ جرمی نشود، دادگاه الزامی ندارد که حتماً مجرم را از کیفر معاف نماید. بلکه اگر رأساً یا با گزارش مددکاری اجتماعی احراز نماید که اصلاح و درمان مجرم حاصل نشده است می‌تواند حکم محکومیت لازم در خصوص وی صادر نماید.

تعليق اجرای مجازات

چنانکه در مواد فوق ملاحظه شد، تعویق صدور حکم اساساً قبل از تعیین هر گونه مجازاتی است و حتی در انتها می‌تواند منجر به معافیت مجرم از صدور حکم به کیفر شود. ضمن اینکه تنها در خفیف‌ترین جرایم (درجه ۶ تا ۸) مقدور است. اما تعلیق اجرای مجازات چنانکه از عنوان آن نیز پیداست، پس از حکم محکومیت و تعیین مجازات خواهد بود. ضمن اینکه برای جرایم سنگین‌تر نیز قابل استفاده است. وفق ماده ۴۶ ق.م.ا در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک‌سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.^۱

تعليق مجازات نیز مانند تعویق صدور حکم و با رعایت مقررات آن، ممکن است به‌طور ساده یا مراقبتی باشد (ماده ق.م.ا ۴۸). لذا برای صدور دستورها و تدابیر مراقبتی، اصلاحی و درمانی تعلیق مراقبتی، از مواد مرتبط با تعویق به شرح پیش‌گفته استفاده خواهد شد.

ماده ۵۰ ق.م.ا - چنانچه محکومی که مجازات او معلق شده است در مدت تعلیق بدون عذرموجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند، دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام، برای بار اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه یا قرار تعلیق را لغو نماید. تخلف از دستور دادگاه برای بار دوم، موجب الغای قرار تعلیق و اجرای مجازات می‌شود.

ماده ۵۱ ق.م.ا - تعلیق اجرای مجازات محکوم نسبت به حق مدعی خصوصی تأثیری ندارد و حکم پرداخت خسارت یا دیه در این موارد اجراء می‌شود.

ماده ۵۲ ق.م.ا - هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت نشود، محکومیت تعلیقی بی‌اثر می‌شود.

^۱ ماده ۴۷ ق.م.ا - صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرایم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست:

الف - جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات

ب - جرایم سازمان‌یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم‌ربایی و اسیدپاشی

پ - قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرایم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا

ت - قاچاق عمده مواد مخدر یا روان‌گردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان

ث - تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی‌الارض

ج - جرایم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون ریال

ماده ۵۵۲ ق.آ.د.ک - هرگاه محکوم علیه پس از سپری شدن حداقل شش ماه از مدت تعلیق اجرای مجازات، به طور مستمر حسن اخلاق و رفتار نشان دهد، قاضی اجرای احکام کیفری، مراتب را با پیشنهاد کاهش مدت تعلیق یا لغو تمام یا برخی از دستورهای تعیین شده به دادگاه صادرکننده حکم اعلام می کند. دادگاه در وقت فوق العاده در مورد پیشنهاد قاضی اجرای احکام کیفری تصمیم می گیرد.

تبصره - در صورت عدم پذیرش پیشنهاد از سوی دادگاه، قاضی اجرای احکام کیفری می تواند هر دو ماه یک بار مجدداً اجرای این آ.د.ک را به دادگاه پیشنهاد نماید.

ماده ۵۳ ق.م.ا - در صورتی که قسمتی از مجازات یا یکی از مجازات های مورد حکم معلق شود، مدت تعلیق از زمان خاتمه اجرای مجازات غیرمعلق محاسبه می گردد.

تبصره - در مواردی که به موجب قوانین اداری و استخدامی، محکومیت کیفری موجب انفصال است در صورت تعلیق، محکومیت معلق، موجب انفصال نمی گردد، مگر آنکه در قانون تصریح یا قرار تعلیق لغو شود.

ماده ۵۴ ق.م.ا - هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرایم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام می کند. دادگاه به هنگام صدور قرار تعلیق به طور صریح به محکوم اعلام می کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرایم فوق شود، علاوه بر مجازات جرم اخیر، مجازات معلق نیز درباره وی اجراء می شود.

ماده ۵۵ ق.م.ا - هرگاه پس از صدور قرار تعلیق، دادگاه احراز نماید که محکوم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت های قطعی دیگری بوده است که در میان آنها محکومیت تعلیقی وجود داشته و بدون توجه به آن اجرای مجازات معلق شده است، قرار تعلیق را لغو می کند. دادستان یا قاضی اجرای احکام نیز موظف است در صورت اطلاع از موارد فوق، لغو تعلیق مجازات را از دادگاه درخواست نماید. حکم این ق.م.ا در مورد تعویق صدور حکم نیز جاری است.

نظام نیمه آزادی

نظام نیمه آزادی، شیوه ای است که بر اساس آن محکوم می تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت های حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می شود (ماده ۵۶ ق.م.ا).

در حبس های تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادرکننده حکم قطعی می تواند مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او،

تحت نظام نیمه‌آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه‌آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است (ماده ۵۷ ق.م.ا).

نظام آزادی مشروط

از نهادهای دیگری که می‌تواند جایگزین حبس شود، آزادی مشروط به ویژه با دستورهای و تدابیر مراقبتی و درمانی است. اگر چه قانون صراحتاً آزادی مشروط را به دو قسم ساده و مراقبتی تقسیم نکرده است اما در ماده ۶۰ ق.م.ا مقرر شده است که دادگاه اختیار دارد که آزادی مشروط را مقید به اجرای دستورهای مندرج در قرار تعویق صدور حکم نماید.^۱

این نهاد شبیه تعلیق مراقبتی است اما تفاوت‌هایی نیز با آن دارد. تعلیق اجرای مجازات می‌تواند در زمان صدور حکم باشد یا پس از آن اما آزادی مشروط همواره پس از سپری شدن بخشی از مجازات حبس مقدور است. تعلیق اجرای مجازات برای مجازات‌های درجه ۳ تا ۸ است اما آزادی مشروط برای هر درجه از حبس قابل استفاده است. تعلیق اجرای مجازات برای هر نوع مجازاتی است اما آزادی مشروط فقط در خصوص حبس است.

وفق ماده ۵۸ ق.م.ا در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک‌سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط را صادر کند:

- الف - محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد.
- ب - حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود.
- پ - به تشخیص دادگاه محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.
- ت - محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

انقضای مواعد فوق و همچنین مراتب مذکور در بندهای (الف) و (ب) این ق.م.ا پس از گزارش رییس زندان محل به تأیید قاضی اجرای احکام می‌رسد. قاضی اجرای احکام موظف است مواعد مقرر و وضعیت زندانی را درباره تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید.

مدت آزادی مشروط شامل بقیه مدت مجازات می‌شود، لکن دادگاه می‌تواند مدت آن را تغییر دهد و در هر حال آزادی مشروط نمی‌تواند کمتر از یک‌سال و بیشتر از پنج‌سال باشد جز در مواردی که مدت باقیمانده کمتر از یک‌سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس است (ماده ۵۹ ق.م.ا).^۱

^۱ ماده ۶۱ ق.م.ا - هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می‌شود. در صورت تکرار یا ارتکاب یکی از جرایم عمدی موجب حد، قصاص، دپه یا تعزیر تا درجه هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجراء درمی‌آید، درغیراین صورت آزادی او قطعی می‌شود.

نظارت الکترونیکی

یکی از تدابیر جدید جایگزین حبس که مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات است، نظارت الکترونیکی بر مجرمین است که می‌تواند خارج از فضای زندان کارآمد بوده و در عین حال در صورت اجرا همراه با برنامه‌های اصلاحی و درمانی، فارغ از مضرات زندان و واجد آثار مثبت اصلاحی باشد. اما اجرای چنین تدبیری مستلزم ایجاد زیرساخت‌های لازم به همراه قوانین و آیین‌نامه‌های لازم مانند حفظ حریم خصوصی افراد مرتبط با زندانی است. ماده ۶۲ ق.م.ا. چنین امکانی را به لحاظ حقوقی پیش‌بینی کرده است اما زیرساخت‌های لازم برای عملیاتی شدن آن هنوز فراهم نشده و در اختیار سازمان زندان‌ها قرار نگرفته است. ماده مزبور مقرر می‌کند: «در جرایم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم)‌های الکترونیکی قرار دهد». تبصره ماده مزبور این حکم را تکمیل کرده و به دادگاه اجازه می‌دهد که دستورات مراقبت فیزیکی و برنامه‌های اصلاحی را نیز به قرار نظارت الکترونیک اضافه نماید.^۲

مجازات‌های جایگزین حبس

وفق ماده ۶۴ ق.م.ا. مجازات‌های جایگزین حبس عبارتند از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی. میزان محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات جایگزین حبس به صورت کلی حداکثر به میزان دو سال تعیین شده است که مقام قضایی می‌تواند محرومیت از یک یا چند حقوق مذکور در ماده ۲۶ را به محکوم تحمیل نماید یا یکی از دستورات اصلاحی مذکور در ماده ۲۳ را به وی الزام نماید (ماده ۸۷ ق.م.ا). میزان سایر مجازات‌ها به شرح زیر تعیین شده‌اند:

| حداکثر مجازات حبس قابل تبدیل | دوره مراقبت | خدمات عمومی رایگان | جزای نقدی روزانه | جزای نقدی |
|---------------------------------------|----------------|--------------------|------------------|-------------------------|
| ۳ ماه حبس | تا ۶ ماه | تا ۲۷۰ ساعت | تا ۱۸۰ روز | تا ۹ میلیون ریال |
| ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس | ۶ ماه تا یکسال | ۲۷۰ تا ۵۴۰ ساعت | ۱۸۰ تا ۳۶۰ روز | از ۹ تا ۱۸ میلیون ریال |
| ۶ ماه تا یکسال حبس | ۱ تا ۲ سال | ۵۴۰ تا ۱۰۸۰ ساعت | ۳۶۰ تا ۷۲۰ روز | از ۱۸ تا ۳۶ میلیون ریال |
| جرایم غیر عمدی با مجازات بیش از یکسال | ۲ تا ۴ سال | ۱۰۸۰ تا ۲۱۶۰ ساعت | ۷۲۰ تا ۱۴۴۰ روز | از ۳۶ تا ۷۲ میلیون ریال |

میزان مجازات‌های جایگزین حبس

^۱ وفق ماده ۶۳ ق.م.ا. آیین‌نامه اجرایی مواد مربوط به نظام نیمه‌آزادی و آزادی مشروط بایستی ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به‌وسیله سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه شده و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد که تا کنون این آیین‌نامه ابلاغ نشده است.

^۲ برای اطلاع بیشتر از نحوه اجرای نظارت الکترونیکی رجوع کنید به آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی مصوب ۱۳۹۷/۴/۱۰ رئیس قوه قضاییه

تبدیل مجازات جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها سه ماه حبس است به مجازات جایگزین حبس، در هر صورت الزامی است (ماده ۶۵ ق.م.ا) اما مجازات جرایم عمدی با حداکثر مجازات قانونی ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس تنها در صورتی که مرتکب محکومیت‌های مذکور در ماده ۶۶ ق.م.ا را در ظرف ۵ سال قبل از صدور حکم نداشته باشد الزامی است و در غیر اینصورت ممنوع است.^۱ اما تبدیل حبس جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از ۶ ماه تا یک سال حبس است به شرط وجود شرایط ماده ۶۶ ق.م.ا از اختیارات دادگاه بوده و الزامی نیست (ماده ۶۷ ق.م.ا).^۲ در خصوص جرایم غیر عمدی، تبدیل مجازات جرایم با حداکثر مجازات تا دو سال حبس الزامی و بیش از آن اختیاری است (ماده ۶۸ ق.م.ا). دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت تعدد اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجراء شود (ماده ۷۰ ق.م.ا). قاضی اجرای احکام می‌تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند (ماده ۷۷ ق.م.ا). همچنین اگر رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد دادگاه می‌تواند به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای یک بار بقیه مدت مجازات را تا نصف آن تقلیل دهد (ماده ۸۰ ق.م.ا). چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستوره‌های دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجراء می‌گردد (ماده ۸۱ ق.م.ا).

دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستوره‌های مندرج در تعویق مراقبتی محکوم می‌گردد (ماده ۸۳ ق.م.ا).

خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین به حکم مقام قضایی، تحت نظارت قاضی اجرای احکام در نهادهای پذیرنده توسط محکوم ارائه می‌شود (ماده ۸۴ ق.م.ا). نهادهای پذیرنده عبارتند از وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش، ورزش و جوانان، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، علوم، تحقیقات و فناوری، جهاد کشاورزی، راه و شهرسازی، کشور، صنعت، معدن و تجارت، نیرو و نفت و سازمان‌ها و مؤسسات و ادارات کل تابع آن‌ها.^۳

^۱ ماده ۶۶ - مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به‌جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد:

الف - بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا شلاق تعزیری

ب - یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه

^۲ ماده ۷۳ ق.م.ا - در جرایم عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال، دادگاه نمی‌تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید.

^۳ برای اطلاع بیشتر از نحوه صدور حکم تا اجرای خدمات عمومی رایگان ر.ک: به آیین نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳/۶/۵ هیأت وزیران

جزای نقدی روزانه عبارت است از یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه محکوم که به میزان مذکور در جدول ابتدای مبحث مورد حکم واقع می‌شود و با نظارت اجرای احکام وصول می‌گردد (ماده ۸۵ ق.ا.م.ا). محکوم موظف است در پایان هر ماه ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت نماید.

۶- آشنایی با قوانین عفو

عفو بر دو نوع است: اول عفو عمومی یا عفو قانونی که عبارتست از عفو اعطایی از طریق قانون مصوب مجلس شورای اسلامی. این نوع عفو تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می‌شود (ماده ۹۷ ق.م.ا). عفو عمومی در حقوق ایران به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد طوری که در سال‌های پس از انقلاب تنها دو مورد چنین عفوئی به تصویب رسیده است که یکی از آنها تحت عنوان لایحه قانونی عفو عمومی متهمان و محکومان جزایی مصوب ۱۳۵۸/۶/۱۳ شورای انقلاب به عنوان نهاد موقت تقنین بوده است که مشمول کلیه محکومین و متهمین در حال محاکمه به استثنای برخی جرایم محدود می‌شد و دیگری قانون عفو و منع تعقیب دارندگان اسلحه غیر مجاز مصوب ۱۳۶۲/۱/۱۶ مجلس شورای اسلامی می‌باشد.

دومین نوع عفو که در حقوق ایران همین نوع عفو استفاده می‌شود عفو خصوصی است که وفق ماده ۹۶ ق.م.ا پس از پیشنهاد رییس قوه قضاییه با مقام رهبری است. فرآیند تشخیص و اعطای این نوع عفو بر اساس «آیین نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین» مصوب ۱۳۸۷/۹/۱۲ رئیس قوه قضائیه صورت می‌گیرد.

یک کمیسیون مرکزی در تهران مرکب از پنج نفر قاضی با پایه قضایی ده به بالا با انتخاب رئیس قوه قضائیه برای مدت پنج سال تشکیل می‌شود. رئیس این کمیسیون نیز به انتخاب رئیس قوه قضائیه برای مدت ۵ سال است. مدیرکل سجل کیفری و عفو و بخشودگی به عنوان دبیر کمیسیون مرکزی فعالیت می‌کند. کمیسیون استانی مرکب از رئیس کل دادگستری استان، نماینده حوزه نظارت قضایی ویژه قوه قضائیه مستقر در استان، دادستان مرکز استان و مدیرکل زندانهای استان به ریاست رئیس کل دادگستری استان تشکیل می‌گردد.^۱

رئیس دادگستری مربوط، دادستان مربوط، قاضی ناظر زندان مربوط، رئیس زندان مربوط، محکوم علیه، پدر و مادر و همسر و فرزندان محکوم علیه می‌توانند درخواست عفو نمایند.^۲ درخواست عفو به کمیسیون استانی تسلیم می‌شود. دبیرخانه کمیسیون مزبور از قاضی اجرای احکام شهرستان می‌خواهد تا اطلاعات لازم را از پرونده استخراج نماید سپس کمیسیون مزبور پس از انجام استعلامات و عنداللزوم انجام تحقیقات لازم، موضوع را در جلسه مطرح می‌نماید.

^۱ وفق ماده ۵ آیین‌نامه مزبور برای پرونده‌های نظامی کمیسیون مرکزی مرکب از رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح، معاون حقوقی و قضایی و معاون نظارت و بازرسی سازمان تشکیل می‌گردد. معادل کمیسیون استانی عفو، کمیسیونی به نام کمیسیون مقدماتی مرکب از رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح استان، دادستان نظامی استان و مدیرکل سازمان زندانهای استان تشکیل می‌شود. صلاحیت و فرآیند تشکیل کمیسیون مقدماتی همان است که برای کمیسیون استانی ذکر می‌شود.

^۲ ماده ۵۴۲ ق.آ.د.ک - هرگاه محکوم به سلب حیات، در غیر جرایم مستوجب حد که قابل عفو نیستند و قصاص پس از لازم‌الاجراء شدن حکم و پیش از اجرای آن درخواست عفو کند، به دستور دادگاه صادرکننده حکم، اجرای آن فقط برای یک‌بار تا اعلام نتیجه از سوی کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومان به تأخیر می‌افتد. کمیسیون مزبور مکلف است حداکثر ظرف دوماه به این تقاضا رسیدگی و نتیجه را به دادگاه اعلام کند.

تبصره - قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است، حداقل یک هفته پیش از اجرای حکم سلب حیات موضوع این ماده، مراتب را به محکوم‌علیه اعلام کند.

در صورتی که نظر کمیسیون استانی بر عدم شمول عفو باشد درخواست را بایگانی می‌کند.^۱ ولی در صورت تصمیم بر شمول عفو، گزارش کاملی از وضعیت محکوم به همراه جهات و دلائل و مدارک لازم مشتمل بر مشخصات محکوم و اطلاعات راجع به محکومیت و وضعیت اجرای آن و وضعیت عائله محکوم را به دبیرخانه کمیسیون مرکزی ارسال می‌نمایند. دبیرخانه مرکزی پس از وصول پیشنهادات (به ترتیب تاریخ وصول ثبت) آنها را توسط کارشناسان اداره عفو و بخشودگی بررسی و بلافاصله پس از تکمیل شرایط ذکر شده در آیین نامه به منظور طرح به کمیسیون مرکزی ارسال می‌نماید. پیشنهادات نهایی هر مناسبت باید یک ماه پیش از آن مناسبت به کمیسیون مرکزی تقدیم می‌شود و کمیسیون مزبور باید حداکثر بیست روز قبل از مناسبت فهرست اسامی دارندگان شرایط عفو را توسط رئیس کمیسیون مرکزی به رئیس قوه قضائیه تقدیم دارد و در نهایت پیشنهاد عفو باید پانزده روز قبل از مناسبت مقرر، به حضور مقام معظم رهبری تقدیم شود. فهرست اسامی در دو لیست مجزا برای مضمولین آزادی و مضمولین تخفیف یا تبدیل مجازات تنظیم می‌شود.^۲

شرایط عفو، تخفیف و تبدل مجازات عبارتند از:

- ۱- محکومین به اعدام که مجازاتشان با استفاده از عفو به حبس ابد تبدیل شده، در صورت تحمل حداقل ده سال حبس از تاریخ عفو قبلی.
- ۲- عفو محکومین به حبس ابد پس از تحمل ده سال حبس.
- ۳- محکومین به حبس ابد که حبس آنان به پانزده سال تقلیل یافته، پس از گذشت پنج سال از تاریخ عفو قبلی.
- ۴- محکومین غیر از حبس ابد در صورت تحمل یک سوم باقی مانده حبس از تاریخ عفو قبلی.
- ۵- محکومینی که حبس آنان قبلاً مشمول عفو، تخفیف و تبدیل مجازات قرار گرفته و به جهت جزای نقدی در زندان به سر می‌برند و عاجز از پرداخت می‌باشند، در صورت احراز سایر جهات عفو، مورد عفو قرار می‌گیرند.

اما جرایم قاچاق حرفه‌ای، موارد حق الناس، سرقت مسلحانه، تجاوز به زنی به عنف، مصادیق مهم جرائمی از قبیل: جاسوسی، محاربه، قاچاق سلاح و مهمات، اختلاس، ارتشاء و آدم ربایی، محکومین به جرائم مستوجب حد شرعی اعدام و رجم مانند زنی محصنه و لواط مشروط بر اینکه جرم آنان با شهادت شهود عادل ثابت شده باشد مشمول عفو، تخفیف و تبدیل مجازات نمی‌شود.^۳

مناسبت‌هایی که در آنها عفو مورد پیشنهاد قرار می‌گیرد عبارتند از: ولادت حضرت رسول اکرم (ص) ۱۲ تا ۱۷ ربیع‌الاول، مبعث حضرت رسول اکرم (ص) ۲۷ رجب، ولادت حضرت امیرالمؤمنین ۱۳ رجب، ولادت حضرت فاطمه

^۱ ماده ۲۸ - برای محکومینی که تقاضای عفو آنان از طرف کمیسیون ها رد شده، طرح مجدد درخواست عفو صرفاً برای یک نوبت دیگر با رعایت شرایط این آیین نامه بلامانع است.

^۲ ماده ۲۰ - چنانچه عفو محکومین فاقد برخی از شرایط، ضرورت یابد، رئیس قوه قضائیه می‌تواند عفو آنان را بطور جداگانه و با ذکر علل مرجح پیشنهاد کند.

ماده ۳۰ - در خصوص محکومینی که واجد شرایط مذکور در فصل چهارم این آئین نامه نیستند لیکن صلاحیت برخورداری از عفو را به استناد ماده ۲۰ دارند، کمیسیون استانی پیشنهاد عفو آنان را طی فهرست جداگانه با تصریح به علل مرجح و انضمام مدارک مربوط به کمیسیون مرکزی ارسال نموده تا پس از بررسی به نظر رئیس قوه قضائیه برسد.

^۳ حرفه ای بودن و تعیین تصادیق مهم مقرر در این ماده به تشخیص رئیس قوه قضائیه است.

زهرا (س) ویژه عفو محکومین نسوان ۲۰ جمادی الثانی، ولادت حضرت امام حسین (ع) ۳ شعبان، ولادت حضرت قائم (عج) ۱۵ شعبان، عید سعید فطر اول شوال، عید سعید قربان ۱۰ ذیحجه، عید سعید غدیر ۱۸ ذیحجه، سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن، عیدنوروز اول فروردین، سالروز جمهوری اسلامی ۱۲ فروردین، سالروز حماسه فتح خرمشهر ویژه عفو محکومین نیروهای مسلح ۳ خرداد و سایر مناسبت ها با تشخیص مقام رهبری.

پس از موافقت مقام رهبری، حوزه ریاست قوه قضائیه اسامی مشمولین آزادی را به سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی ارسال می نماید تا تحت نظارت دادستان مربوط در صورتی که به جهت دیگری بازداشت نباشند بلافاصله آزاد شوند. اسامی مشمولین تخفیف یا تبدیل توسط دبیر کمیسیون مرکزی به دادستان های محل، ابلاغ تا با نظارت رئیس دادگستری مربوط حداکثر ظرف بیست روز پس از وصول نسبت به اعمال عفو اقدام نمایند.^۱

لازم به ذکر است اگر شرایط خاصی به صورت موردی برای عفو جرمی در قوانین خاص پیش بینی شده باشد، مفاد این آیین نامه در خصوص آنها اجرا نمی شود. به عنوان مثال وفق ماده ۱۱۴ ق.م.ا، اگر جرایم حدی غیر از کذب با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه ی مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می تواند عفو مجرم را توسط رییس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید. این عفو وفق فرایند پیش بینی شده در همین ماده اجرایی خواهد شد.

^۱ ماده ۱۹ آیین نامه - فهرست عفو محکومین دادگاه های نظامی سراسر کشور و ویژه روحانیت به سازمان قضایی نیروهای مسلح مرکز و دادستان ویژه روحانیت برای ابلاغ، اجراء و نظارت مطابق مفاد این آیین نامه ارسال می گردد.

۷- آشنایی با آیین دادرسی کیفری و اجرای احکام

آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود (ماده ۱ ق.آ.د.ک). این مقررات جزء قواعد آمره هستند و از لحظه ارتکاب جرم تا ختم اجرای حکم هیچ مقامی نمی‌تواند اقدامی خارج از مقررات مربوط و با سلیقه شخصی خود انجام دهد.

ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوی شود؛ اول دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی که حیثیت عمومی جرم نیز نامیده می‌شود. پیگیری و تعقیب این دعوا با دادستان حوزه قضایی به عنوان مدعی‌العموم است. دوم دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه‌دیده است مانند حد قذف و قصاص (مواد ۹ و ۱۰ ق.آ.د.ک). غیر از مواردی مانند دیه و قصاص و خسارات برخی جرایم، در خصوص سایر جرایم مطالبه این حقوق خصوصی مستلزم رعایت تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی از جمله تقدیم دادخواست است.^۱ پس از شکایت شاکی و یا تعقیب از سوی دادستان، تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:

- الف - فوت متهم یا محکوم‌علیه
- ب - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت
- پ - شمول عفو
- ت - نسخ مجازات قانونی
- ث - شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون
- ج - توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون
- چ - اعتبار امر مختوم

دادسرا و ضابطین

به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوای لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادسرای عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاه‌های نظامی استان، دادسرای نظامی تشکیل می‌شود. دادسرا به ریاست دادستان تشکیل می‌شود و به تعداد لازم معاون، دادیار، بازپرس و کارمند اداری دارد. درحوزه قضایی بخش،

^۱ ماده ۱۲ ق.آ.د.ک- تعقیب متهم در جرایم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می‌شود.

وظایف دادستان بر عهده رییس حوزه قضایی و در غیاب وی بر عهده دادرسی علی‌البدل دادگاه است (مواد ۲۲ تا ۲۴ ق.آ.د.ک).^۱

در هر حوزه قضایی مأمورانی به منظور کمک به مقامات دادرسی وجود دارند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند. به این مأموران ضابطان دادگستری اطلاق می‌شود. این ضابطان دو دسته هستند؛ اول ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند. دوم ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند. رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان ضابط دادگستری محسوب می‌شوند. احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است (مواد ۲۸ تا ۳۰ ق.آ.د.ک).

دادستان اصطلاحاً مقام تعقیب و بازپرس مقام تحقیق نامیده می‌شود. بازپرس مرجع اصلی تحقیق در خصوص جرایم است و اصل بر این است که تحقیق تمام جرایم به این مقام سپرده شود مگر اینکه به تعداد کافی بازپرس وجود نداشته باشد که در این صورت، تحقیق جرایم به تشخیص دادستان قابل ارجاع به دادیاران نیز خواهد بود. شروع به تحقیقات مقدماتی از سوی بازپرس منوط به ارجاع دادستان است. اما پس از ارجاع، بازپرس پرونده اختیارات گسترده‌ای دارد و هر اقدامی را که برای تحقیق لازم بداند با رعایت قیود قانونی، قادر به انجام است. از انجام هر نوع تحقیق اعم از معاینه محل، تحقیقات محلی، قرار کارشناسی، ممنوع‌الخروج کردن متهم، توقف انجام تعهدات و پرداخت‌ها، دستورات لازم به نهادها و مقامات تا بازداشت موقت متهم. تمام نهادها، سازمان‌ها و مقامات از جمله سازمان زندان‌ها و کارکنان مربوطه مکلفند دستورات بازپرس را اجرا نمایند. عدم اجرای این دستورات وفق ماده ۱۵۳ ق.آ.د.ک می‌تواند موجب حبس از ۳ ماه تا یک سال باشد.

قرارهای تأمین منتهی به بازداشت متهم

پس از شروع تحقیقات توسط بازپرس و در صورت توجه اتهام به متهم، به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین مقرر در قانون را صادر می‌کند. در صورتی که این قرار اخذ کفیل با تعیین وجه‌الکفاله یا اخذ وثیقه (وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول) باشد و متهم قادر به معرفی کفیل با توانایی مالی یا تودیع وثیقه نباشد تا معرفی کفیل یا سپردن وثیقه بازداشت می‌شود.

^۱ جرایم تعزیری درجه هفت و هشت و نیز جرایم منافی عفت مستقیماً در دادگاه بررسی شده و تحقیقات آنها در دادرسی انجام نمی‌شود (مواد ۳۴۰ و ۳۰۶ ق.آ.د.ک).

همچنین اگر قرار تأمین، از نوع بازداشت موقت باشد، قطعاً منجر به بازداشت متهم می‌شود (ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک). در صورتی که قرار تأمین منتهی به بازداشت گردد، مفاد قرار در برگیرنده اعزام درج می‌شود. مرجع صادرکننده قرار و رییس یا معاون زندان مکلفند تمهیدات لازم را به منظور دسترسی متهم به افرادی که وی برای یافتن کفیل یا وثیقه‌گذار معرفی می‌کند، فراهم کنند و هر زمان متهم، کفیل یا وثیقه معرفی نماید هرچند خارج از وقت اداری باشد، در صورت وجود شرایط قانونی، مرجع صادرکننده قرار یا قاضی کشیک مکلف به پذیرش آن هستند (ماده ۲۲۵ ق.آ.د.ک). مراتب تحویل متهم توسط مأمور رسمی در سوابق بازداشتگاه ثبت و تحویل‌دهنده، رسیدی حاوی تاریخ و ساعت تحویل متهم اخذ و به بازپرس تسلیم می‌کند (ماده ۲۲۷ ق.آ.د.ک).

صدور قرار بازداشت موقت فقط در مورد جرایم زیر در صورتی که دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند جایز است (ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک):

- الف - جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس ابد یا قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل یا بیش از آن است.
- ب - جرایم تعزیری که درجه چهار و بالاتر است.
- پ - جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آنها درجه پنج و بالاتر است.
- ت - ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود.
- ث - سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتی که مشمول بند (ب) این آ.د.ک نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرایم مذکور باشد.

صدور قرار بازداشت موقت در موارد مذکور در جرایم فوق، منوط به وجود یکی از شرایط زیر است (ماده ۲۳۸ ق.آ.د.ک):

- الف - آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقع گردد و یا سبب شود شهود از اداء شهادت امتناع کنند.
- ب - بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد.
- پ - آزاد بودن متهم مخل نظم عمومی، موجب به خطر افتادن جان شاک، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد.

قرار بازداشت موقت باید مستدل و موجه باشد و مستند قانونی و ادله آن و حق اعتراض متهم در متن قرار ذکر شود. با صدور قرار بازداشت موقت، متهم به بازداشتگاه معرفی می‌شود. چنانچه متهم به منظور جلوگیری از تبانی، بازداشت شود، دلیل آن در برگیرنده اعزام قید می‌شود (ماده ۲۳۹ ق.آ.د.ک).

قرار بازداشت متهم باید فوری نزد دادستان ارسال شود. دادستان مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت نظر خود را به طور کتبی به بازپرس اعلام کند. هرگاه دادستان با قرار بازداشت متهم موافق نباشد، حل اختلاف با دادگاه

صالح است و متهم تا صدور رأی دادگاه در این مورد که حداکثر از ده روز تجاوز نمی‌کند، بازداشت می‌شود (ماده ۲۴۰ ق.آ.د.ک).

هرگاه علت بازداشت مرتفع شود و موجب دیگری برای ادامه آن نباشد، بازپرس با موافقت دادستان فوری از متهم رفع بازداشت می‌کند. در صورت مخالفت دادستان با تصمیم بازپرس، حل اختلاف با دادگاه صالح است. اگر متهم نیز موجبات بازداشت را مرتفع بداند، می‌تواند فک قرار بازداشت یا تبدیل آن را از بازپرس تقاضا کند. بازپرس به‌طور فوری و حداکثر ظرف پنج روز به‌طور مستدل راجع به درخواست متهم اظهار نظر می‌کند. در صورت رد درخواست، مراتب در پرونده ثبت و قرار رد به متهم ابلاغ می‌شود و متهم می‌تواند ظرف ده روز به آن اعتراض کند. متهم در هر ماه فقط یک بار می‌تواند این درخواست را مطرح کند (ماده ۲۴۱ ق.آ.د.ک).

هرگاه در جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون تا دو ماه و در سایر جرایم تا یک ماه به علت صدور قرار تأمین، متهم در بازداشت بماند و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهائی در دادسرا نشود، بازپرس مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین است. اگر علل موجهی برای بقای قرار وجود داشته باشد، با ذکر علل مزبور، قرار، ابقاء و مراتب به متهم ابلاغ می‌شود. متهم می‌تواند از این تصمیم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه صالح اعتراض کند. فک یا تخفیف قرار بدون نیاز به موافقت دادستان انجام می‌شود و ابقای تأمین باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. فک، تخفیف، یا ابقای بازداشت موقت، باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. هرگاه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این ماده، حسب‌مورد، هر دو ماه یا هر یک‌ماه اعمال می‌شود. به هر حال، مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت در جرایم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرایم از یک‌سال تجاوز نمی‌کند (ماده ۲۴۲ ق.آ.د.ک). بازپرس می‌تواند در تمام مراحل تحقیقات با رعایت مقررات این قانون، قرار تأمین صادره را تشدید کند یا تخفیف دهد. لذا متهمی که با یکی از قرارهای تأمین در بازداشت است بدون اینکه رفع اتهام شود از بازداشت خارج شود یا متهمی که با قرار خفیف‌تری مواجه بوده و خارج از بازداشت است، با تشدید قرار به بازداشتگاه معرفی شود.

ختم تحقیقات و صدور کیفرخواست

پس از ختم تحقیقات مقدماتی و با فرض صلاحیت محلی و ذاتی بازپرسی، پرونده به یکی از سه نتیجه ذیل منتهی می‌شود:

- ۱- قرار موقوفی تعقیب: در صورت حدوث یکی از جهات موقوفی تعقیب
- ۲- قرار منع تعقیب: در صورت فقد ادله کافی علیرغم تحقیقات کافی یا عدم توجه اتهام به متهم خاص
- ۳- قرار جلب به دادرسی (مجرمیت): در صورت کسب ادله کافی و احراز مجرمیت متهم

قرار صادره هر چه باشد، بلافاصله به اطلاع دادستان می‌رسد. در صورت موافقت دادستان با قرار بازپرس، در موارد موقوفی یا منع تعقیب، بازپرس مراتب را به طرفین ابلاغ می‌کند. در این صورت، قرار تأمین و قرار نظارت قضایی ملغی می‌گردد و چنانچه متهم بازداشت باشد، بلافاصله آزاد می‌شود. قاضی مربوط مکلف است از قرار تأمین مأخوذه رفع اثر نماید (ماده ۲۶۷ ق.آ.د.ک). در صورت عدم موافقت دادستان، یا بازپرس نظر دادستان را می‌پذیرد که باید دستورات وی را انجام دهد یا نظر دادستان را نمی‌پذیرد که در این صورت، موضوع جهت رفع اختلاف به دادگاه کیفری دو ارسال می‌شود. نظر دادگاه قطعی است.

در خصوص قرار جلب به دادرسی در صورتی که دادستان با عقیده بازپرس موافق نباشد نظر خود را به شرح فوق به بازپرس ابلاغ می‌کند. پذیرش یا عدم پذیرش نظر دادستان همانند موضوع پاراگراف قبلی است. اما اگر دادستان با قرار جلب به دادرسی موافق باشد، ظرف دو روز با صدور کیفرخواست، از طریق شعبه بازپرسی بلافاصله پرونده را به دادگاه صالح ارسال می‌کند (ماده ۲۶۸ ق.آ.د.ک).

رسیدگی در دادگاه

پرونده به دادگاه بر اساس صلاحیت ذاتی و محلی آنها ارسال می‌شود.^۱ صلاحیت محلی، مفهوم روشن‌تری دارد و بر اساس حوزه قضایی تعیین می‌شود. صلاحیت ذاتی در مرحله بدوی نیز بر اساس موضوع جرم قابل رسیدگی در دادگاه بر اساس قانون تشخیص داده می‌شود. بر این اساس دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌شود (مواد ۲۹۴ تا ۳۰۴ ق.آ.د.ک):

- دادگاه کیفری دو با حضور رییس یا دادرسی علی البدل در حوزه قضایی هر شهرستان تشکیل می‌شود. این دادگاه صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم را دارد، مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.
- دادگاه کیفری یک دارای رییس و دو مستشار است که با حضور دو عضو نیز رسمیت می‌یابد. به جرایم الف- جرایم موجب مجازات سلب حیات، ب- جرایم موجب حبس ابد، پ- جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن، ت- جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر و ث- جرایم سیاسی و مطبوعاتی در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود.
- دادگاه انقلاب در مرکز هر استان و به تشخیص رییس قوه قضائیه در حوزه قضائی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. به جرایم جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه و افساد فی الارض، بغی، تبانی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام، توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری، تمام جرایم مربوط به مواد مخدر، روان‌گردان و پیش‌سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل و سایر مواردی که به موجب قوانین خاص در صلاحیت این دادگاه است، در دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شود.

^۱ ماده ۳۳۸ ق.آ.د.ک: در حوزه‌هایی که شعب متعدد دادگاه تشکیل می‌شود، ارجاع پرونده با رییس حوزه قضایی است. رییس حوزه قضایی می‌تواند این وظیفه را به یکی از معاونان خود تفویض کند م- توضیح اینکه به این معاون، معاون ارجاع اطلاق می‌شود.

- دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می شود. نظر مشاور، مشاور، مشورتی است. به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود.
- دادگاه نظامی نیز همانند دادگاه عمومی در قالب نظامی یک و نظامی دو با ترتیبات مشابه دادگاه کیفری تشکیل می شود و به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح رسیدگی می کند.

پرونده‌هایی که به دادگاه ارسال می شود از دو حال خارج نیست؛

۱- یا به دلیل قرار موقوفی یا منع تعقیب، تعقیب متهم متوقف شده و با اعتراض شاکی یا دادستان، پرونده جهت تعیین تکلیف در دادگاه است که در این حالت دادگاه می تواند یکی از سه تصمیم را اتخاذ کند:

- یا قرارهای موصوف را تأیید کند که در اینصورت تصمیم دادگاه قطعی است
- یا با قرارهای موصوف مخالفت کرده و پرونده را برای جلب متهم به دادرسی یا تحقیقات بیشتر به شعبه بازپرسی مسترد دارد
- با صدور قرار جلب به دادرسی رأساً رسیدگی به پرونده را به عهده گیرد.

۲- پرونده با قرار جلب به دادرسی (مجرمیت) بازپرسی و کیفرخواست دادستان به شعبه ارسال شده باشد که در این حالت پس از ثبت پرونده و تعیین وقت رسیدگی دادگاه می تواند یکی از پنج تصمیم زیر را بگیرد:

- تحقیقات مقدماتی را کافی نداند که در اینصورت می تواند تکمیل تحقیقات را از بازپرسی بخواهد یا رأساً این تحقیقات را تکمیل نماید سپس پرونده مجدداً معد صدور رأی شود
- یا پس از بررسی موضوع و مستندات طرفین، مجرمیت متهم را احراز نماید که در اینصورت حکم به محکومیت وی صادر می نماید.^۱
- علی‌رغم صدور کیفرخواست، ادله موجود را برای احراز مجرمیت کافی نداند و دلیل دیگری نیز قابل تحصیل نباشد که در اینصورت قرار منع تعقیب صادر می نماید
- علی‌رغم صدور کیفرخواست، و علی‌رغم مسلم بودن وقوع جرمی، جرم را به شخص متهم حاضر منتسب نداند که در اینصورت حکم بر برائت متهم صادر می نماید
- در هر مرحله از رسیدگی دادگاه اگر یکی از جهات موقوفی تعقیب حادث شود یا اگر قبلاً حادث شده در اثنای رسیدگی محرز شود، قرار موقوفی تعقیب صادر می شود.

در خصوص رسیدگی به موضوع، دادگاه اختیارات وسیعی دارد، می تواند ادله بازپرسی را بپذیرد یا آنها را ناقص بداند و تکمیل آن را از بازپرسی بخواهد یا رأساً به هر طریق ممکن قانونی، تحقیقات را تکمیل کند. در اینصورت از تمام اختیارات بازپرسی برخوردار خواهد بود.

^۱ ماده ۴۰۶ ق.آ.د.ک- در تمام جرایم، به استثنای جرایمی که فقط جنبه حق‌اللهی دارند، هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ‌یک از جلسات دادگاه حاضر نشود یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشد، دادگاه پس از رسیدگی، رأی غیابی صادر می کند. در این صورت، چنانچه رأی دادگاه مبنی بر محکومیت متهم باشد، ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ واقعی، قابل واخواهی در همان دادگاه است و پس از انقضای مهلت واخواهی برابر مقررات حسب مورد قابل تجدیدنظر یا فرجام است. مهلت واخواهی برای اشخاص مقیم خارج از کشور، دو ماه است.

شرکا و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد (ماده ۳۱۱ ق.آ.د.ک). همچنین به اتهامات متعدد متهم باید با رعایت صلاحیت ذاتی، توأمان و یکجا در دادگاهی رسیدگی شود که صلاحیت رسیدگی به جرم مهمتر را دارد (ماده ۳۱۳ ق.آ.د.ک).

رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور

تنها آراء صادره در خصوص جرایم تعزیری درجه هشت و دیه یا ارش کمتر از یک دهم دیه کامل، قطعی هستند و بقیه آراء کیفری، در صورت وجود جهات تجدیدنظرخواهی، قابل تجدیدنظرخواهی می‌باشند (ماده ۴۲۷ ق.آ.م.ا).^۱ این آراء حسب مورد می‌تواند مورد اعتراض شاکی یا محکوم یا دادستان قرار گیرد.^۲ در صورتی که تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی در مهلت مقرر صورت گیرد، دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین، بلافاصله یا پس از رفع نقص، پرونده را حسب مورد، به دادگاه تجدیدنظر استان یا دیوان عالی کشور ارسال می‌کند. رسیدگی به اعتراض به آرای صادره در جرایم مهمی که در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک ذکر شد و رسیدگی بدوی آنها در دادگاه کیفری یک می‌باشد، در دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد که اصطلاحاً آن را «فرجام‌خواهی» می‌نامند.^۳ سایر آرای قابل اعتراض، در در دادگاه تجدیدنظر استان مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. دادگاه تجدیدنظر استان در مرکز هر استان تشکیل می‌شود. این دادگاه دارای رئیس و دو مستشار است، دادگاه تجدیدنظر و شعب دیوان عالی کشور با دو عضو نیز رسمیت دارند (ماده ۴۲۶ ق.آ.د.ک).

پرونده‌ها پس از وصول به دادگاه تجدیدنظر استان به ترتیب ثبت می‌شود و به‌وسیله رییس کل دادگستری استان یا معاون او و یا یکی از رؤسای شعب به انتخاب وی با رعایت تخصص شعب و ترتیب وصول به یکی از شعب ارجاع می‌شود و شعبه نیز به ترتیب وصول پرونده‌ها به نوبت رسیدگی می‌کند (ماده ۴۴۸ و ۴۴۹ ق.آ.د.ک). یکی از قضات شعبه گزارش کاملی از پرونده تهیه کرده و در جلسه دادگاه قرائت می‌کند. سپس دادگاه به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌نماید:

الف- در صورتی که تحقیقات ناقص باشد، قرار رفع نقص صادر می‌کند و پرونده را نزد دادرسی صادرکننده کیفرخواست یا دادگاه صادرکننده رأی می‌فرستد تا پس از انجام دستور دادگاه تجدید نظر استان، آن را بدون اظهار نظر اعاده کند و یا دادگاه تجدیدنظر می‌تواند خود مبادرت به انجام تحقیقات نماید. در این موارد دادگاه تجدیدنظر واجد تمام اختیارات لازم برای تحقیق وفق قانون می‌باشد.

^۱ ماده ۴۳۴ ق.آ.د.ک- جهات تجدیدنظرخواهی به شرح زیر است: الف- ادعای عدم اعتبار ادله یا مدارک استنادی دادگاه، ب- ادعای مخالف بودن رأی با قانون، ادعای عدم صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی یا وجود یکی از جهات رد دادرسی، ت- ادعای عدم توجه دادگاه به ادله ابرازی

^۲ ماده ۴۳۹ ق.آ.د.ک- تجدیدنظرخواه یا فرجام‌خواه باید حسب مورد، درخواست یا دادخواست خود را به دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین یا تجدیدنظر و یا دفتر زندان تسلیم کند. دفتر دادگاه یا زندان باید بلافاصله آن را ثبت کند و رسیدی مشتمل بر نام تجدیدنظرخواه یا فرجام‌خواه و طرف دعوی او، تاریخ تسلیم و شماره ثبت به تقدیم‌کننده بدهد و همان شماره و تاریخ را در دادخواست یا درخواست تجدیدنظر و فرجام درج کند. تاریخ مزبور تاریخ تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی محسوب می‌شود. دفتر دادگاه تجدیدنظر استان یا زندان مکلف است پس از ثبت تقاضای تجدیدنظر یا فرجام، بلافاصله آن را به دادگاه صادرکننده رأی نخستین ارسال کند.

^۳ ماده ۴۲۸ ق.آ.د.ک- آرای صادره درباره جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه سه و بالاتر است و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها نصف دیه کامل یا بیش از آن است و آرای صادره درباره جرائم سیاسی و مطبوعاتی، قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است.

ب- هرگاه رأی صادره از نوع قرار باشد و تحقیقات یا اقدامات دیگر ضروری نباشد و قرار مطابق مقررات صادر شده باشد، آن را تأیید و پرونده به دادگاه صادر کننده قرار اعاده می‌شود و چنانچه به هر علت دادگاه تجدیدنظر عقیده به نقض داشته باشد، پرونده برای رسیدگی به دادگاه صادر کننده قرار اعاده می‌شود و آن دادگاه، مکلف است خارج از نوبت رسیدگی کند.

پ- هرگاه رأی توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی یا محلی ندارد صادر شود، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال و مراتب را به دادگاه صادر کننده رأی اعلام می‌کند.

ت- اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی مقتضی (قرار موقوفی تعقیب یا قرار منع تعقیب) صادر می‌کند.

ث- در غیر از موارد مذکور در بندهای فوق، هرگاه جرم از جرائم مستوجب مجازات های حدود، قصاص و جرائم غیر عمدی مستوجب بیش از نصف دیه و یا جرائم تعزیری درجه چهار و پنج باشد به طور مطلق و در جرائم تعزیری درجه شش و هفت در صورت محکومیت به حبس و در سایر جرائم در صورت اقتضاء، دادگاه تجدیدنظر با صدور دستور تعیین وقت رسیدگی، طرفین و اشخاصی را که حضورشان ضروری است احضار می‌کند. پس از تشکیل جلسه، استماع اظهارات طرفین و کسب ادله لازم حسب مورد دادگاه می‌تواند قرار موقوفی تعقیب، قرار منع تعقیب، حکم برائت یا حکم محکومیت - مشابه شرح گفته شده در محاکم بدوی - صادر نماید (ماده ۴۵۰ به بعد ق.آ.د.ک). آرای که در مرحله تجدیدنظر صادر می‌شود، قطعی و غیر قابل اعتراض است (ماده ۴۴۳ ق.آ.د.ک).

دیوان عالی کشور در تهران مستقر است و شعب آن از رییس و دو مستشار تشکیل می‌شود و علاوه بر تکلیف ایجاد وحدت رویه^۱، مرجع فرجام خواهی در جرایم موضوع ماده (۴۲۸) قانون آئین دادرسی کیفری در صورت وجود جهات فرجام خواهی^۲ است (ماده ۴۶۲ ق.آ.د.ک). ترتیب وصول، ارجاع، تهیه گزارش و رسیدگی در شعب دیوان عالی کشور مشابه با دادگاه تجدیدنظر است لیکن به دلیل اینکه شعبه دیوان عالی به دلیل نوع رسیدگی فرجامی نمی‌تواند در ماهیت موضوع رأی صادر نماید، به شرح ذیل اتخاذ تصمیم می‌نماید:

^۱ ماده ۴۷۱ ق.آ.د.ک- هرگاه از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاهها نسبت به موارد مشابه، اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی، با استنباط متفاوت از قوانین، آراء مختلفی صادر شود، رییس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، به هر طریق که آگاه شوند، مکلفند نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاهها یا دادستانها یا وکلای دادگستری نیز می‌توانند با ذکر دلیل از طریق رییس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، نظر هیأت عمومی را درباره موضوع درخواست کنند. هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رییس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون تمام شعب تشکیل می‌شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم کند. رأی اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است؛ اما نسبت به رأی قطعی شده بی‌اثر است. در صورتی که رأی، اجراء نشده یا در حال اجراء باشد و مطابق رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، عمل انتسابی جرم شناخته نشود یا رأی به جهاتی مساعد به حال محکوم علیه باشد، رأی هیأت عمومی نسبت به آراء مذکور قابل تسری است و مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود.

^۲ ماده ۴۶۴- جهات فرجام خواهی به قرار زیر است: الف - ادعای عدم رعایت قوانین مربوط به تقصیر متهم و مجازات قانونی او، ب - ادعای عدم رعایت اصول دادرسی یا درجهای از اهمیت منجر به بی‌اعتباری رأی دادگاه، پ - عدم انطباق مستندات با مدارک موجود در پرونده

الف- اگر رأی مطابق قانون و ادله موجود در پرونده باشد با ابرام آن، پرونده را به دادگاه صادرکننده رأی اعاده می‌نمایند.

ب - هرگاه رأی مخالف قانون، یا بدون توجه به ادله و مدافعات طرفین صادر شده باشد یا رعایت تشریفات قانونی نشده و آن تشریفات به درجه‌ای از اهمیت باشد که موجب بی‌اعتباری رأی شود، شعبه دیوان عالی کشور، رأی را نقض و به شرح زیر اقدام می‌کند:

۱- اگر عملی که محکوم‌علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی صادره نقض بلا ارجاع می‌شود.

۲- اگر رأی صادره از نوع قرار و یا حکمی باشد که به علت ناقص بودن تحقیقات نقض شده است، برای رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکننده رأی ارجاع می‌شود که در این موارد باید تمام موارد نقض تحقیقات بیان شود.

۳- اگر رأی به علت عدم صلاحیت ذاتی دادگاه نقض شود، پرونده به مرجعی که دیوان عالی کشور، صالح تشخیص می‌دهد، ارسال می‌شود و مرجع مذکور مکلف به رسیدگی است.

۴- در سایر موارد، پس از نقض رأی، پرونده به دادگاه هم‌عرض ارجاع می‌شود (ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک و تبصره آن).

مرجع رسیدگی پس از نقض رأی در دیوان عالی کشور به شرح زیر اقدام می‌کند:

الف- در صورت نقض رأی به علت ناقص بودن تحقیقات، باید تحقیقات موردنظر دیوان عالی کشور را انجام دهد و سپس مبادرت به صدور رأی کند.

ب - در صورت نقض قرار و ضرورت رسیدگی ماهوی، باید از نظر دیوان عالی کشور متابعت نماید و در ماهیت، رسیدگی و انشای حکم کند، مگر آنکه پس از نقض، جهت تازه‌ای برای صدور قرار حادث شود.

پ - در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور، دادگاه می‌تواند بر مفاد رأی دادگاه قبلی اصرار کند. چنانچه این حکم مورد فرجام خواهی واقع شود و شعبه دیوان عالی کشور پس از بررسی، استدلال دادگاه را بپذیرد، حکم را ابرام می‌کند و در غیر این صورت، پرونده در هیأت عمومی شعب کیفری مطرح می‌شود. هرگاه نظر دادگاه صادرکننده رأی مورد تأیید قرار گیرد، رأی ابرام می‌شود و در صورتی که نظر شعبه دیوان عالی کشور را تأیید کند، حکم صادره نقض و پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع می‌شود. دادگاه مزبور بر اساس استدلال هیأت عمومی دیوان عالی کشور، حکم صادر می‌کند. این حکم قطعی و غیرقابل فرجام است (ماه ۴۷۰ ق.آ.د.ک).

اعاده دادرسی

علی القاعده پس از قطعیت رأی صادره چه در مرحله بدوی چه در مرحله تجدیدنظر یا فرجام، موضوع باید اعتبار امر مختوم پیدا کند و امکان طرح مجدد پرونده وجود نداشته باشد. دلایل بسیار زیادی مانند لزوم قطعیت و قاطعیت آرای محاکم و دستگاه قضایی، احترام به حقوق مکتسبه، حفظ حقوق شهروندان و ... در این خصوص قابل ذکر است. لیکن در برخی موارد مهم بنا به مصالحی مهمتر می‌توان تصور کرد که علیرغم قطعیت رأی صادره امکان رسیدگی مجدد به صورت استثنا، فراهم شود. این موارد استثنایی را اعاده دادرسی می‌نامند. اعاده دادرسی به دو صورت عام و خاص است. اعاده عام موارد مصرح قانونی به صورت حصری است که وفق ماده ۴۷۴ ق.آ.د.ک موارد آن عبارتند از:

- الف- کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شود و سپس زنده بودن وی محرز گردد.
- ب- چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب آن جرم به گونه‌ای باشد که نتوان بیش از یک مرتکب برای آن قائل شد.
- پ - شخصی به علت انتساب جرمی محکوم شود و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضایی به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد، به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم، بی‌گناهی یکی از آنان احراز گردد.
- ت- درباره شخصی به اتهام واحد، احکام متفاوتی صادر شود.
- ث- در دادگاه صالح ثابت شود که اسناد جعلی یا شهادت خلاف واقع گواهان، مبنای حکم بوده است.
- ج - پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر یا ادله جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم‌علیه یا عدم تقصیر وی باشد.
- عمل ارتكابی جرم نباشد و یا مجازات مورد حکم بیش از مجازات مقرر قانونی باشد.

حسب مورد محکوم‌علیه یا وکیل یا نماینده قانونی او و در صورت فوت یا غیبت محکوم‌علیه، همسر و وراث قانونی و وصی او، دادستان کل کشور و نیز دادستان مجری حکم حق درخواست اعاده دادرسی دارند. درخواست اعاده دادرسی به دیوان عالی کشور تسلیم می‌شود. این مرجع پس از احراز انطباق موضوع درخواست با یکی از موارد موضوع ماده (۴۷۴) ق.آ.د.ک، با تجویز اعاده دادرسی، رسیدگی مجدد را به دادگاه هم‌عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی، ارجاع می‌دهد و در غیر این صورت قرار رد اعاده دادرسی صادر می‌نماید. پس از شروع به محاکمه جدید، هرگاه ادله‌ای که اقامه شده قوی باشد، قرار توقف آثار و تبعات حکم اولی، فوری صادر می‌شود و دادرسی مطابق مواد قانون آیین دادرسی کیفری انجام می‌گیرد (برای اطلاع بیشتر به مواد ۴۷۵ به بعد ق.آ.د.ک رجوع کنید).

حالت دوم اعاده دادرسی، اعاده خاص است که مشتمل است بر اختیار رئیس قوه قضائیه در موارد تشخیص خلاف شرع در آرای صادره. وفق ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک و تبصره‌های آن، در صورتی که رییس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح و یا رییس کل دادگستری استان در انجام وظایف قانونی خود، رأی قطعی اعم از حقوقی یا کیفری را خلاف شرع بین تشخیص دهند، می‌توانند با ذکر مستندات از رییس قوه قضائیه درخواست تجویز

اعاده دادرسی نمایند. در صورتی که رییس قوه قضاییه رأی قطعی صادره از هریک از مراجع قضایی (اعم از حقوقی و کیفری شامل احکام و قرارهای دیوان عالی کشور، سازمان قضایی نیروهای مسلح، دادگاه‌های تجدیدنظر و بدوی، دادسراها و شوراهای حل اختلاف) را خلاف شرع بین تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص که توسط رییس قوه قضاییه برای این امر تخصیص می‌یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر نماید. شعب خاص مذکور مبنیاً بر خلاف شرع بین اعلام شده، رأی قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی به عمل می‌آورند و رأی مقتضی صادر می‌نمایند.

اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی

پس از طی مراحل فوق آراء کیفری در موارد زیر پس از ابلاغ قابل اجرا هستند (ماده ۴۹۰ ق.آ.د.ک):

- آراء قطعی که دادگاه بدوی صادر می‌کند.
- رأیی که در مهلت قانونی نسبت به آن واخواهی یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام نشده باشد یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام آن رد شده باشد.
- رأیی که مرجع تجدیدنظر آن را تأیید یا پس از نقض رأی نخستین صادر کرده باشد.
- رأیی که به تأیید مرجع فرجام رسیده باشد.

اجرای احکام کیفری بر عهده دادستان است که تحت ریاست و نظارت وی امکان ایجاد «معاونت اجرای احکام کیفری» وجود دارد. این معاونت به تعداد لازم قاضی اجرای احکام کیفری، مددکار اجتماعی، مأمور اجراء و مأمور مراقبتی در اختیار دارد.^۱

قوه قضاییه به منظور انجام وظایف مددکاران اجتماعی، بایستی تشکیلات مناسبی تحت عنوان «مددکاری اجتماعی» را در حوزه قضایی هر شهرستان ایجاد نماید. مددکاران اجتماعی از بین فارغ‌التحصیلان رشته‌های مددکاری اجتماعی، علوم تربیتی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و حقوق استخدام می‌شوند (مواد ۴۸۶ و ۴۸۷ ق.آ.د.ک).

همچنین در هر معاونت اجرای احکام کیفری، واحد سجل کیفری و عفو و بخشودگی برای انجام وظایف زیر تشکیل می‌شود: (ماده ۴۸۸ ق.آ.د.ک)

- الف- ایجاد بانک اطلاعاتی مجرمان خطرناک، متهمان تحت تعقیب و متواری و محکومان فراری
- ب- تنظیم برگ سجل کیفری محکوم علیه در محکومیت‌های مؤثر کیفری با ثبت و درج مشخصات دقیق و اثر انگشت و تصویر وی به صورت الکترونیکی
- ثبت و ارسال درخواست عفو محکوم علیه و نیز پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات محکومان طبق مقررات

^۱ ماده ۴۸۴ ق.آ.د.ک (تبصره ۳)- در حوزه قضایی بخش، اجرای احکام کیفری به عهده رییس دادگاه و در غیاب وی با دادرسی علی‌البدل است.

پس از وصول پرونده در اجرای احکام ثبت و به ترتیب ثبت اقدامات لازم برای اجرای حکم آغاز می‌شود. هرگاه قاضی اجرای احکام کیفری، رأی صادره را از لحاظ قانونی لازم‌الاجراء نداند، مراتب را با اطلاع دادستان به دادگاه صادرکننده رأی قطعی اعلام و مطابق تصمیم دادگاه اقدام می‌کند (ماده ۴۹۱ ق.آ.د.ک). اما اگر مانعی برای اجرای رأی وجود نداشته باشد بدو محکوم‌علیه برای اجرای رأی احضار می‌شود و در صورت عدم حضور، به کفیل یا وثیقه‌گذار اخطار می‌شود تا محکوم‌علیه را برای اجرای رأی تسلیم کند. در این صورت، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند به طور همزمان دستور جلب محکوم‌علیه را صادر کند (ماده ۵۰۰ ق.آ.د.ک). عملیات اجرای رأی با دستور قاضی اجرای احکام کیفری و تحت نظارت وی شروع می‌شود و به هیچ وجه متوقف نمی‌شود، مگر در مواردی که قانون مقرر نماید (ماده ۴۹۴ ق.آ.د.ک).^۱ تمام نهادهای حاکمیتی و مقامات و کارکنان بخش عمومی مکلف به همکاری با قاضی اجرای احکام و انجام دستورات وی می‌باشند. رفع ابهام و اجمال از رأی با دادگاه صادرکننده رأی قطعی است، اما رفع اشکالات مربوط به اجرای رأی با رعایت موازین شرعی و قانونی، با قاضی اجرای احکام کیفری است که رأی زیر نظر او اجراء می‌شود (ماده ۴۹۷ ق.آ.د.ک). تصمیم‌گیری در خصوص قرار تأمین (تبدیل، تشدید، تخفیف و ...) برای دسترسی به متهم و نیز دستور منع خروج محکوم از کشور در زمان اجرای حکم با قاضی اجرای احکام است (مواد ۵۰۸ و ۵۰۹ ق.آ.د.ک).

اجرای مجازات حبس^۲

اشخاص محکوم به حبس با ذکر مشخصات کامل، نوع جرم، میزان محکومیت، ایام بازداشت قبلی و مرجع صادرکننده حکم در برگه مخصوص، برای تحمل کیفر به زندان همان حوزه قضایی یا نزدیک‌ترین حوزه قضایی آن استان، اعزام و معرفی می‌شوند. زندان‌ها به زندان بسته، نیمه‌باز، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی از جمله کانون اصلاح و تربیت برای اطفال و نوجوانان تقسیم می‌شود. محکومان با توجه به نوع و مدت محکومیت، پیشینه و شخصیتشان، بر اساس تصمیم شورای طبقه‌بندی و تأیید قاضی اجرای احکام در یکی از بخش‌های فوق نگهداری می‌شوند. در صورتی که محل اقامت محکوم به حبس، خارج از حوزه دادگاه صادرکننده حکم باشد، نامبرده برای تحمل

^۱ وفق ماده ۵۰۱ ق.آ.د.ک اجرای مجازات در موارد زیر به تشخیص و دستور قاضی اجرای احکام به تعویق می‌افتد: دوران بارداری، پس از زایمان حداکثر تا شش ماه، دوران شیردهی حداکثر تا رسیدن طفل به سن دو سالگی، اجرای مجازات شلاق در ایام حیض یا استحاضه. وفق ماده ۵۰۲ ق.آ.د.ک بیماری جسمی یا روانی محکوم که با اجرای مجازات تشدید می‌شود تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می‌اندازد. چنانچه در جرایم تعزیری امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری، پرونده را برای تبدیل به مجازات مناسب دیگر به مرجع صادرکننده رأی قطعی ارسال می‌کند. وفق ماده ۵۰۳ همان قانون در جرائم تعزیری جنون نیز تا زمان افافه اجرای حکم (غیر از مجازات‌های مالی) را به تعویق می‌اندازد. محکوم به حبس یا کسی که به علت عدم پرداخت جزای نقدی در حبس به سر می‌برد، در صورت جنون تا بهبودی در بیمارستان روانی یا مکان مناسب دیگری نگهداری می‌شود. این ایام جزء مدت محکومیت وی محاسبه می‌شود.

^۲ این بخش بر اساس مواد مرتبط با قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تنظیم شده است و برای اطلاعات بیشتر از جزئیات اجرای مجازات حبس باید به آئین‌نامه‌های مرتبط از جمله آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، آئین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان مصوب ۱۳۸۵/۹/۹ رئیس قوه قضائیه و دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندانها ۱۳۹۵/۶/۱۷ رئیس قوه قضائیه مراجعه کنید که در برخی موارد مقررات بسیار مهمی وضع کرده‌اند به عنوان مثال ماده ۶ دستورالعمل اخیر مقرر می‌دارد: «با توجه به مواد ۱۵ و ۱۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، متعادلین به مواد مخدر باید در مراکز ترک اعتیاد و درمان و اقامت اجباری معتادان نگهداری شوند و عدم تشکیل مراکز مزبور، مجوزی برای دستگیری و معرفی این افراد به زندان نمی‌باشد. لذا دادستان‌ها دقت و مراقبت نمایند اولاً: از این پس افراد معتاد جز در شرایط مقرر در قانون، تحت هیچ شرایطی به زندان معرفی نشوند. ثانیاً: تغییر عنوان اعتیاد به استعمال مواد مخدر برای افراد معتاد، مجوز بازداشت و معرفی افراد به زندان نگردد...».

ادامه حبس به زندان محل اقامت خود منتقل می‌شود؛ مگر اینکه این امر موجب مفسده باشد که در این صورت با تشخیص قاضی صادرکننده رأی قطعی به نزدیک‌ترین زندان به محل اقامت خود منتقل می‌شود. (ماده ۵۱۳ ق.آ.د.ک و تبصره‌های آن).^۱

مدت تمام کیفرهای حبس از روزی شروع می‌شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی لازم الاجراء، حبس شود. چنانچه محکوم علیه پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در همان پرونده مطرح بوده تحت نظر یا بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی از میزان حبس او کسر می‌شود. (ماده ۵۱۵ ق.آ.د.ک).^۲

قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است دستور تعیین وقت پرونده محکوم به حبس را به گونه‌ای صادر کند که حداقل ده روز پیش از اتمام مدت حبس، پرونده تحت نظر قرار گیرد تا با تعیین تاریخ اتمام مدت حبس محکوم علیه، دستور آزادی وی را در تاریخ یادشده صادر و به زندان اعلام کند. رییس زندان نیز مکلف است پس از اتمام مدت حبس چنانچه محکوم علیه به اتهام دیگری در بازداشت نباشد، فوری برای آزادی زندانی اقدام نماید و نتیجه اقدامات را بلافاصله به قاضی اجرای احکام کیفری اعلام کند (ماده ۵۱۸ ق.آ.د.ک).

رییس زندان مکلف است هرگونه انتقال یا اعزام زندانی به زندان یا حوزه‌های قضایی دیگر و نیز بازگشت وی را بلافاصله و حسب مورد، به قاضی اجرای احکام کیفری یا مرجع قضایی مربوط به طور کتبی و با ذکر ادله و سوابق اطلاع دهد (ماده ۵۱۹ ق.آ.د.ک).

محکومان می‌توانند در صورت رعایت ضوابط و مقررات زندان و مشارکت در برنامه‌های اصلاحی و تربیتی و کسب امتیازات لازم پس از سپردن تأمین مناسب، ماهانه حداکثر سه روز از مرخصی برخوردار شوند. در موارد بیماری حاد یا فوت بستگان نسبی و سببی درجه یک از طبقه اول یا همسر و یا ازدواج فرزندان، زندانی می‌تواند به تشخیص دادستان حداکثر تا پنج روز از مرخصی استفاده نماید.^۳ در موارد شمول قسمت دوم این ماده، در صورت عجز از فراهم نمودن تأمین، اعزام محکوم تحت مراقبت مأموران، یک روز در ماه و به مدت ده ساعت بلامانع است. محکومانی که به موجب قانون مشمول مقررات تعلیق اجرای مجازات نمی‌شوند، پس از تحمل یک سوم از میزان مجازات با رعایت شرایط

^۱ ماده ۵۱۴ ق.آ.د.ک- نگهداری محکومان و متهمان در یک مکان ممنوع است. نگهداری متهمان در بازداشتگاه‌ها و زیر نظر سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور صورت می‌گیرد.

^۲ تبصره ماده ۵۱۵ ق.آ.د.ک- اگر مدت زمان تحت نظر یا بازداشت شدن متهم کمتر از بیست و چهار ساعت باشد، در احتساب ایام بازداشت، یک روز محاسبه می‌شود.

ماده ۵۱۶ ق.آ.د.ک- در مورد محکومیت به مجازات‌های جایگزین حبس، شلاق و جزای نقدی، ایام بازداشت قبلی به شرح زیر محاسبه می‌شود:

الف- به ازای هر روز بازداشت قبلی، یک روز جزای نقدی روزانه، هشت ساعت خدمات عمومی و پنج روز از دوره مراقبت کسر می‌شود.

ب- در مورد محکومیت به شلاق به عنوان مجازات تعزیری به ازای هر روز بازداشت قبلی، سه ضربه از شلاق کسر می‌شود.

پ- در مورد محکومیت به جزای نقدی، مطابق مقررات فصل مربوط به نحوه اجرای محکومیت‌های مالی اقدام می‌شود.

^۳ کماکان امور مربوط به اداره زندان، طبقه‌بندی زندانیان و مرخصی ایشان با آئین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰ انجام می‌شود. در حالیکه وفق ماده ۵۲۰ مزبور ظرف سه ماه از تصویب قانون جدید باید آئین‌نامه اجرایی ماده ۵۲۰ تدوین شده به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسید.

مندرج در صدر ماده و به تشخیص دادستان می‌توانند در هر چهار ماه حداکثر پنج روز از مرخصی برخوردار شوند. (ماده ۵۲۰ ق.آ.د.ک و تبصره‌های آن).^۱

در صورتی که مداوای محکوم به حبس در خارج از زندان ضروری باشد، قاضی اجرای احکام کیفری، مدت زمان مورد نیاز برای مداوا را با توجه به نظر پزشکی قانونی تعیین می‌کند و با أخذ تأمین متناسب، اجرای حبس را به تعویق می‌اندازد و هرگاه محکوم علیه تأمین متناسب ندهد، معالجه وی در بیمارستان تحت نظر ضابطان صورت می‌گیرد و مدت معالجه جزء محکومیت وی محسوب می‌شود (ماده ۵۲۲ ق.آ.د.ک).

در صورت ارتکاب تخلف انضباطی توسط زندانی، یکی از تنبیهات زیر با رعایت تناسب از سوی شورای انضباطی تعیین و پس از تأیید قاضی اجرای احکام اجراء می‌شود (ماده ۵۲۴ ق.آ.د.ک):

- الف- انتقال از مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال به زندان بسته یا نیمه‌باز
- ب- محرومیت از ملاقات حداکثر تا سه نوبت
- پ- محرومیت از مرخصی حداکثر تا سه ماه
- ت- محرومیت از پیشنهاد عفو و آزادی مشروط حداکثر تا شش ماه

برای نگهداری و تربیت اطفال و نوجوانان بزهکار اماکنی مجزای از زندان بزرگسالان توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، تشکیل می‌شود که به کانون‌های اصلاح و تربیت موسوم هستند. این کانون‌ها در مراکز استان‌ها و با تشخیص رییس قوه قضاییه در سایر مناطق کشور ایجاد شده و یا ایجاد می‌شوند. قضات دادگاه اطفال و نوجوانان مکلفند برای بررسی وضعیت قضایی مددجویان و طرز تعلیم و تربیت و پیشرفت اخلاقی آنان، حداقل هر ماه یک بار از کانون اصلاح و تربیت حوزه محل خدمت خود بازدید به عمل آورند. این امر مانع اجرای وظایف قانونی دادستان نیست. هرگاه حسب گزارش مدیران کانون، رفتار و اخلاق طفل یا نوجوانی، موجب فساد اخلاق اطفال و یا نوجوانان دیگر گردد، در صورت احراز موضوع توسط قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان و به دستور وی، طفل یا نوجوان مذکور در محل دیگری در همان قسمت نگهداری می‌شود و پس از اصلاح اخلاق و رفتار با دستور دادگاه به محل قبلی بازگردانده می‌شود (مواد ۵۲۵ تا ۵۲۷ ق.آ.د.ک).

لازم به ذکر است تا زمانی که بازداشتگاهها و زندانهای نظامی احداث نگردیده است و یا ظرفیت پذیرش آنها متناسب با تعداد متهمان و محکومان نظامی نباشد، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی مکلف است افراد مزبور را در بند اختصاصی نظامیان نگهداری نماید. دادستان نظامی بر امور بازداشتگاهها و زندان های نظامی حوزه قضائی خود نظارت کامل دارد (مواد ۶۴۵ و ۶۴۷ ق.آ.د.ک).

^۱ تبصره ۳ ماده ۵۲۰ ق.آ.د.ک- در مواردی که زندانی دارای شاکی خصوصی است و بنا به تشخیص دادستان یا قاضی اجرای احکام، اعطای مرخصی می‌تواند در جلب رضایت شاکی مؤثر باشد، زندانی می‌تواند علاوه بر مرخصی مذکور در این ماده پس از سپردن تأمین مناسب، در طول مدت حبس یک نوبت دیگر و حداکثر به مدت هفت روز از مرخصی استفاده نماید. در صورتی که محکوم بتواند بخشی از خسارت شاکی را پرداخت یا رضایت او را جلب کند، این مرخصی فقط برای یکبار دیگر به مدت هفت روز تمدید می‌شود.

اجرای محکومیت‌های مالی

آخرین نکته در این قسمت، بررسی حبس ناشی از اجرای محکومیت‌های مالی است. در این خصوص باید به سه مقررہ قانونی توجه کرد:

۱- ماده ۶۹۶ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی: «در کلیه مواردی که محکوم علیه علاوه بر محکومیت کیفری به رد عین یا مثل مال یا ادای قیمت یا پرداخت دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم شده باشد و از اجرای حکم امتناع نماید در صورت تقاضای محکوم له دادگاه با فروش اموال محکوم علیه بجز مستثنیات دین حکم را اجرا یا تا استیفای حقوق محکوم له، محکوم علیه را بازداشت خواهد نمود. تبصره - چنانچه محکوم علیه مدعی اعسار شود تا صدور حکم اعسار و یا پرداخت به صورت تقسیط بازداشت ادامه خواهد داشت.

۲- ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۳/۷/۱۵: «اگر استیفای محکوم‌به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم علیه به تقاضای محکوم له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم له حبس می‌شود. چنانچه محکوم علیه تا سی روز پس از ابلاغ اجراییه، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خویش را اقامه کرده باشد حبس نمی‌شود، مگر اینکه دعوای اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.

۳- وفق ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک هرکس به موجب حکم قطعی دادگاه به پرداخت جزای نقدی محکوم گردد و اجرای حکم به طرق مذکور در قانون ممکن نگردد در جزای نقدی تا پانزده میلیون ریال، هر سی هزار ریال به یک ساعت انجام خدمات عمومی رایگان تبدیل می‌شود و اگر امکان تبدیل جزای نقدی به خدمات عمومی وجود نداشته باشد همچنین در تمام موارد جزای نقدی بالای پانزده میلیون ریال، هر سیصد هزار ریال به یک روز حبس تبدیل می‌شود. تبصره ۱- چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم محکومیت قطعی به جزای نقدی، به دلیل اتهام یا اتهامات مطرح در پرونده در بازداشت بوده باشد، دادگاه پس از تعیین مجازات، ایام بازداشت قبلی را در ازای هر سیصد هزار ریال یک‌روز از مجازات تعیین شده کسر می‌کند.

۸- وظایف و اختیارات قاضی اجرای احکام و ناظر زندان

چنانکه گفته شد اجرای احکام کیفری بر عهده دادستان است که در صورت لزوم برای این وظیفه، «معاونت اجرای احکام کیفری» تحت ریاست و نظارت وی انتخاب می‌شود. معاونت اجرای احکام کیفری به تعداد لازم قاضی اجرای احکام کیفری، مددکار اجتماعی، مأمور اجراء و مأمور مراقبتی در اختیار دارد. از آنجایی که وظیفه اجرای تمام مجازات‌ها از جمله حبس و نیز نظارت بر زندانیان و اعطای مرخصی به ایشان با قاضی اجرای احکام است، مدیران زندان با این مقام قضایی ارتباط تنگاتنگی دارند و شناخت جایگاه قانونی، اختیارات و وظایف وی برای ایجاد ارتباط صحیح با دستگاه قضایی، برای کارکنان و مدیران زندان ضرورت دارد. برخی از این اختیارات قبلاً به تبع بررسی کلیات حقوق جزا و مجازات‌ها ذکر شد که برای روشن شدن بیشتر موضوع مجدداً به صورت زیر خلاصه می‌شود:

- ۱- تقاضای اصلاح حکم از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، در صورت تخفیف مجازات قانونی به موجب قانون لاحق (بند ب ماده ۱۰ ق.م.ا)
- ۲- پیشنهاد افزایش مجازات تکمیلی یا تبدیل آن به حبس یا جزای نقدی در صورت عدم رعایت مفاد حکم (ماده ۲۴ ق.م.ا)
- ۳- پیشنهاد کاهش مدت زمان مجازات تکمیلی محکوم در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم (ماده ۲۴ ق.م.ا)
- ۴- تقاضای تعلیق مجازات پس از اجرای یک‌سوم مجازات از دادگاه صادرکننده حکم قطعی (ماده ۴۶ ق.م.ا)
- ۵- درخواست افزایش مدت تعلیق یا لغو قرار تعلیق در صورت عدم تبعیت محکوم از دستورهای دادگاه (ماده ۵۰ ق.م.ا)
- ۶- اطلاع سوابق مجرم اعم از وجود تعلیق قبلی، جرایم متعدد برای اعمال قواعد تعدد یا محکومیت قطعی سابق برای اعمال قواعد تکرار به دادگاه صادرکننده حکم (مواد ۵۵، ۵۸ ق.م.ا)
- ۷- تقاضای آزادی مشروط از دادگاه صادرکننده حکم پس از حصول شرایط قانونی و گذشت مهلت‌های مقرر (ماده ۵۸ ق.م.ا)
- ۸- تقاضای تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات جایگزین حبس به دادگاه صادرکننده رأی با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم (مواد ۷۷، ۸۰ و ۸۱ ق.م.ا)
- ۹- نظارت بر اجرای مجازات‌های جایگزین حبس اعم از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی روزانه و ... (مواد ۸۳، ۸۴ و ۸۵ ق.م.ا)

علاوه بر وظایف و اختیارات فوق، وفق ماده ۴۸۹ ق.آ.د.ک وظایف قاضی اجرای احکام کیفری عبارت است از:

- الف- صدور دستور اجرای احکام لازم‌الاجرای کیفری و نظارت بر شیوه اجرای آنها
- ب- نظارت بر زندان‌ها در امور راجع به زندانیان

- اعلام نظر درباره زندانیان واجد شرایط عفو و آزادی مشروط مطابق قوانین و مقررات
- ت - اعطای مرخصی به محکومان براساس قوانین و مقررات
- ث - اتخاذ تصمیم درباره محکومان سالمند، مبتلایان به بیماری‌های روانی و بیماری‌های جسمی صعب‌العلاج و سایر افراد محکوم نیازمند به مراقبت و توجه ویژه، از قبیل صدور اجازه بستری برای آنها در مراکز درمانی بر اساس ضوابط و مقررات
- ج- اجرای سایر وظایفی که به موجب قوانین و مقررات برای اجرای مجازات‌ها وضع شده یا بر عهده قاضی اجرای احکام کیفری یا ناظر زندان قرار گرفته است.

این ماده به صورت کلی ذکر شده است. مراجعه به سایر مواد قانون آئین دادرسی کیفری این وظایف اختیارات را با جزئیات و تفصیل بیشتری شرح می‌دهد که این تفصیل در چند طبقه به شرح ذیل خلاصه می‌شود:

وظایف و اختیارات قاضی اجرای حکم در خصوص کم و کیف اجرای حکم کیفری

- ۱- دستور شروع عملیات اجرای حکم (ماده ۴۹۴ و ۴۹۵ ق.آ.د.ک)
- ۲- صدور دستور اجراء و ارائه تعلیمات لازم برچگونگی اجرای رأی توسط نهادها و مقامات و نظارت بر اقدامات آنها (ماده ۴۹۵ و ۴۹۶ ق.آ.د.ک)
- ۳- تعیین شیوه اجرای رأی در صورت عدم تعیین شیوه اجراء در حکم قضایی (ماده ۴۹۸ ق.آ.د.ک)
- ۴- اختیار صدور دستور جلب محکوم علیه برای اجرای رأی (ماده ۵۰۰ ق.آ.د.ک)
- ۵- تشخیص و اجرای موارد تعویق اجرای حکم (ماده ۵۰۱ ق.آ.د.ک)
- ۶- صدور قرار موقوفی اجراء در موارد قانونی (ماده ۵۰۵ ق.آ.د.ک)
- ۷- صدور قرارهای تأمین، تبدیل قرار تأمین، تغییر کفیل یا وثیقه‌گذار و یا جایگزینی وثیقه در مرحله اجرای حکم (ماده ۵۰۷ و ۵۰۸ ق.آ.د.ک)
- ۸- صدور دستور منع خروج محکوم از کشور در صورت بیم فرار وی از کشور (ماده ۵۰۹ ق.آ.د.ک)
- ۹- احتساب ایام بازداشت قبلی در صورت عدم محاسبه در حکم صادره (ماده ۵۱۷ ق.آ.د.ک)
- ۱۰- تعیین وقت نظارت برای پرونده ده روز پیش از اتمام مدت حبس به منظور انجام به موقع آزادی محکوم بلافاصله پس از اتمام مدت مجازات (ماده ۵۱۸ ق.آ.د.ک)
- ۱۱- اعطای معافیت بیست درصدی (۲۰٪) از پرداخت جزای نقدی برای محکومی که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ احضاریه قاضی اجرای احکام کیفری برای پرداخت جزای نقدی حاضر شود (تبصره ۳ ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک)
- ۱۲- اعلام عدم پرداخت اقساط جزای نقدی توسط محکوم به دادگاه صادرکننده حکم جهت اقدام قانونی مقتضی (ماده ۵۳۲ ق.آ.د.ک)
- ۱۳- استیفای دیه از ماترک محکوم فوت شده (ماده ۵۳۵ ق.آ.د.ک)
- ۱۴- فروش اموال منقول فاسدشدنی مربوط به اجرای حکم در صورت عدم تحویل از سوی محکوم له (ماده ۵۳۶ ق.آ.د.ک)

- ۱۵- لغو قرار تأمین صادره و آزادی محکوم‌علیه در صورتیکه محکوم‌له ظرف سه ماه پس از اخطار تقاضای اجرای حکم را ننماید در مواردی که اجرای مجازات منوط به درخواست محکوم‌له باشد (ماده ۵۴۱ ق.آ.د.ک)
- ۱۶- الزام به حضور در مراسم حکم سلب حیات (ماده ۵۴۳ ق.آ.د.ک)
- ۱۷- احضار و در صورت لزوم جلب محکومی که مجازات وی معلق شده است و تفهیم دستورات دادگاه و ضمانت اجرای عدم دستورات به وی (ماده ۵۵۱ ق.آ.د.ک)
- ۱۸- اعطای نیابت‌های لازم به قضات اجرای سایر حوزه‌های قضایی در موارد لزوم (ماده ۵۵۸ ق.آ.د.ک)

وظایف قاضی اجرای حکم در نظارت بر زندانیان و مرخصی ایشان

- ۱- تأیید تصمیم شورای طبقه‌بندی زندان در خصوص زندانی (تبصره ۲ ماده ۵۱۳ ق.آ.د.ک)
- ۲- نظارت بر هرگونه انتقال یا اعزام زندانی به زندان یا حوزه‌های قضایی دیگر و نیز بازگشت وی (ماده ۵۱۹ ق.آ.د.ک)
- ۳- تشخیص صلاحیت زندانی بر مرخصی و تعیین نحوه خروج زندانی برای مرخصی و اخذ تأمین‌های لازم (ماده ۵۲۰ ق.آ.د.ک)^۱
- ۴- تعیین مدت زمان مورد نیاز برای مداوای زندانی بیمار جهت درمان در خارج از زندان (ماده ۵۲۲ ق.آ.د.ک)
- ۵- تأیید تنبیهات تعیین‌شده از سوی شورای انضباطی برای زندانی متخلف (ماده ۵۲۴ ق.آ.د.ک)
- ۶- نظارت بر حضور و فعالیت محکومان در محل تبعید یا اقامت اجباری (ماده ۵۴۶ ق.آ.د.ک)
- ۷- اعطای مرخصی به محکومین تبعیدی در صورت ضرورت و با اخذ تأمین مناسب با رعایت مفاد ماده ۵۲۰ ق.آ.د.ک (ماده ۵۴۷ ق.آ.د.ک)
- ۸- نظارت بر محکوم‌علیه در طول دوره تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، تعویق صدور حکم و نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و تعیین شیوه‌های مراقبت از وی برای نظارت مأمور مراقبتی (ماده ۵۵۶ ق.آ.د.ک)

همچنین ماده ۴۵ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندانها، مقرر می‌کند: «افزون بر نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات مربوط به زندان‌ها و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و سایر وظایفی که به موجب مقررات بر عهده قاضیان ناظر زندان گذارده شده است وظایف آنان با رعایت مقررات این آیین‌نامه عبارت است از:

- ۱- اعمال نظارت بر امور محکومان از حیث پیشبرد اهداف بازپرورانه و اتخاذ تدابیر مناسب به منظور فردی سازی هر چه بیشتر کیفرها

^۱ ماده ۲۲۷ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندانها - دادستان یا شورای طبقه‌بندی می‌توانند برای زندانیانی که به مرخصی اعزام می‌شوند تکالیفی از قبیل معرفی نوبه‌ای به مراجع انتظامی، عدم حضور در برخی از اماکن در حین مرخصی مقرر دارد و چنانچه زندانیان دستورات صادره را رعایت نمایند، باقیمانده مرخصی آنان ملغی و از یک نوبت مرخصی بعدی محروم خواهند شد.

ماده ۲۲۸ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندانها - چنانچه زندانی در خاتمه مدت مرخصی به زندان مراجعه نماید، رئیس زندان باید ضمن اقدام لازم برای دستگیری زندانی و عودت وی به زندان مراتب غیبت را بلافاصله برای تشریفات مربوط به ضبط تأمین مأخوذه به مقام قضایی مربوط اعلام نماید. مقام قضایی ذرابط نیز باید نتیجه اقدامات مربوط به ضبط تأمین مأخوذه را برای درج در پرونده به زندان منعکس نماید.

- ۲- شرکت در شورای طبقه‌بندی، ملاحظه پرونده شخصیت محکوم و اتخاذ تصمیم در مورد شیوه اعمال کیفر^۱
 - ۳- اعلام تخلف‌های آیین‌نامه‌ای و قانونی محکومان و متهمان به مراجع قضایی مربوط، در مواردی که متضمن جرم باشند.
 - ۴- صدور مجوز به منظور ملاقات نمایندگان سیاسی و کنسولی اتباع خارجی که در حال تحمل کیفر یا بازداشتند.
 - ۵- اعطای مرخصی به محکومان با ملاحظه پیشرفت‌های بازپرورانه و مقررات آیین‌نامه^۲
 - ۶- مطالعه پرونده افراد تحت قرار بازداشت موقت یا کسب اطلاع از پرونده آنان به وسیله دفتر حمایت از حقوق شهروندی سازمان یا طرف دیگر و اعلام مراتب گذشت مدت‌های قانونی موضوع بند ۳ ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸) صرفاً جهت اطلاع به مراجع یاد شده
 - ۷- صدور مجوز قانونی به منظور ملاقات و کیلان و مشاوران حقوقی با موکلان خود
 - ۸- برگزاری جلسه‌های هفتگی پرسش و پاسخ با محکومان و متهمان به منظور حل مشکلات قانونی برآمده از نحوه اجرای کیفرها و پاسخگویی به مشکلات حقوقی آنان»
- همچنین وفق مواد ۱۸۲ تا ۱۸۵ آیین‌نامه اجرایی مزبور، تعیین انواع ملاقات محکوم با بستگان، دوستان، وکلای محکوم و در اختیار قاضی ناظر زندان است.

سایر وظایف و اختیارات مقرر برای قاضی اجرای احکام در قانون آیین دادرسی کیفری

- ۱- اجرای قرار تأمین خواسته کیفری وفق مقررات اجرای احکام مدنی و رفع اشکالات ناشی از اجرای آن (ماده ۱۰۹ و ۱۱۰ ق.آ.د.ک)
- ۲- دستور کنترل ارتباطات مخابراتی محکومان (تبصره ۲ ماده ۱۵۰ ق.آ.د.ک)
- ۳- اجرای دستور دادستان در خصوص اخذ وجه‌الکفاله یا ضبط وثیقه در موارد قانونی (ماده ۲۳۰ ق.آ.د.ک)
- ۴- ارسال خلاصه دادنامه محکومیت اتباع بیگانه به دادستانی کل کشور (تبصره ۲ ماده ۲۳۶ ق.آ.د.ک)
- ۵- ارائه اطلاعات محکومیت‌های سابق محکوم یا جرایم متعدد وی به مرجع صالح جهت رعایت قواعد تعدد و تکرار در صورت کسب این اطلاعات پس از صدور حکم و حین اجرای حکم (ماده ۵۱۰ و ۵۱۱ ق.آ.د.ک)

^۱ ماده ۶۵ آیین‌نامه اجرایی - در هر زندان، مرکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا، شورایی با ترکیب زیر به نام شورای طبقه‌بندی زندانیان تشکیل می‌شود: قاضی ناظر زندان به عنوان رییس شورا؛ رییس زندان یا مرکز مربوط به عنوان دبیر شورا مسئولین واحدهای قضایی، بازپروری، انتظامی، رییس اندرزگاه مربوط، یک نفر روانشناس و یک نفر مددکار که در قسمت تشخیص فعالیت می‌نمایند با انتخاب رییس مرکز یا زندان

^۲ ماده ۲۲۷ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها - اعطای مرخصی به محکومین، موکل به تصویب شورای طبقه‌بندی زندان و اخذ تأمین مناسب توسط مقام قضایی مربوطه می‌باشد. اخذ تأمین و اقدامات مربوط به آن با التفات به رأی وحدت رویه شماره ۶۸۰ مورخ ۱۳۸۴/۵/۲۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور از هر حیث تابع احکام مربوط به قراردادهای تأمین در قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد.

ماده ۲۱۸ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها - دادستان محل و یا رئیس حوزه قضایی بخش که عهده‌دار وظایف دادستان می‌باشد می‌تواند با رعایت شرایط پیش‌بینی شده در این فصل با اخذ تأمین مناسب رأساً نسبت به اعطای مرخصی اقدام نمایند.

ماده ۲۱۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها - شورای طبقه‌بندی موظف است ضمن بررسی پرونده شخصیت رفتاری محکومین، چنانچه باقیمانده حبس آنها حداکثر معادل یک دهم کل محکومیت آنان بوده مشروط بر اینکه مدت مزبور از شش ماه تجاوز ننماید، با در نظر گرفتن وضعیت جسمانی یا معیشت خانواده، اصلاح‌پذیری، شخصیت محکوم و لحاظ امتیازات مکتسبه و در صورت استحقاق با اخذ تعهد کتبی و بدون اخذ تأمین نسبت به اعطای مرخصی به آنان اقدام نماید.

۶- پیشنهاد کاهش مدت تعلیق یا لغو تمام یا برخی از دستورهای تعیین شده به دادگاه صادرکننده حکم در صورت استمرار حسن اخلاق محکوم‌علیه پس از سپری شدن حداقل شش ماه از مدت تعلیق اجرای مجازات (ماده ۵۵۲ ق.آ.د.ک)

۷- پیشنهاد اجرای نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی پس از وصول گزارش شورای طبقه‌بندی زندان و نظریه مددکاران اجتماعی معاونت اجرای احکام کیفری، مبنی بر آنکه اجرای یک فعالیت شغلی یا حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان پزشکی، از سوی محکوم‌علیه در خارج از محیط زندان، در فرآیند اصلاح وی و یا جبران ضرر و زیان بزه‌دیده مؤثر است (ماده ۵۵۳ ق.آ.د.ک)

لازم به ذکر است که وفق «آیین نامه اجرایی شیوه استقرار معاونت اجرای احکام کیفری در زندانها و مؤسسات کیفری» دادستان می تواند معاونت اجرای احکام کیفری یا واحدی از آن را در صورت تصویب رئیس قوه قضائیه در زندانها یا مؤسسات کیفری مستقر نماید. در صورت تشکیل معاونت یا واحد مذکور، با نظر دادستان با توجه به جمعیت کیفری مؤسسه یا زندان، به تعداد لازم قاضی اجرای احکام، مددکار اجتماعی، مأمور اجرا و مأمور مراقبتی به معاونت یا آن واحد اختصاص می یابد. در این صورت به قاضی اجرای احکام کیفری که با دستور دادستان در زندانها و یا مؤسسات کیفری انجام وظیفه می کند، قاضی مستقر در زندان اطلاق می شود که تمام وظایف و اختیارات قاضی اجرای احکام را دارد.